



مجموعه اسناد مصوب کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری

مجموعه ای که در اختیار دارید حاوی اسناد مصوب کنگره اول حزب است. بجز اسناد جدید پیشنهاد شده به کنگره اول که بخشا تصویب شدند، طی قراری منتخبی از اسناد و قطعنامه های حزبی در ۳ سال گذشته که به تصویب پلنومهای حزب رسیده بودند، در کنگره اول مجددا تصویب شدند. مجموعه این اسناد تصویر روشنی از خط مشی سیاسی و تفاوت های حزب اتحاد کمونیسم کارگری را بدست میدهد.

انتشارات حزب اتحاد کمونیسم کارگری

آوریل ۲۰۱۱ - فروردین ۱۳۹۰

Tel- SMS: +44 (0) 777 227 86 49

Website: www.wupiran.org & www.wupiran.net

Radio website: www.wupradio.org

Email: markazi.wupi@gmail.com

Mansoor Hekmat websites:

<http://hekmat.public-archive.net/>

www.m-hekmat.com/

فهرست:

- و استراتژی ما
- ۳- قطعنامه زنده باد انقلاب کارگری
- ۴- قطعنامه در باره روش برخورد به جنبش "ملی-اسلامی" و "ناسیونالیسم طرفدار غرب"
- ۵- قطعنامه پیرامون سیاست سازماندهی توده ای حزب در خارج کشور
- ۶- بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در باره "منشور آزادی، برابری و رفاه"
- ۷- ارگانه‌های اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید! زنده باد شوراها!
- ۸- قطعنامه در باره عملکرد "کمیته های کارگری" و تأکیدی مجدد بر ایجاد تشکلهای توده ای کارگری
- ۹- قطعنامه در باره سندیکالیسم
- ۱۰- قطعنامه در باره تشکلهای توده ای طبقه کارگر شورا، مجمع عمومی، سندیکا
- ۱۱- بیانیه حزب در مورد جایگاه سیاست کنترل کارگری
- ۱۲- بیانیه حزب در باره بحران جهان سرمایه داری و خطوط عمده وظایف ما
- ۱۳- علیه گرانی و فقر! وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر
- ۱۴- جنگ داخلی در فلسطین و راه حل ما
- ۱۵- قطعنامه درباره مساله فلسطین
- ۱۶- چگونه میتوان تروریسم اسلامی را نابود کرد؟
- ۱۷- بیانیه دفتر سیاسی برای مذهب زدایی از جامعه
- ۱۸- بیانیه حقوق جهانشمول انسان
- ۱۹- بیانیه دفتر سیاسی: بیانیه حقوق زن
- ۲۰- بیانیه حقوق مهاجرین
- ۱- اطلاعیه پایانی کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری
- ۲- قطعنامه مصوب کنگره اول، حزب اتحاد کمونیسم کارگری و قدرت سیاسی
- ۳- پیام کنگره به طبقه کارگر ایران
- ۴- پیام کنگره اول به مردم بپاخواسته در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا: شما چهره جهان را تغییر داده اید!
- ۵- پیام به مردم آزادیخواه، زنان و جوانان: جمهوری اسلامی را با یک انقلاب کارگری بزیر کشیم!
- ۶- پیام "سازمان ابتکار کمونیسم کارگری" به کنگره اول حزب
- ۷- بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در باره نقش و جایگاه منصور حکمت: کمونیسم منصور حکمت پرچم حزب ماست!
- مصوب دفتر سیاسی حزب در ماه مارس،
- ۱- بیانیه حزب در باره، جایگاه کارگر و کمونیسم در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا
- ۲- قطعنامه حزب: نیروگاه های هسته ای باید برچیده شوند!
- مجموعه اسناد منتخب که در کنگره اول حزب طی قرار مصوب مجدداً شدند:
- ۱- بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری؛ کمونیسم کارگری، جنگ، جامعه و قدرت سیاسی!
- ۲- قطعنامه سیاسی پلنوم ششم حزب؛ موقعیت سیاسی حاضر

یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشماری و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری با موفقیت پایان رسید

قرار گرفت. آنگاه کلیت قطعنامه به رای گذاشته شد و به اتفاق آراء به تصویب رسید. قطعنامه بعدی، "دورنمای فقر و فلاکت و جایگاه کارگر و کمونیسم در تحولات سیاسی جاری" توسط سیاوش دانشور معرفی گردید و بحث داغ و مفصلی حول آن جریان یافت. در انتهای این مبحث این قطعنامه با رای اکثریت تصویب شد و برای بررسی نهایی به دفتر سیاسی ارجاع شد.

در بخش قرارها ابتدا کنگره طی قراری، منتخبی از اسناد، قطعنامه ها و بیانیه های حزب اتحاد کمونیسم کارگری را تصویب کرد. همینطور چند قرار در باره ایجاد کمیته خارج کشور، سازماندهی خانه های حزب و انتشار آثار منصور حکمت را تصویب کرد.

علاوه بر مباحث فوق، دو سمینار در جوار کنگره تشکیل شد. مبحث تحزب و حزبیت و لزوم انسجام و رشد و قدرت گیری حزب توسط آذر ماجدی و اوضاع بین المللی، تحولات انقلابی و سیاست کمونیسم کارگری توسط سیاوش دانشور ارائه شد و مباحث بسیار جالبی در هر دو سمینار توسط شرکت کنندگان مطرح گردید. در مبحث حزبیت تاکید بسیاری بر ضرورت تحکیم حزبیت، شکل دادن به ارگان های حزبی، ارتقاء دیسپلین تشکیلاتی و تشکیل منظم خانه های حزبی توسط واحد های حزب در خارج کشور گذاشته شد. در مبحث اوضاع بین المللی... بویژه به موقعیت خاورمیانه و آفریقای شمالی، خیزش های توده ای اخیر در این منطقه پرداخته شد. بر وجه بسیار روشن ضد کاپیتالیستی این جنبش ها تاکید شد. همچنین به بحران عمیق و گسترده سرمایه داری در دو سال گذشته و تاثیرات خانمان برانداز آن بر مردم جهان، لزوم تاکید بر سازمانیابی کارگران و مردم و ایفای نقش فعال توسط حزب پرداخته شد. این مبحث مورد استقبال گرم حاضرین قرار گرفت و کنگره رهبری حزب را موظف کرد که پیامی خطاب به کارگران و مردم بپاخاسته این کشورها تنظیم و منتشر کند.

سپس کنگره وارد دستور انتخابات شد. ابتدا کنگره تصویب کرد که تعداد اعضای کمیته مرکزی به بیست و یک نفر افزایش یابد. رفقای زیر به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شدند: هما ارجمند، محمود احمدی، احمد بابایی، جلیل بهروزی، کامران پایدار، مجید پستچی، علی جوادی، فخری جواهری، سیاوش دانشور، نسرین رمضانعلی، مهیار شاهی، جمشید عزیزی، سیروان قادری، پروین کابلی، مریم کوشا، مهرداد کوشا، آذر ماجدی، سعید مدانلو، پدram نواندیش، شهلا نوری و کریم نوری.

پس از آن آذر ماجدی از طرف کمیته تدارکات کنگره از رفقای که برای تدارک هر چه بهتر و با شکوه تر

اولین کنگره حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تاریخ 18 تا 21 فوریه در کشور آلمان برگزار شد. اکثریت نمایندگان، تعدادی از اعضای حزب بعنوان ناظر و شماری میهمان در کنگره شرکت داشتند. کنگره با خوش آمد گویی علی جوادی، یک دقیقه سکوت بیاد منصور حکمت، جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، جانباختگان مبارزات اخیر ایران و خیزش های توده ای تونس، مصر و سایر کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی و سرود انترناسیونال کار خود را آغاز کرد.

ابتدا آئین نامه پیشنهادی باتفاق آراء به تصویب رسید. گزارشی از روند انتخابات کنگره توسط آذر ماجدی ارائه شد و صحت انتخابات و اعتبار نامه نمایندگان توسط کنگره تصویب شد. بعد از آن هیات رئیسه انتخاب و دستور جلسه کنگره تصویب شد.

اولین دستور چشم اندازها و اولویت ها بود که بترتیب توسط علی جوادی تحت عنوان جایگاه ویژه حزب اتحاد کمونیسم کارگری، سیاوش دانشور با تم پایان یک دوره و مصافهای کمونیسم کارگری، نسرین رمضانعلی با عنوان جایگاه حزب در میان طبقه کارگر و آذر ماجدی تحت عنوان حزب و جنبش کمونیسم کارگری، حزب و قدرت سیاسی ارائه شد. سپس نمایندگان پیرامون مباحث ارائه شده اظهار نظر کردند. سپس نیکلا دسو پیام ابتکار کمونیسم کارگری، جریانی که اخیرا در فرانسه بنیان گذاشته شده را به کنگره اعلام کرد.

اجلاس بعدی کنگره به مبحث گزارش فعالیت های حزب و بحث پیرامون گزارش اختصاص داشت. ابتدا اسلاید شونی از گزیده ای از فعالیت های حزب پخش شد که مورد استقبال پرشور حاضرین قرار گرفت. آنگاه آذر ماجدی گزارشی عمومی از فعالیتها و موقعیت حزب، ضعف ها و نارسایی های حزب و چگونگی غلبه بر آنها ارائه داد. سپس مسئولین عرصه های مختلف فعالیت حزب، نسرین رمضانعلی مسئول کمیته سازمانده، مجید پستچی مسئول سایت حزب و سایت رادیوی یک دنیای بهتر، سیروان قادری مسئول دفتر دفاع از حقوق پناهندگی حزب، شهلا نوری مسئول امور مالی و مریم کوشا مسئول کمیته روابط بین الملل حزب و برنامه رادیویی بنیاد منصور حکمت گزارشی از فعالیت های عرصه خود ارائه دادند. پس از آن در مورد گزارش ها و موقعیت حزب و نکاتی که باید در فعالیت آتی مورد توجه خاص و تمرکز قرار گیرد بحث شد.

جلسه سوم کنگره به مبحث قطعنامه ها و قرارها اختصاص داشت. علی جوادی قطعنامه "حزب اتحاد کمونیسم کارگری و قدرت سیاسی" را معرفی کرد. بحث زنده و داغی پیرامون این قطعنامه انجام شد. اصلاحیه های ارائه شده مورد بحث و رای

کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری با موفقیت پایان رسید ...

کمیته مرکزی منتخب کنگره اول حزب:

هما ارجمند، محمود احمدی، احمد بابایی، جلیل بهروزی، کامران پایدار، مجید پستچی، علی جوادی، فخری جواهری، سیاوش دانشور، نسرين رضانعلی، مهیار شاهی، جمشید عزیزی، سیروان قادری، پروین کابلی، مریم کوشا، مهرداد کوشا، آذر ماجدی، سعید مدانلو، پدram نواندیش، شهلا نوری و کریم نوری.

دفتر سیاسی منتخب کنگره اول حزب:

محمود احمدی، جلیل بهروزی، علی جوادی، سیاوش دانشور، نسرين رضانعلی، سیروان قادری، مریم کوشا، آذر ماجدی، سعید مدانلو و شهلا نوری.

هیات دائر دفتر سیاسی حزب:

جلیل بهروزی، علی جوادی، سیاوش دانشور، نسرين رضانعلی و آذر ماجدی.

کنگره فعالیت کرده بودند، قدردانی کرد. ضمنا حامد محمدی در این کنگره به عضویت حزب درآمد و صحبت کوتاهی در مورد دلیل انتخاب حزب اتحاد کمونیسم کارگری ارائه کرد. هیات رئیسه کنگره ضمن استقبال از این تصمیم و تبریک به حامد محمدی، یک شاخه گل و یک نسخه از برنامه یک دنیای بهتر، برنامه حزب، را به او تقدیم کرد.

برای اختتامیه، ویدئوی سخنرانی منصور حکمت در کنگره سوم حزب کمونیست کارگری تحت عنوان اوضاع سیاسی و موقعیت ویژه حزب پخش شد که با استقبال پرشور حاضرین مواجه شد. سپس کنگره با پخش سرود انترناسیونال رسماً به کار خود پایان داد.

پس از خاتمه کنگره پلنوم کمیته مرکزی با شرکت اکثریت اعضای آن تشکیل شد. پلنوم به انتخاب دبیر کمیته مرکزی و دفتر سیاسی پرداخت. علی جوادی باتفاق آراء به دبیری کمیته مرکزی انتخاب شد و رفقا: محمود احمدی، جلیل بهروزی، علی جوادی، سیاوش دانشور، نسرين رضانعلی، سیروان قادری، مریم کوشا، آذر ماجدی، سعید مدانلو و شهلا نوری برای دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند. سپس در جلسه دفتر سیاسی هیات دائر حزب انتخاب گردید. رفقا جلیل بهروزی، علی جوادی، سیاوش دانشور، نسرين رضانعلی و آذر ماجدی بعنوان اعضای هیات دائر دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند.

کنگره اول حزب در یک فضای بسیار رفیقانه و صمیمانه برگزار شد. شرکت کنندگان با حرارت در مباحث شرکت کردند. سطح بالای مباحث، صراحت لهجه، احساس حقانیت و اشتیاق بالای سیاسی تصویر این کنگره بود. فرصت کافی برای اظهار نظر نمایندگان، ناظرین و میهمانان اختصاص داده شد.

کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری یک کنگره جدی مارکسیستی بود که صلابت کمونیسم کارگری منصور حکمت را بخوبی نمایندگی می کرد. این کنگره بار دیگر نشان داد که حزب اتحاد کمونیسم کارگری حزب ادامه دهنده کمونیسم کارگری منصور حکمت است.

۲۴ فوریه ۲۰۱۰

**جهان بدون فراخوان
سوسیالیسم، بدون امید
سوسیالیسم، بدون "خطر"
سوسیالیسم، به چه منجلابی
تبدیل میشود!**

حزب اتحاد کمونیسم کارگری و قدرت سیاسی

۱- جامعه ایران دوران پر تحول و تلاطمی را از سر میگذراند. خیزش توده های مردم در سال ۸۸ تنها حلقه ای از تحولات سیاسی آتی، خیزشها، اعتصابات، اعتراضات شهری، قیامها و انقلابی است که میتواند از دل جنبش توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی عروج کند. این نبردها سرنوشت حکومت اسلامی و تکلیف نظام سیاسی - اقتصادی آتی ایران را مشخص خواهد کرد. حکومت اسلامی که تاکنون بزور سرنیزه و اعدام و تحمیل فقر و فلاکت گسترده قادر به بقاء خود شده است، بمثابة یک حکومت استبدادی، اسلامی، ضد زن، استثمارگر، و عقب مانده مورد تعرض توده های وسیع مردم و مشخصا نسل جوان قرار داشته و سرنگونی اش در دستور روز جامعه قرار دارد. یک نتیجه بلافصل این تحولات سرنگونی رژیم اسلامی و جارو شدن بساط استبداد مذهبی، اسلام و زن ستیزی از جامعه ایران است.

۲- بن بست حکومت اسلامی، بحران لاعلاج اقتصادی و سیاسی، و خطر دائمی سرنگونی و انقلاب کارگری به شکافهای درون جناحهای رژیم اسلامی ابعاد ویژه و متفاوتی بخشیده است. حکومت اسلامی اکنون شکننده تر از هر زمان با شدت بیشتری سیاست قداره بندی اسلامی و تشدید اختناق و فلاکت اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده است. اما این سیاستها از پیش شکست خورده و عامل انزجار بیشتر مردم و نه ابزار ارباب آنهاست. از طرف دیگر پروژه تعدیل و اصلاح حکومت اسلامی و کنترل و مهار اعتراضات مردم در چهارچوب قانون اساسی در قالب جنبش سبز هم عملا شکست خورده و به کناری زده شده است. اصلاح طلبان حکومتی اکنون عملا از مراکز اصلی قدرت سیاسی کنار زده شده اند. یک نتیجه این تحولات این است که صورت مساله اصلی سیاست در ایران یعنی نخواستن مردم و نتوانستن حکومت با شدت هر چه بیشتری در سطح جامعه مطرح خواهد شد. این رویدادها به کشمکش جنبشهای اصلی جامعه بر متن تقابل طبقات اصلی جامعه حدت بیشتری می بخشد. نتیجتا جنبش اعتراضی بخشهای مختلف جامعه، جنبش کارگران، زنان، جوانان و دانشجویان در اشکال مستقل تری بروز پیدا خواهند کرد. از سوی دیگر رابطه این اعتراضات مشخصا با آرمان و سیاستهای جنبش کمونیسم کارگری در تحقق آزادی، برابری، رفاه و برقراری یک جامعه سکولار و سوسیالیستی نزدیکتر میشود.

۳- حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمثابة نوک کوه یخ جنبش عظیم کمونیسم کارگری برای سرنگونی همه جانبه رژیم اسلامی و تصرف قدرت سیاسی در ایران و استقرار فوری حکومتی آزاد، برابر و مرفه برای همگان، یعنی یک جمهوری سوسیالیستی، تلاش میکند. ما میکوشیم در صف مقدم جنبش سرنگونی رژیم اسلامی قرار گرفته و حکومت اسلامی را در پس یک انقلاب عظیم کارگری و با کمترین مشقت سرنگون کنیم. این مطلوبترین

۴- سرانجام تحولات سیاسی آتی محصول تلاقی سه جنبش اصلی جامعه، جنبش کمونیسم کارگری، ناسیونالیسم پرو غربی، و جنبش ناسیونال - اسلامی است. در این جدال هم اپوزیسیون بورژوازی و هم جنبش کمونیسم کارگری شانسی عینی پیروزی دارند. اما جنبش کمونیسم کارگری علیرغم کمبودها و ضعفهای کنونی بنا به موقعیت عینی گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر و جنبشهای اعتراضی زنان و جوانان که میتوانند بزیر پرچم آزادی و برابری و رفاه همگان بسیج شوند تنها جنبشی است که متضمن خواستهای واقعی و عمیق توده های مردم بوده و از این امکان برخوردار است که بتواند یک حکومت پایدار و متضمن خواستهای دیرینه مردم را در ایران شکل دهد. این جنبشی است که نه تنها میتواند حضور مستقل طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی در تحولات آتی جامعه را تضمین کند بلکه در موقعیتی است که میتواند توده های مردم را در سرنگونی رژیم اسلامی با کم ترین مشقت رهبری و هدایت کند.

۵- سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی مستلزم شکل گیری رهبری کمونیستی در راس جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم است. بدین منظور یک رکن تلاش ما نقد همه جانبه افق، سیاست و آرمانهای دو جنبش اصلی دیگر جامعه یعنی جنبش ناسیونالیسم پرو غربی و جنبش ناسیونال اسلامی و کنار زدن نقطه سازشهایی است که نیروهای متنوع این جنبشها در مقابل اعتراضات مردم قرار میدهند. از طرف دیگر تلاش برای سازماندهی حزبی و توده ای کارگران و سازماندهی جنبشهای اعتراضی زنان و جوانان و دانشجویان یک وظیفه حیاتی ما است. در این چهارچوب حزب اتحاد کمونیسم کارگری بر برپایی شوراهای کارگری متکی بر مجامع عمومی روتین و منظم و همچنین شوراهای سرخ جوانان در محلات تاکید میکند. شکل گیری رهبری کمونیستی در عین حال منوط به قرار گرفتن شخصیتها و رهبران جسور کمونیست و حزبی در راس جنبشهای اعتراضی آذیخواهانه و برابری طلبانه جامعه است.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای پیشروی و پیروزی باید به ضعفها و کاستی های متعددی فائق آید. مرگ نابهنگام منصور حکمت و جدایی ها در صفوف این جنبش ضربات متعددی را بر پیکر ما وارد کرده است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری باید بر این شرایط غلبه کند، باید خوش بینی و امید به

حزب اتحاد کمونیسم کارگری و قدرت سیاسی...

پیروزی کمونیسم کارگری را در یک پروسه اجتماعی و حقیقی در جامعه بازسازی و اعاده کند. بدین منظور حزب باید، الف) نیروهایی را که به اسم کمونیسم کارگری عملاً سیاستها و اهداف جنبشهای غیر کمونیستی و غیر کارگری را تبلیغ و پراکنده میکنند، بطور همه جانبه نقد کند، ب) به نیروی بلامنزاع سازمانی این جنبش، به تحزب گرایش سوسیالیستی و رادیکال طبقه کارگر و جامعه و به حزب سیاسی کارگران و نماینده قیام کارگری آتی، ج) به پرچمدار چپ افراطی اجتماعی، پرچمدار مارکسیسم، مذهب ستیزی و مقابله با فروستی زن در جامعه، تبدیل شود.

۷- حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تبیین استراتژی سازمانی خود برای سرنگونی رژیم اسلامی بر حلقه های زیر: الف) حضور قدرتمند در جدال بر سر قدرت سیاسی، ب) سازماندهی و رهبری اعتراضات جاری و رادیکال کارگری، ج) گسترش همه جانبه سازماندهی حزبی و توده ای کارگری، د) تلاش برای کسب هژمونی سیاسی در جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم، ه) تبدیل شدن به یک حزب بزرگ توده ای با نیروی مسلح، و) سازماندهی قیام و جنگ توده ای برای سرنگونی رژیم اسلامی، تاکید میکند.

۸- حزب اتحاد کمونیسم کارگری فعالین رادیکال سوسیالیست کارگری، رهبران عملی کارگری و فعالین کمونیست را بمنظور رهبری مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و سازماندهی یک انقلاب عظیم کارگری به صفوف خود فرا میخواند.

این قطعنامه به اتفاق آراء تصویب شد.

پیام کنگره اول حزب به مردم بپاخاسته در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

شما چهره جهان را تغییر داده اید!

اعتراض و قیام برحق شما علیه فقر و اختناق و فساد و دیکتاتوری شورانگیز است. تلاش انقلابی برای بزیر کشیدن دیکتاتوریهایی سرمایه، تن ندادن به زورگونی ژنرالها و شیوخ مرتجع و نظامهای سلطنتی و عهد عتیقی، مورد حمایت هر انسان آزاد اندیش در جهان است. شما حق دارید که حاکمیت مبارک ها، بن علی ها، قذافی ها، عبدالله صالح ها، بارزانی ها و انواع مرتجعین سیاسی را نپذیرید! شما حق دارید علیه گرسنگی و بیکاری و ناامنی سیاسی و اقتصادی بپاخیزید! شما حق دارید با قدرت انقلابی این مرتجعین سیاسی و رژیم هایشان را بزیر بکشید! در این مبارزه انقلابی بشریت آزادیخواه در کنار شماست!

کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری مفصلاً در باره این دوران جدید، تاثیرات آن بر سیاست منطقه ای و جهانی، نقاط قدرت و ضعف آن تمرکز کرد. کنگره حزب همراه با طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی در ایران خود را در کنار شما میداند و به تلاش بزرگ و دورانساز شما دورد میفرستد! کنگره حزب در عین حال بر مخاطراتی که در مقابل مبارزه برحق شما صف کشیده اند و بر رفع انقلابی محدودیتهای این مبارزات تاکید کرد.

ما براین باوریم که پیشروی و پیروزی شما در هر کشور در گرو نفی کامل نظامی است که علیه آن بپا خواسته اید. بن علی و مبارک رفته اند و قذافی و دیگران هم در حال رفتن اند. اما حکومت و نظامی که بن علی ها و مبارک ها سمبل آن بودند سرچایش است. بدون نفی کامل نظام کنونی، بدون منحل کردن کلیه ارگانهای سرکوب، بدون لغو دیپلماسی سری، بدون دخالت گسترده و مستمر توده مردم در سیاست، بدون خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه حاکم، این مبارزات علیرغم تمام جانفشانی ها شکست میخورد. با اینحال تلاش تاکنونی شما کل صفتبندیهای سیاسی در منطقه را تغییر داده و پایه های نظامهای مبتنی بر فقر و دیکتاتوری را بلرزه انداخته است. شما فی الحال چهره جهان را تغییر داده اید و بار دیگر امید آزادی و انقلاب علیه وضع موجود را به افق و روش مبارزه صدها میلیون تبدیل کرده اید!

ما با علاقه رویدادهای سیاسی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را دنبال میکنیم. ما هر پیروزی شما را پیروزی خود میدانیم. شرط پیشروی اینست که به کم رضایت ندهید، به جریانات مرتجع جنبش اسلام سیاسی اعتماد نکنید و وارد هیچ ائتلاف سیاسی با آنها نشوید، به ارتش بعنوان نهادی سرکوبگر و مافوق مردم اعتماد نکنید و خواهان انحلال آن شوید. بر سکولاریسم، رفع تبعیض، برابری همه شهروندان، آزادی بیقید و شرط بیان و اعتراض، آزادی احزاب تاکید کنید و هیچ قانون اضطراری و حق ویژه قدرت فائقه را برسمیت نشناسید. شرط پیشروی در شرایط کنونی اتکای بلافصل بر ارگانهای اعمال اراده توده ای یعنی شوراهای ایجاد و گسترش آنهاست. باید در مقابل قدرت رو به زوال بالائی ها قدرت آلترناتیو را قرار دهید! بویژه کارگران باید حزب سیاسی کمونیستی کارگری شان را بسرعت بسازند و بعنوان رهبر آزادی جامعه قد علم کنند!

گذشته با تمام کراهت اش زیر سوال رفته است اما آینده نامعلوم است. این شما هستید که آینده را میسازید. این آینده میتواند آینده ای آزاد و برابر و مرفه سوسیالیستی باشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

فوریه ۲۰۱۱

کمونیسم منصور حکمت پرچم حزب ماست!

سلطه کمونیسمهای بورژوائی اردوگاههای شوروی، چین و پوپولیسم بود، از زیر آوار بیرون کشیدن کمونیسم و مارکسیسم و تلاش برای ناظر کردن این پرچم به حرکت سوسیالیستی طبقه کارگر یک استثناء در تاریخ جامعه است. تلاش های فکری و سیاسی منصور حکمت و دفاع پرشورش از مارکس و لنین، چپ ایران را دگرگون کرد و تشکیل حزب کمونیست ایران تنها یک محصول سیاسی آن بود. منصور حکمت به نماینده بلامنازع مارکسیسم در ایران بدل شد. در تداوم این تلاش ها و در چهارچوب مباحث کمونیسم کارگری درافزوده های تئوریک، سیاسی و پراتیک منصور حکمت بسیار تعیین کننده است. آثار متعدد و ماندگاری که از او بجا مانده است در موارد زیادی از متون مشابه مارکسیستی عمیق تر است. این افتخار بزرگ از آن اوست که موفق شد پرچم انقلابی و کارگری مارکسیستی را بعنوان پرچمی سیاسی، بسیار جذاب و قابل توجه در یک دوره بشدت تاریک در دنیا تبدیل کند.

۳ - از زاویه دستاوردهای تشکیلاتی، منصور حکمت منشاء و رکن اساسی فکری، سیاسی و عملی تشکیل سازمان "اتحاد مبارزان کمونیست"، "حزب کمونیست ایران"، "حزب کمونیست کارگری" و "حزب کمونیست کارگری عراق" است. وی همچنین مبتکر و طراح پروژه هائی مانند "فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی"، "اول کودکان"، "کنوانسیون خط نو" و بسیاری از پروژه های حزبی و غیر حزبی دیگر بوده است. از نظر سنتهای کار سیاسی و تشکیلاتی، او نماینده چهارچوب های اجتماعی و غیر فرقه ای فعالیت کمونیستی است. منصور حکمت تصویری اجتماعی از جنبش کمونیستی طبقه کارگر ارائه داد و با روشها و سنتهای کار فرقه ای و حاشیه ای که طی دهه های متمادی هویت چپ شده بود، تعیین تکلیف کرد. یکی از دستاوردهای مهم وی تبدیل کمونیسم به یک جنبش سیاسی است که روزمره در جدال قدرت شرکت دارد. منصور حکمت در زمان حیاتش بیوقفه تلاش کرد که نه فقط از مارکس و کمونیسم با تمام قدرت دفاع کند، بلکه کمونیسم را از تصویر سنتی و خاکستری موجود خلاص سازد و بعنوان یک سنت سیاسی، مطرح، جذاب، مدرن و انسانی در مقابل جامعه قرار دهد. در نتیجه کار و تلاش او انقلابی زیر و رو کننده در سیمای فکری و سیاسی، سنت ها و سبک کار چپ موجود بوجود آمد. منصور حکمت ارکان اساسی و هویتی یک کمونیسم کارگری مارکسی، سیاسی و خلاف جریان را ترسیم کرد. برای او طی کردن این مسیر و تبیین استراتژی پیروزی کمونیسم در ایران تنها راه احیاء کمونیسم در مقیاس جهانی بود.

۴ - به این اعتبار منصور حکمت دشمنان طبقاتی بیشماری داشت. او قادر شد پرونده کمونیسم بورژوائی را در قلمروهای فکری، سیاسی، تئوریک و سبک کاری در جامعه ایران ببندد و کمونیسم مارکسی و کارگری را مجدداً به یک جنبش سیاسی معتبر بدل کند.

رهبران شاخص جدال طبقاتی در تاریخ همواره موضوع جدال اند. منصور حکمت، نه فقط در مرکز جنبش کمونیستی طبقه کارگر، بلکه در میان نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی، از شاخص ترین شخصیتهای سیاسی است که همواره مورد بحث بوده است. هر کس که میخواهد با رژیم اسلامی بسازد باید با منصور حکمت و سازش ناپذیری انقلابی کمونیستی او تسویه حساب کند. هر کس که میخواهد در طیف چپ خود را "سوسیالیست، انقلابی و کارگری" نام بگذارد باید حسابش را با منصور حکمت صاف کند. هر کس که تا دیروز کاری میکرد و امروز نميخواهد بکند خود را ناچار می بیند با منصور حکمت دربیافتد. هر کس که تا دیروز به چپ و سوسیالیست بودن و همراهی با منصور حکمت افتخار میکرد و امروز میخواهد ناسیونالیست، قوم پرست، دمکرات، دگراندیش و پست مدرنیست باشد، اول سنگی به سوی منصور حکمت پرتاب میکند. هر کس که میخواهد دیدگاه های عتیق در چپ ایران را بازسازی کند و نمیتواند از اعتبار و میزان نفوذ کمونیسم کارگری صرف نظر کند، پشت منصور حکمت سنگر میگیرد. منصور حکمت، چه زمانی که زنده بود و چه پس از درگذشت اش، از معدود کسانی است که همراه با توجه وسیع به عقاید و دیدگاه هایش همزمان مورد تعرض و تحریف سیاسی و حتی حمله شخصی بوده است. به همین اعتبار دفاع از منصور حکمت ادامه کشمکش است که کمونیسم طبقه کارگر با جریانات متفرقه بورژوائی و جناح های مختلف آن داشته است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری تصریح میکند؛

۱ - منصور حکمت برجسته ترین نظریه پرداز مارکسیست و رهبر انقلابی و کمونیست معاصر است. بدنیال شکست انقلاب اکتبر و مرگ لنین، منصور حکمت تنها کسی است که روشن ترین رگه مارکسیستی را نه فقط در ایران، بلکه در قلمرو جهانی نمایندگی کرده است. او صریح ترین، با اعتماد به نفس ترین و انقلابی ترین نماینده کمونیسم پراتیک است. او در مقاطع مهم تاریخی، که ویژگی عمومی آن عقب نشینی و سرخوردگی و انفراد و تسلیم بود، یعنی در اوج سرکوب خونین "انقلاب ۵۷" و در اوج آنتی کمونیسم بین المللی در مقطع فروپاشی بلوک شرق، پرچم تشکیل حزب کمونیستی طبقه کارگر و پرچم حق با مارکس و طبقه کارگر است را برافراشت. منصور حکمت در یک مقیاس تاریخی و از نظر فکری و سیاسی نماینده انسانیت طبقه کارگر، حقانیت مارکس و انقلابیگری کمونیسم کارگری است.

۲ - منصور حکمت بعنوان یک تئوریسین مارکسیست سهم و مکان ویژه ای در دفاع از مارکسیسم داراست و درافزوده های عمیقی به تئوری مارکسیستی دارد. حجم آثار او در مقطع "انقلاب ۵۷" ایران، یعنی دورانی که چپ ایران تا مغز استخوان زیر

کمونیسم منصور حکمت پرچم حزب ماست...

که به روشن ترین وجهی ادامه ماتریالیسم پراتیک مارکس و لنین است و تاریخ جدالهای سیاسی و فکری پیروز و پر افتخار را پشتوانه خود دارد. منصور حکمت و کمونیسم کارگری او تنها افقی است که در صورت ناظر کردن آن به اعتراض ضد سرمایه داری طبقه کارگر میتوان افق پیروزی کمونیسم در ایران را گشود. پیروزی کمونیسم در ایران در گرو پیشروی این سنت متمایز اجتماعی در تقابل با سنتهای متفرقه غیر کارگری و بقایای کمونیسمهای اردوگاهی است. دفاع از منصور حکمت به این اعتبار تداوم جدال ما در قلمروهای متعدد جدال طبقاتی با جریانات بورژوائی است.

۷ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری بر تداوم دفاع قاطع و روشن و مستدل و سیاسی از منصور حکمت و بر برافراشتن قدرتمند تر این پرچم در متن اعتراض سیاسی و طبقاتی تاکید میکند. حزب بر معرفی وسیعتر منصور حکمت و انتشار آثار او، بویژه در اوضاع کنونی جهان که کمونیسم و مارکسیسم بار دیگر مورد توجه طبقه کارگر است، تاکید میکند. فقدان پرچم و سنت کمونیستی کارگری بناگزر اعتراض واقعی کارگران را پشت جریانات چپ بورژوائی و رفرمیستی و آنارشستی بسیج خواهد کرد. حزب، کارگران کمونیست، مارکسیستها و طرفداران کمونیسم کارگری را به پیوستن به صفوف حزب منصور حکمت فرا میخواند.

مصوب پلنوم چهارم به اتفاق آرا

ژانویه ۲۰۰۹ - بهمن ۱۳۸۷

آثار

منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

www.m-hekmat.com/

منصور حکمت قادر شد یکبار دیگر بعد از لنین و بلشویکها در جنگ اول، مرز روشنی با ناسیونالیسم و روایات مختلف نگرش ناسیونالیستی و پوپولیستی حاکم بر چپ ترسیم کند و در قلمرو سیاسی ناسیونالیسم مرتجع و ضد کمونیست را سرچایش بنشاند. حمله به منصور حکمت، تحریف او، داستان تراشی "قهرمانان پوشالی" که تمام جمال و جبروت شان را در "جنگ با منصور حکمت" تبیین میکنند و تلاش دارند در بازار آنتی کمونیسم کارگری سهمی بگیرند، همه براین واقعیات تاریخی، مکتوب و مدون و تلاش بیوقفه و دورانساز او متکی است.

۵ - به همین اعتبار درگذشت نابهنگام او توازن سیاسی را نه فقط در میان چپ، بلکه در اپوزیسیون ایران بهم ریخت. منصور حکمت قطبی بود که سیاست در ایران از او تأثیر می پذیرفت. منصور حکمت در سطح چپ ایران ستونی بود که به چپ امکان می داد در مقابل راست سر بلند کند. فقدان او تأثیرات تعیین کننده ای در این شرایط گذاشت و انشقاق در حزبی که او ساخته بود و دستاورد دو دهه تلاش کمونیسم مارکسی نوین معاصر بود، راه را بر میدان داری جریانات حاشیه ای و تعرض به منصور حکمت گشود. حمله به منصور حکمت عمیقاً سیاسی و طبقاتی است. ادامه جدال تمام نشده ناسیونالیسم و جنبشهای غیر کارگری و غیر مارکسیستی با کمونیسم طبقه کارگر است. آنهایی که در زمان حیات او به کتج عزلت خزیده بودند و توان عینی هموردی فکری و سیاسی با کمونیسم طبقه کارگر را نداشتند، بدنبال درگذشت وی و بویژه بدنبال انشعاب در حزب او بیرون آمدند. تاریخ مجعول "قهرمانی" های ناقهرمانان در این دوره نگرارش شد و کمپین ضد کمونیستی حمله به منصور حکمت و حتی حمله به حرمت زندگی شخصی او تنها در این دوران و در متن دنیای مملو از ارتجاع و بی پرنسپیی و حاشیه شدن انسانیت ممکن شد.

۶ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری بر پایه دفاع از منصور حکمت و برافراشتن پرچم سیاسی و کمونیستی کارگری او بنا شده است. منصور حکمت پرچم سیاسی حزب ماست. این حزب خود را موظف به دفاع مستمر از منصور حکمت میداند. این حزب خود را موظف به پراتیک سنت کمونیستی و کارگری و مارکسی منصور حکمت میداند. این هویت اعلام شده آنست. این حزب در مقابل هر تعرض به منصور حکمت از هر سو و در هر قالبی قاطعانه می ایستد. این حزب اجازه تحریف منصور حکمت را، چه از جانب جریانات رسماً ضد کمونیست و چه از جانب کسانی که با نام "کمونیسم کارگری" تلاش دارند سیاستهای راست و پوپولیستی خود را توجیه کنند، نخواهد داد. دفاع از منصور حکمت برای ما دفاع از کمونیسم کارگری است. دفاع از منصور حکمت برای ما امری صرفاً شخصی، عاطفی و یا کلیشه ای و "ایدئولوژیک" نیست، امری سیاسی، اجتماعی و طبقاتی است. منصور حکمت یک سنت متمایز در کمونیسم معاصر است. سنتی

پیام کنگره حزب اتحاد کمونیسم کارگری به طبقه کارگر

رفقای کارگر!

کنگره با تاکید بر این واقعیت، که جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم سیاسی قرار دارد و مردم برای سرنگونی تمام و کمال رژیم اسلامی به میدان آمده اند، اعلام کرد که پیروزی جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم هر چه بیشتر به نقشی که کارگر و کمونیسم در این تحولات ایفا میکنند، گره خورده است. کنگره تاکید داشت که طبقه کارگر باید با پرچم مستقل سوسیالیستی خود، متشکل و متحزب، در این اعتراضات شرکت کند و رهبری آن را در دست گیرد. از این رو کنگره بر برپایی فوری و همه جانبه جنبش مجامع عمومی کارگری و سازمان یافتن آن و شکل دادن به شوراهای کارگری و همچنین شوراهای کارگران و مردم زحمتکش و جوانان در محلات تاکید داشت. کنگره تاکید کرد که طبقه کارگر تنها با حزبی میتواند پیروز شود. از این رو شکل دادن به حزب سیاسی طبقه کارگر و تبدیل حزب اتحاد کمونیسم کارگری به حزب تمام عیار سیاسی کارگران را در دستور حزب قرار داد. کنگره تاکید کرد که حزب باید به تشکل و تحزب رهبران رادیکال - سوسیالیست کارگری و ظرف تحزب اعتراضی این بخش از کارگران تبدیل شود.

کنگره در عین حال بر این واقعیت تاکید داشت که راه پیشروی ما هموار نیست. باید بر مشکلات و معضلات بسیاری فائق آمد. باید متشکل شد، باید متحزب شد. باید در راس اعتراض توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی قرار گرفت. باید تلاش نیروهای جنبشهای ارتجاعی ناسیونالیسم پرو غربی و جنبش ملی - اسلامی را در حقنه کردن آلترناتیوهای ضد کارگری، اسلامی و ناسیونالیستی خنثی کرد. باید اعتماد و باور بخش قابل ملاحظه ای از جامعه به آلترناتیو کارگری و کمونیستی را جلب کرد.

رفقای کارگر!

کنگره حزب اتحاد کمونیسم کارگری همه شما را بمنظور رهبری مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و سازماندهی یک انقلاب عظیم کارگری و استقرار حکومت کارگری به صفوف خود فرامیخواند.

فوریه ۲۰۱۱

زنده باد

جنبش شوراهای کارگری!

کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری در فضایی پرشور و با موفقیت برگزار شد. یکی از مباحث اصلی این کنگره بررسی نقش کارگر و کمونیسم در سرنگونی رژیم اسلامی و چگونگی برپایی فوری جامعه ای آزاد، برابر، مرفه برای همگان بود. جامعه ای عاری از استثمار و مصائب و مشقات نظام سرمایه داری، جامعه ای بدون تقسیم طبقاتی، بدون مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، بدون مزد بگیری، یک جامعه آزاد انسانی متکی بر اشتراک همگان در ثروت جامعه و در تعیین مسیر و سرنوشت آن. این کنگره شما کارگران رادیکال، آزادیخواه و سوسیالیست بود.

کنگره تاکید کرد که برخلاف تحولات سیاسی دورانی گذشته که کارگران و مردم زحمتکش هیچگاه در جدال بر سر قدرت سیاسی در جامعه و تحولاتش نمایندگی نمیشدند، این بار به لطف وجود جنبش عظیم کمونیسم کارگری، جنبش آنتی کاپیتالیستی طبقه کارگر و نیروی تحزب یافته اش، و با توجه به موقعیت جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان و جوانان که میتوانند بزیر پرچم "آزادی، برابری، حکومت کارگری" متشکل شوند، بطور عینی شانس پیروزی دارند و میتوانند جامعه ایران را بطور بنیادی دگرگون کرده و یک نظام پایدار و متضمن خواسته های دیرینه توده های مردم را پایه ریزی کنند.

این واقعیت شیرین تلاشی عظیم را در دستور ما قرار میدهد. تلاشی که تضمین کننده فردایی است که در آن کسی گرسنه نباشد، کسی بیسواد نباشد، کسی شب را در خیابان بسر نبرد، کودکی از گرسنگی و سوء تغذیه جان خود را از دست ندهد. استعداد و خلاقیت هیچ انسانی بخاطر تولدش در صفوف طبقه کارگر و محروم نابود نشود. آرزوها و آمال توده انسان کارکن بخاطر سود و انباشت سرمایه به خاک سپرده نشود. فردایی که جایی از زن ستیزی در آن نباشد. زن انسان فرودستی نباشد، زن بودن جرم نباشد. خرافات و تحجر و عقب ماندگی و مذهب زندگی مردم را در چنگال خود به اسارت نگرفته باشد. کسی برای زندگی ناچار نباشد نیروی کار خود را به فروش برساند، کار مزدی دون شان انسان و جامعه باشد. کار فعالیتی کسل کننده و عذاب آور نباشد، برعکس کار فعالیتی خلاق برای رفع نیازمندیهای همگان در جامعه باشد و هرکس به اندازه نیازش از محصولات تولید شده که حاصل تلاش همگان است برخوردار باشد و به میزان توانش در رفع نیازمندیهای همگان بکوشد. سهم جوان از زندگی بیکاری و تباهی آینده اش نباشد. کنگره تاکید داشت که اگر حکومت در دست ما باشد تحقق چنین جامعه ای در فردای سرنگونی رژیم اسلامی تماما ممکن و مقدور است.

پیام کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری به مردم آزادیخواه، زنان و جوانان

جمهوری اسلامی را با یک انقلاب کارگری به زیر کشیم!

کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری به شما مردم آزادیخواه که هیچوقت طوق لعنت اسلام و حکومتش را نپذیرفتید، به شما زنان برابری طلب و دشمن آپارتاید جنسی، به شما جوانان انقلابی که روزمره حکومت و دستگاه سرکوبش را بمصاف میطلبید، درود میفرستد. اگر جمهوری اسلامی همراه با طیف نیروهای اسلام زده نتوانسته ایران را "جامعه ای اسلامی" و مردم ایران را طرفدار قوانین ارتجاع اسلامی معرفی کند، مدیون مبارزه آزادیخواهانه شماست! اگر ارتش ضد زن و چماقداران حکومت نتوانسته حجاب، این سمبل بردگی زن و پرچم اسلام سیاسی را بدنبال سه دهه سرکوب به واقعیتی پذیرفته شده تبدیل کند، مدیون مبارزه سرنگونی طلبانه و آزادیخواهانه شماست. اگر این حکومت حتی نتوانسته نسلی را که در جمهوری اسلامی چشم به جهان گشوده اند به چهارچوبهای فکری و فرهنگی اسلامی مجاب کند، مدیون مبارزه شما برای خواستههای برحق تان برای آزادی، برابری و رفاه است.

کمونیسم کارگری برسر تصویر واقعی جامعه ایران، برسر ماهیت اعتراض اکثریت عظیم مردم، برسر دره عمیقی که بین تصور مردم از زندگی و خوشبختی و تصور حکومت و رسانه ها از ایران وجود دارد همواره جنگیده است. ما و کارگران، ما و زنان، ما و جوانان در یک سنگر واحد علیه نابرابری و بیحقوقی و بیحرمتی و فقر و اختناق جنگیده ایم. همین مقاومت، همین نخواستن، همین امید به ممکن بودن یک دنیای بهتر، پرچم حزب و جنبش ماست. ما آماده ایم که این جنگ را به پیروزی برسانیم.

جمهوری اسلامی باید برود. با همه جناح ها و دستگاه سرکوب اش باید برود. این حکم طبقه کارگر و کمونیسم کارگری، حکم زنان برابری طلب، حکم جوانان انقلابی، حکم جامعه و مردمی است که این اوضاع را نمیپذیرند. یک شرط مهم پیروزی اینست که کلیه نقطه سازهاش هائی که از جانب نیروهای حکومتی و بیرون حکومتی به اعتراض برحق ما تحمیل میشود را درهم شکنیم و شکست دهیم. ما کل اختناق و حاکمیت مبتنی بر فقر و بیحرمتی و بیکاری و ناداری را نمیخواهیم. ما کل حکومت اسلامی را نمیخواهیم. ما کل نظام ضد زن اسلامی را نمیخواهیم. ما برای تحمیل هر درجه عقب نشینی به حکومت اسلامی به نیروی اعتراض خود مبارزه میکنیم و از آن در خدمت تهاجم بیشتر به کل حکومت استفاده خواهیم کرد. اما ما برای یک ذره آزادی نیامده ایم، ما کل آزادی را میخواهیم!

امروز که تاثیر و رد پای سنتهای اعتراضی توده های انقلابی و جوانان و زنان بپاخواسته در ایران را در اعتراض و تحرک انقلابی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا مشاهده میکنید، امروز که موجی از اعتراض علیه فقر و بیکاری و فساد و دیکتاتوری کشورهای منطقه را درنوردیده است، امروز که کاخ آخوندها و خلیفه ها و ژنرال ها و شاهان به لرزه در آمده و یکی بعد از دیگری سقوط میکنند، امروز که با صدای بلند اعلام کرده ایم که بعد از بن علی و مبارک نوبت سید علی است، وقت آنست که بساط نظام اسلامی در ایران جارو شود. برچیدن حکومت اسلامی در ایران کمر جنبش تروریستی اسلام سیاسی در منطقه و جهان را درهم میشکند.

کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری بر تشدید مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه سوسیالیستی تاکید کرد. کنگره حزب بر برافراشتن پرچم مقاومت و اعتراض انقلابی و سازماندهی و رهبری جنبش سرنگونی بیش از هر زمان تاکید کرد. هیچ زمان مانند امروز شرایط برای جمع کردن بساط حاکمیت اسلامی فقر و اختناق و سرکوب آماده نبوده است. باید فرصت ایجاد شده را دریافت. باید سازمان یافت، متشکل شد، با افق سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی بمیدان آمد. نباید به هیچ بخش حکومت و هیچ نوع اسلام رضایت داد. نباید به وعده دیکتاتورهای در حال احتضار و مباشران و اپوزیسیون درباری که همان نظام را اعاده میکنند رضایت داد. بمیدان بیایید، زیر پرچم حزب انقلابی تان متشکل شوید، تا با هم بساط اختناق، فقر و استثمار و تحمیل اسلامی را برچینیم. مردم ایران شایسته زندگی بهتری هستند. جمهوری اسلامی باید بقدرت یک انقلاب اجتماعی سرنگون شود. آینده از آن ماست!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

فوریه ۲۰۱۱

پیام "سازمان ابتکار کمونیسم کارگری" به کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری

رفقای عزیز،

نمیگیرند. وقت آن رسیده که کمونیسم کارگری در کشورهای غربی فرود آید و جواب کمونیستی به مسائل طبقه کارگر این کشورها بدهد.

حداقل در ۱۰ سال گذشته، فعالینی که در اروپا به دنیا آمده اند با مسائل احزاب کمونیسم کارگری درگیر بوده اند. از خودم شروع کنم. الان ۸ سال است که منصور حکمت را کشف کرده ام و با رفقای کمونیسم کارگری فعال بوده ام. سالها اولین وظیفه ما مبارزه علیه "چپ اسلامی" در درون جنبش چپ بود. مسائلی از قبیل عراق، افغانستان و غیره از زاویه جنبش طبقه کارگر و زنان. فکر میکنم هر چقدر محدود ولی در مباحث مربوطه تأثیر داشتیم. مبارزه علیه اسلام سیاسی در درون چپ وظیفه مهمی است و ما افتخار میکنیم که چنین وظیفه ای را در دستور گذاشته ایم. ولی این کافی نیست. ما فقط یک جنبش سکولار نیستیم. حتی فقط یک گرایش سکولار در درون جنبش چپ نیستیم، بلکه فعالین جنبش طبقه کارگر هستیم.

هدف ما حکومت سکولار و جمهوری نیست بلکه یک جامعه کمونیستی بدون دولت و طبقه است. به همین دلیل باید به جلو برویم و اولین پایه ها برای تشکیل یک سازمان کمونیسم کارگری در کشورهایی که زندگی میکنیم را درست کنیم. این وظیفه ای است که نمیتوانیم بیشتر از این به تأخیر بیندازیم. این یک پروسه طولانی است: از یک گروه کوچک به یک حزب. ما به این امر واقفیم ولی از آن ترس نداریم. تحولات جاری در مبارزه طبقاتی، در اروپا و خاورمیانه، ممکن است تأثیر مثبت به این پروسه بگذارد. در نتیجه امیدواریم که موفق شویم و بیشتر فعالیت کنیم. این پروسه همچنین میتواند در شرایط متفاوتی در کشورهای دیگر اروپا شروع شود.

با تشکر از اینکه من را دعوت کردید و به صحبت‌های من گوش کردید.

با امید موفقیت کنگره، زنده باد کمونیسم کارگری!

نیکلا دسو،

سازمان "ابتکار کمونیسم کارگری" - فرانسه

۱۹ فوریه ۲۰۱۱

خوشحالم از اینکه پیام "سازمان ابتکار کمونیسم کارگری" را در این کنگره برایتان میخوانم. باید از آذر ماجدی تشکر کنم که من را دعوت کرد. رفقای دیگرم نیز که نمیتوانستند در کنگره شما شرکت کنند به شما درود میفرستند. میبخشید که نمیتوانم فارسی صحبت کنم به همین دلیل به انگلیسی صحبت میکنیم که اکثر رفقا متوجه شوند.

سازمان "ابتکار کمونیسم کارگری" هنوز یک گروه کوچک از فعالین متعهد است. در ماه اوت ۲۰۱۰ تشکیل شدیم. به کارهایی که تاکنون در طول این شش ماه کردیم افتخار میکنیم. کارهایی نظیر: نشریه انتشار ماهانه مان "کمونیسم کارگری"، فعالیت‌هایمان در اتحادیه ها، اعتصابات، جلسات، و همه کارهایی که برای بنیاد گذاشتن یک هسته گروه کمونیسم کارگری در فرانسه و بلژیک کردیم.

کمونیسم کارگری، بعنوان یک گرایش جنبش طبقه کارگر، یک پدیده جهانی در مبارزه طبقاتی علیه سرمایه است. بعنوان یک گرایش معین، کمونیسم کارگری برای اولین بار در ایران ظهور کرد ولی هیچگاه به خاورمیانه برای تأمین نیازهای طبقه محدود نماند.

با خواندن دقیق آثار منصور حکمت، تا آنجا که به انگلیسی و سایر زبانهای اروپائی ترجمه شده، متوجه میشویم که منصور حکمت به این نکته توجه دارد که دیر یا زود احزاب کمونیسم کارگری در کشورهای غربی، در اروپا و آمریکا رشد خواهد کرد. تشکیل محافل کمونیسم کارگری در کشورهای مختلف اروپائی قدم برداشتن در جهت تشکیل حزب است.

منصور حکمت در بسیاری از آثارش به نکاتی اشاره میکند که به موقعیت و مشکلات سیاسی جنبش کمونیستی این کشورها، اتحادیه ها، پارلمان، دمکراسی، جنبش کارگری و غیره ربط کامل دارد. امیدوارم آثار منصور حکمت که در حال حاضر در دست ترجمه توسط رفقای گروه ما است بزودی چاپ شود.

باید توجه کرد و به همه فهماند که کمونیسم کارگری فقط یک شعبه حرفه ای مارکسیسم برای مسائل خاورمیانه نیست، فقط یک نقد مارکسیستی از اسلام سیاسی نیست، این دقیقا کاری است که اکثر چپ و سکولارهای کشورهای غربی میخواهند بکنند: آنها از کمونیسم کارگری و شخصیت های معروف آن استفاده میکنند برای مباحث درونی خود ولی آنرا بعنوان مسائل خود جدی

پیام کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری به زندانیان سیاسی

آزادتان میکنیم!

زندانیان سیاسی، خانواده های زندانیان!

کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری به مبارزه آزادیخواهانه و اعتراض برحق شما علیه حکومت مرتجع اسلامی درود میفرستد و در تلاش انقلابی خانواده های زندانیان سیاسی و آزادیخواهان برای آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و برچیدن زندانهای سیاسی خود را شریک میداند.

نفس وجود زندانی سیاسی، نفس وجود مقوله جرم سیاسی در قوانین، حکم بر ورشکستگی، نامشروع بودن، و لزوم سرنگونی جمهوری اسلامی و حکومت‌هایی از این دست میدهد. زندان های سیاسی و بساط شکنجه اعدام، بیدادگاههای فرمایشی و پرونده سازی برای مخالفین سیاسی، یک رکن اساسی قدرت سیاسی جمهوری اسلامی است و بدون آن نمیتواند حتی یک روز قدرتش را حفظ کند. سه دهه کشتار و فعالیت بیوقفه ماشین اعدام و سرکوب و جاسوسی، تلاش برای ارباب و به سکوت کشاندن جامعه و مخالفین، براین واقعیت تاکید دارد که جنبشی عظیم برای آزادی و برابری و رفاه در جریان است و ارتجاع سیاسی برای تداوم حاکمیت ننگین خویش راهی جز اعمال خشونت عریان و سلب آزادی و سلب حق حیات مخالفین ندارد.

اما یک روی دیگر سکه سرکوب و اختناق مبارزه برای برچیدن بساط این حکومت است. مبارزه ای که تاکنون قربانیان بیشماری توسط حکومت اسلامی گرفته است و خاوران ها و گورهای دسته جمعی بی نام و نشان و کهریزک ها و کشتارهای مخوف را در کارنامه خود ثبت کرده است. اما این دوران دارد به پایان میرسد. جمهوری اسلامی در سرانجام سقوط قرار گرفته است. کارگران و مردمی که علیه حکومت هار اسلامی بپا خواسته اند، با مشاهده موج اعتراضات توده ای علیه حکومت‌های مرتجع در خاورمیانه و شمال آفریقا، امیدشان به آزادی و ممکن بودن سرنگونی حکومت اسلامی بیش از پیش شده است. تجمعات مستمر مقابل زندانها، عطش برای درهم شکستن درب زندانها و آزادی زندانیان سیاسی بیش از هر زمان دیگر شده است. وقتی در خیابانها شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" شنیده میشود، وقتی همه میبینند که با یک تحرک انقلابی دیکتاتوریهای مشابه فرو میریزند و زندانیان آزاد میشوند، امید آزادی و درهم شکستن ماشین سرکوب واقعی تر و توده ای تر میشود.

آنروز که بار دیگر درب زندان اوین و صدها زندان و سپاهچال اسلامی به نیروی مبارزه انقلابی گشوده شود دور نیست. آنروز که زندانیان سیاسی نه بعنوان اسرای بیدفاع بلکه بعنوان سربلای مبارزه با ارتجاع توسط آزادیخواهان و بستگانشان در آغوش کشیده شوند دور نیست. نه فقط جنبش توده های بجان آمده مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی شما زندانیان را از چنگ ارتجاع بیرون می آورد بلکه در بیانیه پیروزی اش، سیاست اعدام و شکنجه و نفس جرم سیاسی را ملغی و زندانهای سیاسی را برمیچیند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

فوریه ۲۰۱۱

تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند،

حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!

جایگاه کارگر و کمونیسم در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا

اقتصادی طبقه بورژوا است، تلاش دارند این اعتراضات و خیزشها را عقیم و کنترل کرده و به شکست بکشانند. اعتراض علیه فقر و فلاکت بار دیگر طبقه کارگر و کمونیسم را بعنوان یک بازیگر اساسی در جدال قدرت سیاسی به جلو صحنه میراند. کارگر و کمونیسم در این تحولات میتوانند و باید بعنوان رهبر آزادی جامعه قد علم کنند. اکثریت عظیمی که خواهان سرنگونی ارتجاع اسلامی اند نیازمند یک رهبری قدرتمند و آزادیخواه اند که بتواند بساط جمهوری اسلامی را برچیند.

۴- کلیدی ترین سوال در این تحولات درجه آمادگی و دخالتگری طبقه کارگر و کمونیسم برای ورود به یک جدال سرنوشت ساز برسر قدرت سیاسی است. بدون تحزب کمونیستی کارگری، بدون تشکلهای توده ای که بتوانند نیروی انقلابی میلیونها انسان معترض علیه سرمایه را بکار گیرند، بدون افق روشن اعتراض ضد کاپیتالیستی، کارگران و محرومان علیرغم تمام فداکاریها و جانفشانی ها شکست میخورند. تحزب کمونیستی و رهبری کننده در راس جامعه، متشکل شدن رهبران کارگری کمونیست، سوسیالیست و پیشرو در حزب طبقاتی و کمونیستی خود، ایجاد وسیع شوراها بعنوان سازمانهای اعمال اراده توده ای در محل کار، محلات، مناطق و شهرها، اعمال سیاست کنترل کارگری، ایجاد قدرت آلترناتیو در پائین و تحکیم مستمر آن، از ارکان پیروزی کارگر و کمونیسم در این تحولات است. آزادی جامعه در گرو بمیدان آمدن طبقه کارگر متشکل با پرچم سوسیالیستی اش است.

۵- حزب اتحاد کمونیسم کارگری قیام و خیزش توده ای علیه فقر و گرسنگی و اختناق را تخته پرشی برای یک انقلاب پیروزمند کارگری میداند. فراخوان حزب به کارگران پیشرو و کمونیست در منطقه، به انقلابیون سوسیالیست و آزادیخواه و برابری طلب در این جوامع این است که احزاب کمونیستی کارگری خود را شکل دهند. همه جا سازمانهای حزبی و توده ای شورائی خود را ایجاد و گسترش دهند. افق سرنگونی سرمایه داری را با اعتراض و قیام علیه فقر و اختناق به افق جامعه تبدیل کنند. هیچ زمان انقلاب کارگری و سوسیالیستی تا این حد در دسترس نبوده است. آینده کمونیسم در گرو پیشروی و پیروزی طبقه کارگر در متن تحولات جاری منطقه ای و جهانی است.

مصوب دفتر سیاسی حزب با اکثریت آرا

مارس ۲۰۱۱

* سند فوق در کنگره اول حزب تصویب شد و برای اصلاح و تصویب و انتشار نهایی به دفتر سیاسی حزب ارجاع شد.

۱- دنیای سرمایه داری در یک بحران عمیق بسر می برد. نه تنها بارقه ای از بهبود فوری بحران اقتصادی جهانی قابل مشاهده نیست بلکه امواج بحران هر روز حوزه ای از نفوذ سرمایه را به کام خود میکشد. تشدید بیکاری و گرسنگی و بی مسکنی سهم صدها میلیون خانواده کارگری از این بحران است. در این اوضاع پلاتفرم عمومی بورژوازی تحمیل فقر و فلاکت و سرشکن کردن هزینه بحران روی دوش طبقه کارگر و مردم زحمتکش است. در اروپای غربی جدال تائکونی طبقه کارگر با سیاستهای حذف خدمات اجتماعی و ریاضت کشتی اقتصادی کماکان یک مساله اساسی محوری در جامعه است. سیمای آتی جوامع غربی را فرجام این تقابلها تعیین خواهد کرد.

۲- پیامدهای بحران اقتصادی در کشورهایی که سرمایه داری متکی بر اختناق عریان و استثمار شدید نیروی کار ارزان است، با تهاجم گسترده تری به کارگران و محرومان همراه بوده و دورنمای فقر و گرسنگی میلیونی و شورش گرسنگان را در چشم انداز قرار داده است. خیزش انقلابی در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه، نه فقط سدی در مقابل سیاست اعمال فقر و اختناق دولتهای سرمایه داری ایجاد کرده است بلکه کل موجودیت استبداد و سرمایه را در این جوامع در ابهام کامل قرار داده است. اهمیت این تحولات، برخلاف جنبشهای ناسیونالیستی و خرده بورژوائی و ضد آمریکایی در دهه های گذشته، در جوهر ضد کاپیتالیستی آنست. یک مشخصه اساسی این اعتراضات، که ابدا خصلت کشوری هم ندارد، اعتراض علیه فقر و فلاکت و اعتراض علیه تهاجم سرمایه به زندگی و معیشت صدها میلیون کارگر و خانواده کارگری است. این نقطه عزیمت برخلاف دوره های پیشین، چهارچوب اعتراض سیاسی در جوامع مختلف را شکل خواهد داد و صفبندیهای سیاسی گذشته را زیر و رو خواهد کرد. بار دیگر تهاجم علیه استبداد و سرمایه افق انقلابات رهائی بخش کارگری و سوسیالیستی را به روی میلیاردها انسان محروم خواهد گشود.

۳- بحران حکومتی در ایران قدیمی است و بویژه با عروج مجدد جنبش سرنگونی، تاثیرات بحران جهانی سرمایه داری و رویدادهای انقلابی در منطقه، تشدید شده است. ایران نیز یکی از کشورهایی است که بار دیگر صحنه اعتراض توده ای و عظیم کارگران و محرومان علیه فقر و اختناق سرمایه و اسلام سیاسی خواهد بود. کارگران در ایران مانند اکثریت عظیم جامعه، مانند کارگران و اکثریت توده های مردم در تونس و مصر و هر گوشه جهان، آزادی، برابری، رفاه و حرمت میخواهند و آینده بهتری را جستجو میکنند. در مقابل این تمایلات و خواستههای برحق صدها میلیون کارگر و زحمتکش، جنبشهای سیاسی بورژوائی، اعم از ناسیونالیسم پرو غربی و یا ناسیونال اسلامی، پاسخی به معضلات و خواستههای دیرینه مردم ندارند و با وعده "حقوق بشر و دموکراسی و رفاه"، که اسم رمز تداوم قدرت سیاسی و استثمار

نیروگاه های هسته ای باید برچیده شوند!

هر نیروگاه اتمی خود يك بمب اتمی عظیم و آماده انفجار است. تجربه بشریت در چند دهه گذشته ثابت کرده است که هر نقص فنی، آسیب و انفجار در نیروگاه های اتمی میتواند موجب مرگ هزاران نفر و صدمات جانی و روانی به چندین نسل از ساکنین يك منطقه وسیع و بیخانمانی میلیونها نفر گردد.

بطور مشخص:

- از آنجا که در مناسبات سرمایه داری انرژی هسته ای همچون هر محصول دیگر خصلت کالا به خود گرفته و سود مبنای تولید و بازتولید آن و نیازها، رفاه، سلامت و امنیت انسان تابعی از منفعت سرمایه است؛
- از آنجا که سطح دانش و تکنولوژی کنونی بشریت نمیتواند مانع جلوگیری از آسیب های فلج کننده به تاسیسات اتمی بوسیله سوانح طبیعی چون زمین لرزه، سیل و طوفان شود و از این رو خطر بالقوه عظیمی جان و سلامتی میلیونها انسان را هر روز تهدید میکند؛
- از آنجا که نیروگاه های اتمی در دنیای پر از جنگ و تنش و کشمکش کنونی میتواند یک هدف تروریستی و نظامی تلقی شود، لذا خطرات بالقوه آن برای جامعه بشری مانند بمب های اتمی است؛
- از آنجا که سوانح محیط کار در عرصه تولید انرژی هسته ای آسیب های بسیار و جبران ناپذیری به کارگرانی شاغل در این صنعت وارد میکند؛
- از آنجا که زباله های اتمی يك منبع بزرگ آلودگی محیط زیست در دنیا و عاملی جهت بیماریهای خطرناک و سرطان زا است؛

ما برای پایان دادن به بهره برداری از انرژی هسته ای بعنوان يك منبع انرژی و سوخت مبارزه میکنیم. آلترناتیوهای چون انرژی خورشیدی، باد، امواج دریاها و اقیانوسها، حرارت زیرزمینی، زباله و فاضل آب و غیره باید جایگزین انرژی هسته ای شوند.

به منظور مصرف در امور پزشکی، علوم تحقیقی و تاریخی تا زمانی که آلترناتیو مناسبی برای محصولات هسته ای بوجود نیامده است این محصولات باید با رعایت ضریب ایمنی بسیار بالا تولید گردند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری بشریت متمدن و در راس آن طبقه کارگر بین المللی را به تلاش برای برچیدن نیروگاههای هسته ای فرا میخواند.

مصوب دفتر سیاسی حزب با اکثریت آرا

مارس ۲۰۱۰

کمونیسم کارگری، جنگ، جامعه و قدرت سیاسی

۱- بحران و جنگ تروریستی امروز ریشه در جدالهای به فرجام نرسیده دنیای پس از جنگ سرد دارد و ادامه آنست. طرفین این تخاصم ارتجاعی هر کدام اهداف سیاسی و منافع اقتصادی خود را دنبال میکنند. آمریکا با قدری میلیتاریستی برای تحکیم هژمونی خود و کسب موقعیت "رهبری بلامنازع آمریکا در جهان" تلاش میکند. کشمکش آمریکا و متحدینش با رژیم اسلامی برسر پرونده هسته ای، نه جدالی برسر "صلح و امنیت جهانی"، نه سیاستی اصولی "علیه تروریسم"، بلکه تلاشی برای تحمیل توازن قوای جدیدی به اسلام سیاسی در منطقه و در سطح جهانی است. یک رکن مهم این سیاست تقویت و تکیه بر جناحهای طرفدار سازش در جنبش اسلام سیاسی است. در طرف دیگر اسلام سیاسی با توسل به سیاست تروریسم کور میکوشد به پرچمدار انزجار مردم خاورمیانه از تحقیر تاریخی جهان عرب و مسئله فلسطین تبدیل شود. این نیرو بدنبال افول و شکست ناسیونالیسم میلیتانت عرب تلاش دارد به سخنگو و پرچمدار بورژوازی منطقه تبدیل شود. آمریکا حتی اگر وارد جنگ با جمهوری اسلامی شود هدفش در حال حاضر نه سرنگونی رژیم اسلامی بلکه تضعیف و مطیع کردن آنست. جنگ آمریکا در عراق منجر به تقویت و گسترش دامنه نفوذ و قدرت رژیم اسلامی در منطقه شده است. رژیم اسلامی دستیابی به سلاح هسته ای و سازماندهی جنبش اسلامی در منطقه را به استراتژی بقاء حکومت خود و تبدیل شدن به قدرت منطقه ای تبدیل کرده است. در جدال با آمریکا جمهوری اسلامی دستیابی به این هدف را دنبال میکند. تقابل نظامی احتمالی این دو نیرو یکی از خطرناک ترین و در عین حال تعیین کننده ترین جبهه های نبرد دو قطب تروریستی جهان است. این ادامه جدال دو اردوی تروریسم بین المللی است که برمتن رقابتها و تجدید تعریف حوزه نفوذ بخشهای مختلف بورژوازی در سطح بین المللی و منطقه خاورمیانه در جریان است.

الف: ناسیونالیسم، چه عظمت طلب و چه قومی، در مقابل مردم و کنار آمریکا و جمهوری اسلامی در حال صف کشیدن اند. بستر اصلی جریان ناسیونالیسم پرو غرب از هم اکنون زیر پرچم "مقابله با تجزیه و دفاع از تمامیت ارضی"، برای قرار گرفتن در کنار جمهوری اسلامی اعلام آمادگی کرده است. ناسیونالیسم قوم پرست در این جدال متحد و ابزار جنگی آمریکاست.

ب: بخشهای مختلف جنبش ملی - اسلامی نیز در همسویی و حمایت از رژیم اسلامی بسیج شده اند. بخشهایی از این جنبش اکنون پرچمدار "صلح و حقوق بشر" شده اند. هدف این نیروها تقویت جناحهای "معتدل" و طرفدار مصالحه در رژیم اسلامی است. بخشهای دیگر جنبش ملی - اسلامی با شعار "جنبش صلح" و "دفاع از میهن در مقابل اجانب"، عملاً کنار جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. در جنبش ملی اسلامی مجاهدین یک استثنا است که کنار ارتش آمریکا ایستاده است. مجاهدین و جریانات دست ساز قومی، نقش کنترا و یونیتا و زانده های ارابه جنگی آمریکا را ایفا میکنند.

ج: جنبش کمونیسم کارگری برخلاف نیروهای متعدد کمپ راست، هیچ نوع همسوئی با هیچکدام از طرفین جنگ ندارد. تنها همسوئی ما با انقلاب کارگری و منافع و مصالح آزادی جامعه است. سرنگونی رژیم اسلامی و به شکست کشاندن دورنمای نظم نوینی آمریکا ارکان استراتژی کمونیسم کارگری است. یک وظیفه مهم جنبش کمونیسم کارگری و حزب ما در این بحران مقابله با سیاست دفاع از اردوهای تروریست و جنگ طلب و افشای ماهیت ضد اجتماعی و ضد مردمی این نیروها به جامعه است.

۴ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری در هر شرایطی برای سرنگونی جمهوری اسلامی، تصرف قدرت سیاسی و برقراری فوری یک جامعه کمونیستی مبارزه میکند. هدف ما نابودی جامعه طبقاتی سرمایه داری و برقراری یک جامعه آزاد و مرفه و انسانی است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری در عین حال در قبال هر وضعیت و سیاستی که واپسگرایی فکری و فرهنگی و تعصب مذهبی و قومی را به جامعه تحمیل کند، قاطعانه ایستادگی میکند. شرایط جنگی تغییری در ارکان استراتژی جنبش ما ایجاد نمیکند بلکه شرایط مبارزه برای تحقق اهداف ما را تغییر میدهد. ما سیاستهای ارتجاعی میلیتاریستی و تروریستی آمریکا و متحدینش علیه مردم در ایران و عراق و فلسطین و کشورهای منطقه را قویا محکوم میکنیم. ما سیاست تحریم اقتصادی را یک مجازات جمعی مردم ایران و استفاده از یک سلاح کشتار جمعی میدانیم. ما این سیاست ضد بشری و مدافعانش را محکوم و برای لغو فوری این تحریمها تلاش میکنیم. ما هرگونه حمله نظامی به ایران و تهدیدات جنگی علیه مردم را قویا محکوم میکنیم. ما

۲ - دیپلماسی، مذاکره، تبلیغات، تهدیدات جنگی، حمله نظامی و جنگ بخشی از کشمکش این دو قطب است. آمریکا در این تقابل از اهرمهای تحریم اقتصادی و اعمال فشار دیپلماتیک و تهدید روزافزون میلیتاریستی استفاده میکند. تحریم اقتصادی یک سلاح کشتار جمعی است که جامعه ایران را به فقر و فلاکت و استیصال سیاسی میراند و فقط به تحکیم ارتجاع و اختناق خدمت میکند. هر نوع حمله نظامی، محدود یا گسترده، توسط آمریکا و اسرائیل، منطقه را به آتش میکشد و اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را به یک نیروی افسار گسیخته تبدیل میکند. مصائب انسانی و اجتماعی و سیاسی و محیط زیستی این حمله نظامی دهشتناک و غیرقابل مقایسه با تجارب و تراژدیهای تاکنونی خواهد بود. نسلهای از مردم در منطقه و جهان باید تاوان مصائب این جنگ ارتجاعی را بپردازند.

۳ - جنگ، نیروهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی را متحول خواهد کرد. برخی از این نیروها نامشان در لیست

کمونیسم کارگری، جنگ، جامعه و قدرت سیاسی ...

ایجاد سازمان نظارت و کنترل مستقل مردم بر توزیع نیازهای پایه ای جامعه قرار گیرد. اردوی آزادی و برابری باید در این دوران تعیین کننده بتوانند با خارج کردن قدرت از کنترل رژیم اسلامی سنگرها و مناطق آزاد و ایمن ایجاد کند. سازماندهی یک جنبش مقاومت انقلابی و توده ای برای تصرف هر بخشی از قدرت، دفاع از جامعه در مقابل جمهوری اسلامی و تروریستهای متفرقه، در سطوح سیاسی و نظامی، وجه مشخصه یک سیاست فعال کمونیستی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در دوران جنگ است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای بمیدان کشیدن بشریت متمدن علیه اردوهای تروریستی و در دفاع از مبارزات مردم ایران تلاش میکند. کمونیسم کارگری باید در صف مقدم این جدال در ایران و جهان قرار گیرد و به سخنگویان و رهبران جنبش مقابله با سیاستهای ارتجاعی و میلیتاریستی آمریکا و متحدینش و تروریسم اسلامی و جمهوری اسلامی تبدیل شود.

"علیه جنگ، علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی، برابری و رفاه همگان!"

**نه به میلیتاریسم آمریکا، نه به تروریسم اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

حزب اتحاد کمونیسم کارگری
۲ دسامبر ۲۰۰۷ - ۱۱ آذر ۱۳۸۶

**سرنگون باد
جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری
سوسیالیستی!**

تلاشهای آمریکا و نهادهای دست راستی برای راه اندازی و سازماندهی جریانات فرقه ای و ارتشهای دست ساز و دامن زدن به نفرت و شکاف قومی و ملی را قاطعانه محکوم میکنیم. کمونیسم کارگری در مقابل این جریانات فرقه ای و تروریست و قوم پرست از امنیت مردم و مدنیت جامعه قاطعانه دفاع میکند. ما هر گونه همسوئی جریانات اپوزیسیون با رژیم اسلامی و آمریکا را دشمنی با طبقه کارگر و اهداف آزادیخواهانه مردم ایران میدانیم. ما مخالف دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی هستیم. کمونیسم کارگری مدافع خلع سلاح عمومی و یک دنیای بدون سلاح هسته ای است. ما برای بسیج بشریت متمدن و جنبشهای برابری طلب و انساندوست در دفاع از روندهای پیشرو و سکولار و آزادیخواهانه تلاش میکنیم.

۵ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری مخالفت با جنگ را به سرنگونی جمهوری اسلامی گره میزند. معنی عملی و فوری این امر، هوشیار بودن در مقابل تبلیغات ناسیونالیستی و ارتجاعی است که فراخوانشان دفاع از رژیم اسلامی است. خطرناک ترین سیاست برای مردم ایران در قبال این بحران، سیاست صبر و انتظار و گره زدن سرنوشت و آینده خود به دولتهای جنگ طلب است. تشدید مبارزه مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی تنها راه اصولی برای مقابله با این سیاستها است. گسترش مبارزه برای آزادیهای سیاسی، بر علیه فقر و فلاکت، بر علیه آپارتاید جنسی، بر علیه سیاستهای میلیتاریستی، بر علیه تروریسم اسلامی میتواند سرعت صحنه سیاست در ایران و منطقه را عوض کند. مردم ایران میتوانند پیشاپیش مردم پیشرو جهان در مقابله با تروریسم و میلیتاریسم در تمام اشکال آن قرار گیرند.

"علیه جنگ، علیه جمهوری اسلامی: برای آزادی و برابری و رفاه همگان!" این خط مشی و فشرده سیاستی است که میتواند اردوی آزادی و برابری و سوسیالیسم را در صفی مستقل و پیشرو در این جدال نمایندگی کند و بمیدان بکشد.

۶ - همراه با بمبهای آمریکا، رژیم اسلامی به بهانه جنگ و شرایط فوق العاده خواهد کوشید مبارزات سرنگونی طلبانه توده های مردم را قیچی کند. میکوشد به بهانه "شرایط جنگی" و "دفاع از ایران اسلامی" مردم را بکوبد. در این جنگ جنبش ملی - اسلامی در همسویی با رژیم اسلامی عمل خواهد کرد. مصائب جنگ را توجیه و به مردم وعده "مبارزه برای صلح" بهمراه جمهوری اسلامی را خواهد داد. اساس سیاست کمونیسم کارگری در این شرایط بسیج و سازماندهی مقابله توده ای مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی و ختم فوری جنگ است. کمونیسم کارگری میتواند و باید در مقام رهبر مقاومت توده ای طبقه کارگر و مردم در مقابل رژیم و جریانات باند سیاهی و تروریست قرار گیرد. کمونیسم کارگری در این دوران باید در راس سازماندهی شبکه ها و نهادها و ارگانهای مختلف مردم برای تامین امنیت خود در محلات و مناطق و کارخانه ها و همینطور

قطعهنامه سیاسی پلنوم ششم حزب اتحاد کمونیسم کارگری

موقعیت سیاسی حاضر و استراتژی ما

۱- با داغ شدن زمین زیر پای جناحهای رژیم اسلامی و تشدید دعوای آنها در پس مضحکه انتخاباتی و تلاش جناح راست برای حذف جناح اصلاح طلب حکومتی، جامعه وارد دور جدیدی از اعتراضات خود علیه رژیم جمهوری اسلامی شد. دامنه و عمق این خیزش توده ای در طول سه دهه حاکمیت سپاه اسلامی بیسابقه بوده است. مردم در ابعاد میلیونی به خیابانها ریختند. نقش زنان پیشاپیش مبارزات مردم علیه رژیم اسلامی و بعضا در نقش رهبری چشمگیر بود. شعار مرگ بر خامنه ای بعنوان سمبل نظام اسلامی به شعاری توده ای تبدیل شد و جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم بسرعت سملها و تابوهای اسلامی را مورد یورش قرار داد و کلیت اسلام مورد تعرض قرار گرفت. در پس این اعتراضات جهانیان چهره خشمگین مردمی که عزم کرده اند کار رژیم اسلامی را تمام کنند، دیدند. چشمهای بسیاری به تحولات ایران و سرانجام موفق آن دوخته شد. حکومت اسلامی که بزور سرنیزه و کشتار و تحمیل فلاکت اقتصادی بر مردم تا اینجا دوام آورده است، اکنون رودرروی نسل جدیدی از مردم، نسل جوان، که در یک مقیاس دهها میلیونی آزادی، برابری، رفاه و حقوق مدنی خود را مطالبه میکنند، قرار گرفته است. در طول این سه دهه هرگز مردم در چنین موقعیت مناسبی برای برچیدن کل بساط رژیم اسلامی قرار نداشته اند.

۲- جدال اصلاح طلبان حکومتی با جناح راست بر سر چگونگی حفظ و بقای نظام اسلامی است. این جریان، ادامه جنبش ارتجاعی دوم خرداد است که امروز در قالب "جنبش سبز" خود را سازماندهی کرده است. اصلاح طلبان حکومتی خواهان سازماندهی یک حکومت اسلامی تعدیل یافته و متکی بر طیف وسیع تری از محافل و گروه بندی های جنبش ملی - اسلامی اند. یک هدف اعلام شده این جنبش کنترل و مهار مقابله با سرنگونی طلبی و کانالیزه کردن آن در چهارچوب جدال جناحهای رژیم اسلامی است. اما نه حکومت سرنیزه و سیاست سرکوب و ارباب و فلاکت پاسخگوی جنبش عظیم سرنگونی طلبی توده های مردم است و نه اصلاح رژیم سپاه اسلامی و نه سازش مردم با رژیم اسلامی یکی از احتمالات سیاسی جامعه است. جمهوری اسلامی در یک بن بست لاعلاج قرار دارد. استراتژی جنبش سبز، همانند استراتژی جنبش دوم خرداد، بنا به واقعیات سیاسی ایران امروز و مختصات جنبش سیاسی عظیمی که علیه کلیت حکومت اسلامی شکل گرفته است، یک استراتژی شکست خورده است.

۳- تحولات و کشمکشهایی که در جامعه در جریان است، بر خلاف تبلیغات اصلاح طلبان حکومتی و جریانات متعدد ملی - اسلامی در بیرون حاکمیت، نه بر سر اصلاح رژیم اسلامی بلکه بر سر سرنگونی آن است. این مبارزات میتواند مراحل گوناگون، شدت و حدت متفاوت و یا اشکال مختلفی بخود گرفته و یا دوره های متفاوتی را از سر بگذراند. اما آنچه مسلم است جامعه در تقابل رژیم اسلامی دیگر به یک موقعیت غیر بحرانی و

موقعیت سیاسی حاضر و استراتژی ما ...

جنبش مجامع عمومی و سازماندهی شوراها در محیط کار و زیست و جوانان کمونیست را به برپایی شوراها سرخ فرامیخواند.

۸- حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای ساختن یک جمهوری سوسیالیستی تلاش میکند و این هدف از طریق وحدت با طرفداران بازار آزاد و رقابت سرمایه و آمریکا و سلطنت مشروطه و یا جنبش ملی - اسلامی و اسلام پاستوریزه و رژیم اسلامی اصلاح شده و ملی اسلامیون بدست نمی آید. ما مردم را به اردوی سیاسی خودمان دعوت میکنیم. به اردوی کارگران، اردوی کمونیسم، اردوی آزادی و برابری و رفاه کامل و همه جانبه فرد و جامعه. از این رو حزب جریانات متعدد ملی - اسلامی و ناسیونالیسم پرو غربی را که با علم کردن پرچم ارتجاعی "همه با هم" میکوشند کمونیسم و کارگر را خلع سلاح کرده و کارگران، زنان و مردم زحمتکش را سکوی پرش رسیدن به اهداف ارتجاعی و ضد کارگری خود تبدیل کنند، قاطعانه افساء میکند.

۹- تحولات امروز ایران فقط بر سر بود و نبود رژیم اسلامی نیست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. اگر ما شکست بخوریم، آینده تکرار همان گذشته نکبت بار سلطنتی و اسلامی در قالبی جدید خواهد بود. اما اگر پیروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه ای آزاد، برابر، مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت

خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. اکنون یک فرصت کم نظیر تاریخی فراهم شده است که طبقه کارگر به سلطه احزاب رنگارنگ سرمایه داری حاکم بر زندگی مردم و مقدرات جامعه پایان دهد. این فرصت فراهم شده است تا کارگر و کمونیسم نمونه شکوهمندی از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی را در ایران بنا کند و در سالهای نخستین قرن جدید جلوی چشم تمام جهان قرار بدهد.

سپتامبر ۲۰۰۹

اتحاد کمونیسم کارگری در عین حال در مقابل هر تلاش دولت اسلامی برای تشدید اختناق، فلاکت و پلیسی تر کردن فضای جامعه قاطعانه می ایستد.

۶- جامعه در حال حاضر در پلکان آخر حیات رژیم اسلامی قرار دارد. نه رژیم اسلامی قادر به سرکوب اعتراضات مردم است و نه اصلاح طلبان حکومتی میتوانند مردم را به سازش و تمکین بکشانند. اما پیروزی مردم و سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی مستلزم تامین یک رهبری انقلابی و کمونیستی در راس جنبش توده ای و پاسخ به ملزومات مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی است. در چنین شرایطی کمونیسم کارگری میتواند به یک آلترناتیو و یک انتخاب واقعی مردم تبدیل شود. این انتخابی میان دو آلترناتیو و دو راه حل چپ و راست است. انتخابی میان راه حل تغییرات از بالا، کودتاگرایی و با اتکاء به قدرتهای غربی و مبتنی بر تحریم اقتصادی و جنگ یا انتخابی متکی بر نیروی توده های مردم رادیکال و انقلابی و از پائین است. جداکردن مردم از هر آلترناتیو و خط مشی بورژوازی و سوق دادن آنها به

یک موضع چپ و انقلابی در تحولات سیاسی جاری یک رکن فعالین حزب اتحاد کمونیسم کارگری است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری تامین یک رهبری چپ و سازماندهی امر سرنگونی انقلابی را در گرو تبدیل شدن به حزب سیاسی کارگران، حزب قابل دسترس، و حزب مورد اعتماد مردم میداند و برای آن تلاش میکند.

از نظر حزب اتحاد کمونیسم کارگری جنبش کنونی علیه رژیم اسلامی و سرنگونی حکومت موجود میتواند حلقه ای در یک انقلاب عظیم اجتماعی برای برقراری یک نظام سوسیالیستی در ایران باشد. از این رو حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تحولات جاری ایران برای یک پیروزی تمام عیار سوسیالیستی، برای تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری و برقراری فوری یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. حزب برای سرنگونی فوری رژیم اسلامی مبارزه میکند و با هر تلاش نیروهای درون و بیرون حکومت برای حفظ حکومت اسلامی در اشکال جدید و جرح و تعدیل شده قاطعانه مقابله میکند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری در عین حال در مقابل هر تلاش دولت اسلامی برای تشدید اختناق، فلاکت و پلیسی تر کردن فضای جامعه قاطعانه می ایستد.

۷- حزب اتحاد کمونیسم کارگری بار دیگر تاکید میکند که پیروزی کمونیسم کارگری و رهایی مردم در جدال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل، متشکل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد، و ثانیاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی بپاخاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی واقعینانه و قابل تحقق بنگرند. تحقق این ملزومات وظیفه حیاتی حزب اتحاد کمونیسم کارگری است. حضور طبقه کارگر به عنوان یک نیروی مستقل در گرو گسترش و تحکیم تشکل های توده ای شورایی و تحزب کمونیستی طبقه کارگر است. حزب کارگران کمونیست و رادیکال را به پیوستن به صفوف خود فرا میخواند. حزب کارگران رادیکال - سوسیالیست و رهبران عملی کارگران را به برپایی

زنده باد انقلاب کارگری

بر بردگی است: بردگی مزدی. هیچ درجه رشد خدمات اجتماعی و بیمه ها و افزایش درآمد کارگران که تازه همه باید با نبرد و با زور از حلقوم طبقات حاکم بیرون کشیده شوند، در اساس این موقعیت برده وار کارگر تغییری نمیدهد. کودکی که امروز در میان ما متولد میشود مهر استخدام سرمایه شدن را بر پیشانی خود دارد. کل تبعیضات اجتماعی و سیاسی و کل فساد و تباهی اخلاقی جامعه حاضر، از ستمگری بر زنان و تبعیض نژادی تا اعتیاد و فحشا، از رقابت و منفعت طلبی فردی که در خون جامعه جریان دارد تا قحطی و گرسنگی و بیماری که هر روز میلیونها انسان محروم را بکام مرگ میکشد، همه حاصل این وارونگی جامعه اند؛ جامعه ای که صاحبان برحق و آفرینندگان واقعی آن، کارگران، اسیر بردگی مزدی اند. انقلاب کارگری بر سر در هم کوبیدن بنیاد این جامعه طبقاتی است. بنیاد این نظام مالکیت خصوصی اقلیتی کوچک بر وسائل تولید در جامعه است. مادام که انسانها برای نان خوردن و برای برخورداری شدن از حداقلی از رفاه ناگزیرند برای کس دیگری کار کنند که اختیار وسائل تولید را در دست گرفته است، مادام که تولید اجتماعی و تامین مایحتاج بشر تنها از طریق سود رسانی به مالکان انگل وسائل تولید ممکن است، صحبتی از آزادی و برابری انسانها و از میان بردن محرومیت ها و تبعیضات نمیتواند در میان باشد. انقلاب کارگری در اساس خود انقلابی علیه مالکیت خصوصی طبقه سرمایه دار بر وسائل کار و تولید اجتماعی و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. انقلاب کارگری انقلابی برای محو طبقات و استثمار طبقاتی است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای سرنگونی رژیم اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران در پس یک انقلاب کارگری تلاش میکند.

۴ - پیروزی کمونیسم کارگری و رهایی مردم در جدال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد؛ و ثانیاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی بپاخاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی واقعبینانه و قابل تحقق بنگرند. تحقق این ملزومات وظیفه حیاتی حزب اتحاد کمونیسم کارگری است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری باید به حزب سیاسی کارگران و رهبر انقلاب مردم بدل شود.

۵ - تحولات امروز ایران فقط بر سر بود و نبود رژیم اسلامی نیست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. این آینده میتواند، اگر ما شکست بخوریم، تکرار همان گذشته نکیبت بار سلطنتی و اسلامی در قالبی جدید باشد. اما اگر پیروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه‌ای آزاد، برابر، مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه‌ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها

۱ - جمهوری اسلامی در حال سرنگونی است. حکومت اسلامی و نظام سیاسی در ایران، بعنوان یک نظام و رژیم سیاسی استبدادی مذهبی، مرتجع و ضد انسانی مورد تعرض توده وسیع مردم است. این حکومت که بزور سرنیزه و کشتار تا اینجا دوام آورده است، اکنون رودرروی نسل جدیدی از مردم است که در مقیاس دهها میلیونی آزادی و حقوق مدنی خود را مطالبه میکنند. حکومت سرنیزه و سیاست سرکوب، ارباب، شکنجه و تجاوز پاسخگوی این موج اعتراضی نیست. حکومت اسلامی "اصلاح شده" نیز رویایی کودکانه بیش نیست. موقعیت کل حکومت و هر دو جناح آن لاعلاج و مستاصلانه است. بطور عینی مستقل از هر سیاست و تلاشی از جانب هر یک از جناح ها، کل جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی راه خروجی از این مهلکه ندارند. سرنگونی رژیم اسلامی در دستور روز جامعه قرار دارد. اعتراضات عظیم و خیزشهای توده ای در ایران بخشی از روند سرنگونی و سقوط محتوم رژیم اسلامی است.

۲ - جامعه اکنون وارد یک دوره از برآمد سیاسی توده ای و تلاطمات انقلابی شده است. حضور گسترده مردم در ابعاد میلیونی در تحولات سیاسی جامعه یک ویژگی دوران اخیر است. این تحولات شروع دور جدیدی از اعتراضات عظیم توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی است. از دل این تحولات میتواند و باید یک انقلاب عظیم توده ای در ایران شکل بگیرد. از نقطه نظر کمونیسم کارگری انقلاب در ایران تنها میتواند یک انقلاب کارگری باشد. برای کمونیسم کارگری انقلاب یعنی خیزش طبقه کارگر برای عملی کردن تمام این تحول عظیم اجتماعی، یعنی مبارزه برای تحقق آزادی، برابری و حکومت کارگری. طبقه کارگر باید بطور مستقل و بعنوان رهبر رهایی کل جامعه به میدان بیاید. دوران کشیده شدن کارگران بدنبال جریانات بورژوازی بسر رسیده است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای تجهیز کارگران به این دورنما، سازماندهی حرکت مستقل کارگران، تامین رهبری برای کسب قدرت سیاسی و انجام انقلاب کارگری تلاش میکند.

۳ - انقلاب کارگری مطلوب ترین، سازمانیافته ترین، متمدنانه ترین و قاطعانه ترین شکل پایان دادن به تمامی مصائب موجود در این جامعه وارونه است. جامعه ای که در آن تولید کنندگان ثروت جامعه، کارگران، بی چیزند و بیکارگان ثروتمند. پست ترین و فرومایه ترین عناصر، نجبا و عالیجنابان این جامعه اند و شریف ترین مردم، توده زحمتکشان فرودست و بی حقوق اند. آنها که یک عمر کار کرده اند و ثروت ساخته اند حتی پس از سی سال برای گذران هر روز از زندگی خود باید از نو برای کارشان مشتری پیدا کنند. قدرت خلاقه و مولد کارگر خود را در قدرت اجتماعی و سیاسی روزافزون سرمایه و فرودستی هرچه بیشتر کارگر نشان میدهد. برای حفظ این جامعه وارونه دولت ها پیدا شده اند، ارتشها ایجاد شده اند، زندانها و شکنجه گاهها بنا شده اند، خدایان آفریده شده اند و مذاهب ساخته شده اند. این جامعه مبتنی

زنده باد انقلاب کارگری...

قطعه‌نامه در باره

روش برخورد به جنبش "ملی-اسلامی" و "ناسیونالیسم طرفدار غرب"

۱ - صحنه سیاسی ایران یکبار دیگر برای ابراز وجود جنبشها و احزاب طبقات مختلف باز شده است. از هم اکنون کشمکش طبقات و جنبشهای اجتماعی بر سر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم اسلامی بنشیند در بطن مبارزه علیه این حکومت بطور گسترده در جریان است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی و تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. از نقطه نظر حزب اتحاد کمونیسم کارگری خیزش کنونی توده های مردم علیه رژیم اسلامی میتواند حلقه ای در یک انقلاب عظیم اجتماعی برای برقراری یک نظام سوسیالیستی در ایران باشد. اما جنبش کمونیسم کارگری تنها نیروی اجتماعی مدعی قدرت سیاسی در جامعه نیست. دو جنبش بورژوایی دیگر، جنبش سنتی "ملی-اسلامی" و جنبش "ناسیونالیسم طرفدار غرب" در عین حال مدعی قدرت سیاسی در جامعه هستند. جدال میان این جنبشها بخشی از یک کشمکش تاریخی بر سر آلترناتیوها است.

۲ - اپوزیسیون سنتی ملی اسلامی: این یک جنبش واقعی و گسترده است. نیروها و محافل سیاسی متعددی با پرچم های ایدئولوژیک گوناگون به این کمپ تعلق دارند. این یک جنبش بورژوایی خاص در ایران است که در تقابل با افق غربی و آمریکایی اردوی دیگر این طبقه، سنتا امیدوار بوده است که بتواند پایه حاکمیت سرمایه و سرمایه داری در ایران را بر تقابل و رقابت با غرب استوار کند. از نظر سازمانی گروهها و محافل متعدد این طیف حاصل تلاشی و تجزیه احزاب اصلی اپوزیسیون سنتی ایران، یعنی حزب توده و جبهه ملی و همینطور تحولات درونی اسلام سیاسی قرن بیستم ایران اند. عوام فریبی، مستضعف پناهی و شرفزدگی جریان اسلامی و یا خلق گرایی جناحهای چپ این جنبش، وعده تعدیل ثروت و ایده ایجاد یک جامعه مبتنی بر سازش طبقاتی و تمکین کارگران به بورژوازی خودی به مبنای هویت اقتصادی این جنبش بدل میشود. بخش عمده اپوزیسیون سازشکار و طرفدار حکومت اسلامی به این جنبش تعلق دارند. این یک قطب سیاسی عقب مانده، ارتجاعی و بیگانه با آزادی و حقوق مدنی مردم است. این جنبشی است که پشت سر خمینی رفت، برخی از نیروهایش در حکومت اسلامی شریک شدند و همواره جناحی از رژیم اسلامی را در این سی سال "مترقی و قابل دفاع" ارزیابی کرده است. با عروج جنبش ارتجاعی "دوم خرداد" جریانات متعدد این جنبش بزیر این پرچم گرد آمدند. امروز نیز با شکل گیری "جنبش سبز" و شدت گیری جدال جناحهای رژیم اسلامی، بزیر این پرچم ارتجاعی جمع شده اند. اما این نیز صرفا یک دوره گذرا در حیات جنبش ملی-اسلامی است. "جنبش سبز" اساسا برای بقاء حکومت اسلامی در اشکال جدید و یا جرح و تعدیل شده فعالیت میکند. این جنبش حفظ بنیادهای رژیم کنونی را تنها راه حفظ نفوذ خویش در حاکمیت اسلامی و مقابله با جنبشهای سیاسی خواهان سرنگونی رژیم اسلامی تلقی میکند. تلاش برای کنترل و مهار جنبش سرنگونی

و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. اکنون یک فرصت کم نظیر تاریخی فراهم شده است که طبقه کارگر در ایران به یک قرن سلطه احزاب رنگارنگ طبقات حاکم به زندگی مردم و مقدرات جامعه پایان دهد. این فرصت فراهم شده است تا کارگر و کمونیسم نمونه شکوهمندی از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی را در ایران بنا کند و در سالهای نخستین قرن جدید جلوی چشم تمام جهان قرار بدهد

حزب اتحاد کمونیسم کارگری تاکید میکند که رئوس عمومی استراتژی پیروزمند کمونیستی کارگری در گرو:

۱ - تامین استقلال سیاسی و تشکیلاتی جنبش طبقه کارگر و بمیدان آمدن این طبقه با پرچم سوسیالیستی اش است. جنبش طبقه کارگر جنبشی برای رهائی جامعه است و باید در ابعاد وسیع اجتماعی بمثابة آلترناتیو آزادی جامعه قد علم کند.

۲ - تشکل های توده ای کارگری در کنار تشکلهای حزبی طبقه، یک رکن اساسی مبارزه طبقاتی کارگران است. پیشروی و پیروزی در مبارزه علیه بورژوازی و استقرار حکومت کارگری بدون ایجاد و تقویت ارگانهای اعمال اراده توده ای اعم از مجامع عمومی و شوراهای اتحاد وسیع توده های طبقه کارگر مقدور نیست.

۳ - متشکل شدن و انسجام هر چه بیشتر گرایش رادیکال - سوسیالیست طبقه کارگر بعنوان ستون فقرات انقلاب کارگری امری حیاتی است. کارگران کمونیست و حزب کمونیستی کارگری باید پرچمدار متحد کردن صفوف کارگران و ابراز وجود مستقل طبقه کارگر باشند. حزب کمونیستی کارگری باید به رهبر مبارزه توده های مردم برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی بدل شود.

۴ - یک شرط پیشروی امر انقلاب کارگری و سوسیالیسم نقد مستمر انواع گرایشات بورژوائی و غیر کارگری است.

۵ - انقلاب کارگری یک انقلاب سازمان یافته و آگاهانه است. حزب سیاسی طبقه کارگر و فعالیت کمونیستی کارگری اساسا تلاشی معطوف به سازماندهی و تامین رهبری در یک مقیاس وسیع است. تبدیل حزب اتحاد کمونیسم کارگری به حزب سیاسی "سازمانده - رهبر" که قادر به تامین این ملزومات باشد اولویت اساسی ماست. حزب اتحاد کمونیسم کارگری تمامی فعالین و نیروهای انقلاب کارگری را به تشدید فعالیت برای تحقق ملزومات و سازماندهی این امر خطیر تاریخی فرا میخواند.

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری، حزب انقلاب کارگری، بپیوندید!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

سپتامبر ۲۰۰۹

قطعه نامه در باره

روش برخورد به جنبش "ملی-اسلامی" و "ناسیونالیسم طرفدار غرب" ...

ارزیابی میکند. ما برای آزادی، برابری، رفاه، حکومت کارگری و یک جمهوری سوسیالیستی تلاش میکنیم و این هدف از طریق وحدت با جریانات مدافع بازار آزاد، آمریکا، سلطنت، اسلام ناب محمدی و "جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر"، ممکن نیست. تحولات آتی ایران "همه با هم" و یا تکرار تحولات ۱۳۵۷ نخواهد بود و این جنبشها یک رهبری واحد را نخواهند پذیرفت.

۶ - یک بخش مهم جدال میان جنبشهای اجتماعی کشمکش بر سر هژمونی سیاسی در اعتراضات جامعه و در سیر مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. اینکه کدام جنبش و نیروها در این پروسه دست بالا را پیدا میکنند محصول انتخاب سیاسی توده های مردم سرنگونی طلب است. این انتخاب بدوا یک انتخاب حزبی نیست. یک انتخاب اجتماعی است. مردم در خطوط کلی میان راست و چپ انتخاب میکنند. مساله این است که کدام افق آلترناتیو در برابر رژیم اسلامی در خطوط کلی در اعتراضات دست بالا را پیدا میکند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری میکوشد مردم در سرنگونی رژیم اسلامی نه به یک آلترناتیو راست و یا "سبز اسلامی" بلکه به یک راه حل رادیکال، آزادیخواهانه، چپ و کمونیستی روی آورند. تعمیق نه مردم یک اهرم پیشروی ماست. از این رو در حال حاضر تعین حزبی و جنبشی در جامعه و بویژه تفکیک آرمانی و برنامه ای و سیاسی برای جنبش ما از اهمیت اساسی برخوردار است. حزب در عین حال قاطعانه سیاستهایی که سازش و معدل گیری میان جنبش کمونیسم کارگری با جنبشهای بورژوایی را تبلیغ میکنند، نقد و افشاء میکند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمنظور سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و استقرار یک جمهوری سوسیالیستی، مردم را به اردوی کمونیسم کارگری، اردوی آزادی، برابری، رفاه و انسانیت فرا میخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

سپتامبر ۲۰۰۹

ما برای آزادی، برابری، رفاه، حکومت کارگری و یک جمهوری سوسیالیستی تلاش میکنیم و این هدف از طریق وحدت با جریانات مدافع بازار آزاد، آمریکا، سلطنت، اسلام ناب محمدی و "جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر"، ممکن نیست. تحولات آتی ایران "همه با هم" و یا تکرار تحولات ۱۳۵۷ نخواهد بود و این جنبشها یک رهبری واحد را نخواهند پذیرفت.

طلبانه توده های مردم یک رکن تلاش این جنبش ارتجاعی است. عمر سیاسی مفید کل جنبش ملی-اسلامی حداکثر باندازه عمر حکومت اسلامی است. با سرنگونی رژیم اسلامی پرونده اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی در سیاست ایران بسته میشود و نیروهای مختلف این جنبش به محافل و گروهبندهای کم تاثیر در حاشیه جدال نیروهای اصلی راست و چپ در جامعه تبدیل میشوند.

۳ - ناسیونالیسم طرفدار غرب: ناسیونالیسم محافظه کار طرفدار غرب قدیمی ترین و ریشه دار ترین سنت و جنبش سیاسی در ایران امروز است، ارتجاعی است، اما کهنه نیست. چون کاپیتالیسم و غرب امروز، کاپیتالیسم و غرب صد سال قبل نیست. این جنبش بورژوازی ایران است برای شرکت تمام و کمال در سرمایه داری جهانی و دگرگون شده امروز. این جنبشی است که هژمونی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی غرب را نه فقط میپذیرد، بلکه هویت خود میداند. خود را نماینده این قطب جهانی در ایران اعلام میکند. از نظر اقتصادی این یک جریان عمیقاً محافظه کار و مدافع بازار آزاد است. از نظر سیاسی کوچکترین توهمی به ایجاد یک سازش طبقاتی بر مبنای تعدیل ثروت در جامعه ندارد و شدیداً آنتی کمونیست و ضد کارگر است. از نظر فرهنگی مدافع مدل جامعه غربی است، اما دقیقاً منطبق بر الگوی ایدئولوژیکی حاکم بر غرب در این دوران، ابداء، روشنگر و مدرنیست نیست. بلکه کاملاً خواهان بقای نقش مذهب، باورها و افکار و نهادهای سنتی بعنوان نیروهای کمکی در حفظ اقتدار بورژوایی در برابر طبقه کارگر و سوسیالیسم و کمونیسم کارگری این دوره است. این جنبش با زوال جمهوری اسلامی بخشهای مهمی از اپوزیسیون سنتی ملی اسلامی و مدافعان رژیم کنونی را نیز در تقابل با کمونیسم و کارگر بخود جذب میکند.

۴ - جنبش کمونیسم کارگری از نظر سیاسی، نظری و چهارچوبهای فکری و فرهنگی از اساس با این دو جنبش بورژوایی متفاوت است. اختلافات به شدت عمیق، عقیدتی و طبقاتی است. کمونیسم کارگری تنها اردوی پرچمدار آزادی، برابری، رفاه و یک جامعه آزاد سوسیالیستی در ایران است. یک پایه فعالیت حزب اتحاد کمونیسم کارگری در این راستا معطوف به جدا کردن مردم ایران از هر آلترناتیو و خط مشی بورژوایی و سوق دادن آنها به یک موضع چپ و انقلابی در تحولات سیاسی جاری است. در این راستا بالا بردن توقعات و انتظارات مردم و پذیرفتن نقطه سازشهایی که هیات حاکمه و یا بخشهای مختلف اپوزیسیون بورژوایی قدم به قدم برای کنترل و مهار مبارزات توده های مردم آزادیخواه و برابری طلب در مقابل جامعه قرار میدهد، یک شاخص تعیین کننده است.

۵ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری هر تلاشی برای اتحاد عمل میان جنبش کمونیسم کارگری و نیروهای این جنبشهای ارتجاعی را یک امر غیر واقعی، غیر قابل حصول و همچنین نامطلوب

قطعنامه پیرامون سیاست سازماندهی توده ای حزب در خارج کشور

۱- جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخساز قرار گرفته است. مردم حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و اکنون در ابعاد میلیونی دست به کار بزیر کشیدن آن هستند. یک نتیجه این تحولات روی آوری گسترده و میلیونی توده های مردم به اعتراض و مبارزه سیاسی در سطوح مختلف، چه در ایران و چه در خارج کشور، است.

۲- خارج کشور یک عرصه مهم و قائم به ذات کار و فعالیت آلترناتیو کمونیستی است. یک وظیفه مهم ما جلب و سازماندهی توده وسیع جوانان و مردمی است که به مبارزه سیاسی در این دوره روی می آورند. سازماندهی این نیرو و قرار دادن توان مبارزاتی آن در خدمت تحول آزادیخواهانه و سوسیالیستی و مقابله با آلترناتیوهای دست راستی و ارتجاعی یک وظیفه حیاتی حزب اتحاد کمونیسم کارگری است.

۳- در خارج کشور ما شاهد شکل گیری سه اردوی سیاسی عمده هستیم. جریانات ملی - اسلامی با هدف اصلاح حکومت اسلامی بزیر پرچم "سبز" گرد آمده اند. جریانات متعدد ناسیونالیست پرو غرب، اعم از سلطنت طلب یا جمهوریخواه، با پلاتفرم دفاع از سیاستهای دست راستی، محافظه کارانه و کاپیتالیستی به زیر پرچم شیر و خورشید جمع شده اند. و بالاخره اردوی وسیع چپ که در برگیرنده جریانات متعدد کمونیست، سوسیالیست و کارگری است. پرچم سرخ سمبل این جنبش است. این جنبش سرخ ها را باید در مقابل قطبهای ارتجاعی و دست راستی گسترش داد و تقویت کرد.

از اینرو حزب اتحاد کمونیسم کارگری اعلام میکند:

۱- سیاست سازماندهی توده ای ما در خارج کشور بر پایه شکل دادن، تقویت و گسترش سیاسی و سازمانی توده مردم و نیروهایی استوار است که خواهان یک تحول آزادیخواهانه و سوسیالیستی در جامعه ایران هستند.

۲- واحد پایه سازمانی مورد نظر ما برای سازماندهی این صف در خارج کشور ایجاد "شورای سرخ ها" در هر شهر و منطقه ای است. "فدراسیون شوراهای سرخ ها" از اتحاد و همبستگی واحدهای پایه شهری در هر کشور و قاره ای شکل میگیرد.

۳- "شورای سرخ ها" در برگیرنده تمامی افرادی است که خواهان مفاد زیر اند:

الف) سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی؛

ب) تحقق آزادی های بی قید و شرط سیاسی؛

ج) آزادی و برابری بی قید و شرط زن و مرد؛

د) رفع هرگونه تبعیض حقوقی و اجتماعی؛

ه) جدایی دین از دولت و آزادی مذهب و بی مذهبی.

و) از مبارزه برای استقرار جامعه ای آزاد، برابر، سکولار و سوسیالیستی حمایت میکنند.

۴- تصمیمات در "شورای سرخ ها" بر پایه مکانیسم فعالیت شورایی و بر مبنای اکثریت آراء شرکت کنندگان در جلسات مجمع عمومی صورت میگیرد. مجمع عمومی شورا ظرف تصمیم گیری و اتخاذ سیاست در هر زمینه ای است.

۵- "شورای سرخ ها" دارای یک هیات اجرایی است که در فواصل میان دو مجمع عمومی وظیفه پیشبرد سیاستهای مصوب شورا را عهده دار میشود. انتخاب شدگان در هر اجلاس میتوانند بر اساس تصمیم جمع عزل و تعویض شوند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری کلیه فعالین آزادی، برابری و سوسیالیسم را به سازماندهی و راه اندازی "شورای سرخ ها" فرامیخواند.

کمیته مرکزی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۷ ژوئیه ۲۰۰۹

"منشور آزادی، برابری و رفاه"

مصوب دفتر سیاسی حزب

منشور آزادی، برابری و رفاه

آزادی

۱- سکولاریسم: جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی.

۲- آزادی بیان: آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۳- آزادی تمامی زندانیان سیاسی: لغو مقوله "جرم سیاسی"، لغو مجازات اعدام، ممنوعیت شکنجه و یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم و روان افراد.

۴- آزادی پوشش: آزادی بی قید و شرط انتخاب نوع پوشش.

۵- محاکمه تمامی آمرین و عاملین جنایت توسط دادگاههای منتخب و عادلانه مردم.

برابری

۶- برابری زن و مرد: برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو حجاب. لغو جدا سازیها و آپارتاید جنسی.

۷- برابری حقوقی: برابری کامل حقوقی همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

رفاه

۸- حداقل دستمزد: تعیین حداقل دستمزد مکفی توسط نمایندگان تشکل های سراسری کارگری. در شرایط کنونی حداقل دستمزد باید یک میلیون تومان باشد.

۹- بیمه بیکاری: پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار و آماده به کار. پرداخت بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی.

۱۰- طب و درمان رایگان و قابل دسترس، آموزش رایگان در تمامی سطوح، تامین مسکن مناسب برای همگان: هزینه مسکن نباید از ده درصد درآمد فرد یا خانواده بیشتر باشد.

۳۰ خرداد ۱۳۸۸ - ۲۰ ژوئن ۲۰۰۹

۱- جمهوری اسلامی در آستانه سرنگونی است. ما باید تضمین کنیم که مبارزه برای بزیر کشیدن رژیم نکبت بار اسلامی هر چه گسترده تر، هدفمند تر، قدرتمند تر به پیش رود و هر چه سریعتر و کم مشقت تر به نتیجه برسد. سرنگونی رژیم اسلامی گام اول در تحقق هرگونه بهبودی در زندگی مادی و معنوی مردم و کسب بدیهی ترین حقوق و آزادیهای فردی و مدنی در زندگی میلیونها توده مردم است.

۲- تحولات امروز فقط بر سر بود و نبود رژیم اسلامی نیست. آنچه امروز میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. از هم اکنون کشمش طبقات و جنبشهای اجتماعی بر سر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم اسلامی بنشیند در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی و تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. انتخابی بزرگ دارد صورت میگیرد. آینده میتواند شاهد پیروزی ما و برپایی جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی باشد، جامعه ای بدون استعمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرو دست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، و بدون تبعیض.

۳- حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تحولات جاری برای یک پیروزی تمام عیار سوسیالیستی، برای تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. حکومت کارگری با به اجرا گذاشتن کلیت برنامه کمونیستی خویش، شرایط آزادی و رهایی و برابری واقعی و کامل همه مردم را فراهم میکند. سازماندهی انقلاب کارگری علیه جمهوری اسلامی مطلوب ترین و مطمئن ترین راه رسیدن مردم به خواستههایشان است.

۴- "شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری" شعار استراتژیک حزب ما در تحولات جاری است. در عین حال شعار "آزادی، برابری و رفاه" شعار تاکتیکی حزب و چهارچوب عمومی و فشرده مطالبات مردم در مبارزه علیه بی حقوقی و استبداد و نابرابری و فقر و فلاکت و حکومت مذهبی و حلقه اتصالی میان مطالبات امروز و خواستههای استراتژیک ما است.

۵- تحقق مطالبات "آزادی، برابری، رفاه" مستلزم سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار نظامی متضمن این خواستها در جامع ترین شکل خود است. جمهوری سوسیالیستی مطلوبترین حکومت ضامن این مطالبات و تامین وسیعترین آزادی و برابری حقوقی و اجتماعی شهروندان در تمام سطوح است.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری مردم آزادیخواه، زنان، جوانان، و کارگران را به تلاش برای تبدیل این منشور به خواست گسترده توده های مردم فرا میخواند.

قطعنامه در باره عملکرد "کمیته های کارگری" و تاکید بر ایجاد تشکلهای توده ای کارگری

۱- تشکل های توده ای کارگری در کنار تشکلهای حزبی طبقه، یک رکن اساسی مبارزه طبقاتی کارگران است. پیشروی و پیروزی در مبارزه علیه بورژوازی و استقرار حکومت کارگری بدون پیدایش و تقویت این تشکلهای و اتحاد وسیع توده های طبقه کارگر، مقدور نیست. ایجاد سازمانهای توده ای کارگری امر خود کارگران است و توسط کارگران و در مراکز کار باید ایجاد شود.

۲- اخیراً، ما شاهد شکل گیری "کمیته ها و نهاد های کارگری" تحت عناوین متفاوت از قبیل "کمیته پیگیری"، "کمیته هماهنگی"، "کمیته اقدام کارگری"، "اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار" (سپس اتحادیه آزاد کارگران)، "شورای هماهنگی" و غیره بوده ایم. اگر چه هدف اعلام شده این نهادها تلاش برای ایجاد تشکلهای توده ای کارگری است، اما کارنامه عملی و فعالیت تکنونی شان نشان دهنده پراکنجی خلاف این اهداف اعلام شده است.

۳- این نهادها اساساً بیرون مراکز کار شکل گرفته اند و فعالیت میکنند. سنت حاکم به فعالیت این نهادها، علیرغم هر اختلافی که دارند، سنتی غیر کارگری و خارج از سوخت و ساز اعتراض واقعی و جاری کارگران است. تاکنون هیچیک از این جریانها نتوانسته اند موجد شکل گیری تشکل های توده ای و علنی کارگری در جامعه باشند. بعلاوه، سنت کار و مشغله های فکری و مرزبندی های سیاسی آنها عملاً به بیراهه ای برای ایجاد تشکل کارگری منجر شده است. روی آوری به این پروسه ها و تداوم این سنت کار به معنای عدم پاسخگویی به نیاز حیاتی طبقه کارگر در ایجاد تشکل توده ای کارگری و شانه خالی کردن از این وظیفه حیاتی است.

۴- یک وظیفه دائمی هر تشکل کارگری تلاش برای متحد کردن و متحد نگهداشتن صفوف طبقه کارگر و دفاع از منافع کارگران است. اما تجربیات تاکنونی این جریانها نشان دهنده دامن زدن به شکاف و تفرقه و سکتاریسم بیشتر در صفوف بخشهای معدودی از طبقه و فعالین کارگری ای است که این جمع ها و محافل را مجرای برای دستیابی به تشکلهای توده ای کارگری تصور کرده اند.

۵- این نهادهای کارگری، هرچند با استقبال وسیعی در میان کارگران روبرو نشده اند، اما به هر اندازه که نفوذ و اشاعه پیدا کرده اند، باعث آشفته فکری کارگران شده و عملاً به مانعی در راه دستیابی به سازمانیابی توده ای و علنی طبقه کارگر تبدیل شده اند.

۶- عملکرد تاکنونی این نهادها ضمن نشان دادن کارنامه منفی آنها بیانگر ضرورت، اهمیت، کارایی و مطلوبیت سنت سازماندهی شورائی و جنبش مجامع عمومی در سازماندهی

ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

زنده باد شوراهای

مصوب دفتر سیاسی حزب

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخسازی قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزیر کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بپاخواسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراهای، در سراسر جامعه است.

۲- یک هدف شوراهای گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانهای ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراهای همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراهای را سازمان داد.

۳- شورا کاراترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های مردم است و باید جایگزین قدرت ارتجاع اسلامی شود.

۴- طبقه کارگر باید بسرعت شوراهای خود را ایجاد کند. شوراهای امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراهای امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراهای در محیط زیست و کار باشند.

۵- شوراهای محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراهای فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

قطعنامه در باره سندیکالیسم

۱- سندیکالیسم، گرایش اتحادیه و سندیکا سازی، بویژه در دنیای امروز یک گرایش "طبیعی" و "خودبخودی" کارگران در دفاع از سطح معیشت و زندگی شان نیست. سندیکالیسم آلترناتیو یک گرایش ناسیونال - رفرمیستی و بورژوایی در جنبش کارگری است. برای سندیکالیسم وجود سرمایه داری بعنوان یک نظام استثمارگر فرض است. گرایشی است که نقدی به بنیادهای نفرت انگیز نظام سرمایه داری، یعنی مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و توزیع ثروت اجتماعی، تقسیم طبقاتی و نظام کار مزدی ندارد.

۲- یک ویژگی سندیکالیسم محافظه کاری، بوروکراسی و تلاش برای کنترل رادیکالیسم و عمل مستقیم کارگری است. ویژگی دیگر سندیکالیسم قانونگرایی و تلاش برای محدود کردن مبارزات اقتصادی کارگران در چهارچوب قوانین ارتجاعی سرمایه داری و نظام اسلامی حاکم است. با حاد شدن تخصصات طبقاتی و گسترش رادیکالیزاسیون اعتراض کارگری، این گرایش هر چه بیشتر در مقابل گرایش شورایی و انقلابی کارگری قرار میگیرد.

۳- در کشورهای پیشرفته سرمایه داری غربی، عمدتاً بعزت قدمت و تاریخ جنبش سندیکایی، ماهیت بورژوایی سندیکالیسم علیه منافع عمومی و پایه ای طبقه کارگر به روشنی عیان شده است. در کشورهایی مانند ایران بدلیل اختناق، نبود هر نوع آزادی سیاسی و عدم وجود یک سنت پایدار، این ماهیت سندیکا هنوز تجربه نشده است. لذا در نظر گرفتن سندیکا یا اتحادیه صرفاً به عنوان ابزار دفاعی کارگران برای بهبود معیشت و شرایط کار طبقه کارگر یک اشتباه است. این تشکلات اساساً آلترناتیو جنبش بورژوایی و یا رکن "کارگری" احزاب و گرایشات بورژوایی در صفوف طبقه کارگر هستند. بعلاوه، باید توجه داشت که بخشهای معینی از بورژوازی در دوران تلاطم انقلابی در جامعه ایران در مقابل تلاش کارگران برای سازماندهی جنبش مجمع عمومی کارگری و ایجاد شوراهای کارگری، از سندیکاها در مقابل جنبش عمل مستقیم کارگری دفاع میکنند.

۴- در ایران سندیکالیسم اساساً بازتاب سنت ناسیونال رفرمیسم و مشخصاً جریانات توده ایستی - اکثریتی و نیروهای اپوزیسیون جنبش ملی - اسلامی است. سندیکا سازی اساساً گرایش و سیاست این خط مشی در جنبش کارگری است. تجربه و عملکرد محدود سندیکالیسم در ایران، چه در دوره اخیر و چه در گذشته، منعکس کننده مختصات پایه ای این جنبش اجتماعی در صفوف جنبش کارگری است.

۵- طبقه کارگر در ایران فاقد یک سنت قوی سندیکایی و جنبش سندیکالیستی ادامه کار است. در "انقلاب ۵۷" که طبقه کارگر امکان ابراز وجود سیاسی در ابعاد وسیع یافت، گرایش و سنت شورائی و رادیکال کارگری دست بالا داشت. گسترش و تعمیق مبارزات کارگری و رشد گرایش رادیکال - سوسیالیستی و شورایی در صفوف طبقه بسرعت گرایش سندیکایی را حاشیه ای و توان آن را در محدود کردن مبارزات توده

قطعنامه در باره عملکرد "کمیته های کارگری" و تأکیدی مجدد بر ایجاد تشکلهای توده ای کارگری ...

اعتراضات و اعتصابات کارگری است. اکثریت قریب به اتفاق اعتراضات موفق کارگری بر مجمع عمومی کارگران متکی بوده اند. پیشروی جنبش کارگری در دوران حاضر در گرو روی آوری بخشهای گسترده تری از رهبران عملی و فعالین رادیکال و سوسیالیست کارگری به این سنت کمونیستی مبارزه طبقه کارگر است.

۷- تشکل توده ای کارگری تنها در محیط کار طبقه کارگر میتواند شکل بگیرد. مناسبترین پروسه ایجاد این تشکلهای دامن زدن به جنبش ایجاد شوراهای کارگری و مجمع عمومی کارگری و تثبیت و روتین کردن آنست. شورا مجمع عمومی منظم کارگران است و ایجاد و سازمان دادن آن از لحاظ عملی مقدور است. مجمع عمومی شکل طبیعی سازمانیابی بسیاری از اعتراضات کارگری است، به قدرت مستقیم توده متجمع کارگران متکی است و دفاع از آن ساده است. پشتوانه عملی آن تاریخ تلاش کمونیستی طبقه کارگر و نه رفرمیسم و سوسیال دمکراسی است. مجمع عمومی با رشد و رادیکالیزاسیون توده های کارگر و تغییر تناسب قوا به سرعت به شوراهای کارگری تبدیل میشود و بر خلاف تشکلات سندیکالیستی و رفرمیستی نه تنها ظرفیت مبارزاتی خود را از دست نداده بلکه بیشتر باز می یابد.

۸- حلقه های پیشروی جنبش مجمع عمومی در شرایط کنونی عبارتند از: تحمیل مجمع عمومی به دولت و کارفرما، منظم کردن مجامع عمومی، مستقل از وجود اعتراض و اعتصاب در واحد تولیدی، تلاش آگاهانه برای مرتبط کردن مجامع عمومی کارگری در سطح منطقه ای و سراسر، و تبدیل مجمع عمومی به عنوان سخنگوی واقعی کارگران.

از این رو حزب اتحاد کمونیسم کارگری بار دیگر بر ایجاد تشکلهای توده ای و علنی کارگران در مبارزه علیه بورژوازی بر مبنای "قطعنامه تشکلهای توده ای کارگری: شورا، مجمع عمومی و سندیکا" تأکید میکند. یک شرط اساسی برای پیشروی، تعمیق و پیروزی مبارزه طبقه کارگر که در سالهای اخیر در ابعاد گسترده و به نحو بیوقفه ای ادامه داشته است، رو آوری به سنت سازماندهی شورائی کارگران و گسترش جنبش مجمع عمومی کارگری است.

حزب بار دیگر تمامی فعالین و رهبران عملی و بویژه کارگران رادیکال سوسیالیست را به دامن زدن و سازمان دادن جنبش مجامع عمومی کارگری فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

مصوب پنوم چهارم به اتفاق آرا
ژانویه ۲۰۰۹ - بهمن ۱۳۸۷

قطعنامه در باره سندیکالیسم ...

های کارگر خنثی خواهد کرد.

از اینرو حزب اتحاد کمونیسم کارگری بر نکات زیر در مبارزه خود برای ایجاد تشکل های توده ای کارگری و در مبارزه علیه خط مشی و افق سندیکالیستی تاکید میکند:

۱- ما، راسا، مگر در موارد معین، کارگران را به ایجاد سندیکا فراموش نمی خوانیم، بلکه بر سازماندهی شورائی و سنت عمل مستقیم کارگری، بر مجمع عمومی و جنبش مجامع عمومی مرتبط با هم تاکید داریم و برای گسترش آن تلاش میکنیم.

۲- ما از هر نوع تلاش کارگران برای ایجاد سندیکا (مانند تلاش برای هر نوع تشکل یابی دیگر کارگری) دفاع میکنیم و به آن یاری میرسانیم.

۳- ما در سندیکاهای کارگری مستقل شرکت میکنیم و برای کسب رهبری آن میکوشیم. در درون هر سندیکا گرایش مستقل خود را متحد میکنیم.

۴- ما برای نزدیک کردن هر چه بیشتر اتحادیه ها به یک ساختمان غیر بوروکراتیک و بویژه برای متکی شدن آنها در سطوح مختلف به مجامع عمومی و دخالت مستقیم و مستمر کارگران تلاش میکنیم.

۵- تلاش برای گسترش حیظه نفوذ و عمل جنبش رادیکال سوسیالیستی و شورایی در صفوف طبقه کارگر و تامین هژمونی این گرایش در جنبش کارگری یک رکن عمومی فعالیت کارگری ماست.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

مصوب پلنوم چهارم به اتفاق آرا
ژانویه ۲۰۰۹ - بهمن ۱۳۸۷

سیستم شورائی این امکان را دارد که طبقه کارگر و زحمتکشان را در جهات دیگر و در هیات های اجتماعی دیگر به خود متصل نگاه دارد. شوراهای روستائی و یا شوراهای سربازان میتوانند در سطوح معینی به این جنبش متصل شوند. جنبش تعاونی های کارگری و غیره نیز میتواند جای خود را در وابستگی به شبکه شوراها بیابد.

قطعنامه در باره تشکلهای توده ای طبقه کارگر شورا، مجمع عمومی، سندیکا

با توجه به اینکه:

۱- تشکل های توده ای کارگری، در کنار تشکل های حزبی طبقه، یک رکن اساسی مبارزه طبقاتی کارگران است و پیشروی و پیروزی در این مبارزه بدون پیدایش و تقویت این تشکلهای اتحاد وسیع توده های طبقه کارگر از طریق آنها، مقدور نیست؛

۲- طبقه کارگر ایران تاریحا از تشکل های توده ای و علنی ادامه کار محروم بوده است و فقدان این تشکل ها هم امروز یک ضعف اساسی مبارزه طبقه کارگر علیه بورژوازی است. پرولتاریای ایران برای دخالت موثر در تحولات سیاسی-اجتماعی آتی و ایفای نقش تاریخی خود باید بر این نقطه ضعف فائق آید؛

۳- یک شرط اساسی برای پیشروی، تعمیق و پیروزی مبارزات جاری کارگری، که در سالهای اخیر در ابعاد بی سابقه و به نحو بیوقفه ای ادامه داشته است، برپایی تشکلهای توده ای کارگری است؛

۴- تمایل به سازمانیابی و متشکل شدن، یک خواست و گرایش فراگیر در میان توده های کارگر است و مبارزه برای ایجاد این تشکلهای خود یک وجه دائمی جنبش کارگری در دوره اخیر بوده است، جمهوری اسلامی مداوما این مبارزات را سرکوب کرده و سازمانهای توده ای مستقل کارگران را که در جریان انقلاب و در سالهای پس از آن شکل گرفتند، مورد هجوم قرار داده و متلاشی کرده است؛

۵- بر متن این شرایط، جمهوری اسلامی تلاش میکند تا با تبلیغ و ایجاد سازمانهای زرد و ارتجاعی در کارخانه ها و واحدهای تولیدی، مطالبات کارگران را تحریف کرده و جنبش کارگری را محدود و مهار کند؛

۶- فشار رژیم اسلامی به جنبش کارگری، موجب تقویت گرایشات محافظه کارانه و سندیکالیستی در برخی محافل کارگری و بویژه سازمانهای چپ خلقی شده است. علاوه بر این طرح ها و ایده های ذهنی و غیره عملی نظیر "سندیکای مخفی"، که نه فقط مقدرات و نیازهای واقعی جنبش کارگری را ندیده میگیرد، بلکه اصولا از پاسخگویی به نیاز کارگران ایران به تشکل های توده ای و علنی شانه خالی مینماید، از جانب برخی گروه ها طرح شده است. این ایده ها، هرچند با استقبال وسیعی در میان کارگران روبرو نشده است، اما به هر اندازه که نفوذ و اشاعه پیدا کند، باعث آشفته فکری کارگران شده و به مانعی در راه سازمانیابی توده ای طبقه کارگر تبدیل خواهد شد؛

با توجه به نکات فوق این وظیفه مبرم در برابر

قطعه نامه در باره تشکلهای توده ای طبقه کارگر شورا، مجمع عمومی، سندیکا ...

با توجه به نکات فوق، ما اعلام میداریم که:

۱- شعار اصلی و سیاست عمومی حزب اتحاد کمونیسم کارگری در زمینه سازماندهی توده ای و سازماندهی توده ای کارگران، تبلیغ و ایجاد شوراهای کارگری و سازماندهی شورائی طبقه کارگر است.

۲- ما سازمان شورائی طبقه کارگر را مرکز ثقل و محور تشکل یابی توده ای طبقه و نقطه اتکاء سایر تشکل های توده ای کارگری میدانیم و برای پیوند دادن دیگر تشکل های توده ای کارگری بر محور سازمان شورائی طبقه کارگر مبارزه میکنیم.

۳- سازمان شورائی، پیشروترین شکل سازمانیابی توده ای کارگران و ناظر بر سازمانیابی بخش متمرکز و پیشرو طبقه کارگر در صنایع و واحدهای بزرگ کار است. از اینرو ما برای برپائی یک جنبش فراگیر و سراسری شورائی طبقه کارگر مبارزه میکنیم. با این وجود در کارگاههای کوچک و کلا در آن رشته هائی که بخاطر موقعیت اقتصادی شان شمار و تمرکز کارگران در واحدهای کار محدود است و اتحاد حرفه ای، در مقایسه با اتحاد محل کار، کارگران را در موقعیت قوی تری در برابر سرمایه داران قرار میدهد، کارگران را به ایجاد اتحادیه های حرفه ای فرا میخوانیم و برای ایجاد این اتحادیه ها مبارزه میکنیم. ما تلاش خواهیم کرد تا سازمانهای اتحادیه ای در این رشته ها در ارتباط و پیوستگی نزدیک با جنبش سراسری شورائی طبقه کارگر قرار بگیرند.

ب: خصوصیات شوراهای کارگری

خصوصیات اصلی شوراها و چشم انداز سازمانیابی شورائی کارگران، که باید در تبلیغات ما مورد نظر قرار بگیرد، عبارتست از:

۱- شوراها از پائین شکل میگیرند و خصلت اساسی آنها دمکراتیسم و اعمال اراده مستقیم توده های کارگراست.

۲- شورا مجمع عمومی منظم و سازمانیافته کارگراست. در هر واحد تولیدی، همه کارگران عضو شورای آن واحد هستند و مجمع عمومی کارگران بدنه و ارگان تصمیم گیرنده شورا است. مجمع عمومی برای اجرای تصمیمات خود افرادی را (بعنوان کمیته اجرائی و یا تحت هر نام دیگر) انتخاب میکند. این افراد در هر جلسه مجمع عمومی، قابل عزل و نصب مجدد هستند.

۳- در کارخانه های بزرگ که تشکیل مجمع عمومی همه کارگران عملی نیست، شورای کارخانه از نمایندگان چندین مجمع عمومی، مثلا مجمع عمومی قسمت ها، تشکیل میشود.

کمونیستها قرار میگیرد که نقطه نظرات و طرح مشخص خود را برای سازماندهی توده ای کارگران بروشنی اعلام دارند.

الف: رئوس سیاست ما

سیاست کمونیستها در امر سازماندهی توده ای کارگران باید بر عوامل زیر مبتنی باشد:

۱- مبارزه اقتصادی کارگران در ایران، عموما خصلتی فراصنفي و سراسری دارد. در پایه ای ترین سطح، ادغام سرمایه ها در رشته های مختلف تولید، مالکیت دولتی بر بخش عمده سرمایه های صنعتی، نقش اقتصادی دولت و سیاستهای دولتی در تنظیم رابطه عمومی بین کار و سرمایه، و نزدیکی ارگانیک و بهم پیوستگی بیش از پیش مطالبات و خواستهای بخشهای مختلف طبقه کارگر موجب شده است تا مطالبات و مبارزات کارگران در هر کارخانه، خصلت و جایگاهی عمومی و فرا صنفی داشته باشد.

۲- در این شرایط سازمانهای کارگری برای پیشبرد مبارزات اقتصادی میباید بر تشکل های فابریکی-منطقه ای، و نه صنفی و رسته ای کارگران، مبتنی باشد.

۳- سازمان توده ای کارگری باید دخالت هر چه وسیعتر و فعالتر توده های کارگر در مبارزه را تامین کند و بر دموکراسی اعمال اراده مستقیم کارگران مبتنی باشد. در غیر این صورت، شکل گرفتن بوروکراسی و مراجع تصمیم گیری جدا از توده های کارگر در تشکل های کارگری اجتناب ناپذیر بوده و خود به مانعی بر سر راه پیشرفت مبارزات کارگران تبدیل خواهد شد.

۴- جنبش کارگری ایران، تحت شرایط اختناق و رویارویی ناگزیر مبارزه و اعتصابات کارگری با دولت، به مبارزه سیاسی سوق پیدا میکند و برای هیچ دوره طولانی در سطح اقتصادی و در چهارچوب قوانین و نظام موجود باقی نمیماند. لذا تشکل های توده ای طبقه باید بتوانند قابلیت بسیج توده ای کارگران در هر شرایطی را داشته باشند و خود را به مبارزه در چهارچوب قانون و قانونیت بورژوائی محدود نکنند.

۵- تجربه جنبش کارگری در دوره اخیر بر واقعیات فوق تاکید کرده و شکل سازمانی متناسب با این واقعیات را عرضه داشته است. این شکل سازمانی تشکلهای شورائی طبقه کارگر است. در دوره انقلاب بخش وسیعی از فعالین و پیشروان جنبش کارگری به جنبش شورائی روی آوردند و در بسیاری از واحدهای تولیدی شوراهای کارخانه و در برخی مناطق، شوراهای منطقه ای کارگران تشکیل شد. این جنبش، با سرکوب ۳۰ خرداد و اختناق پس از آن، در ابعاد محدودتری در شکل جنبش مجمع عمومی ادامه یافت و هم اینک نیز خواست ایجاد شوراها یک گرایش وسیع و عمومی در میان توده های کارگر است.

قطعه‌نامه در باره تشکلهای توده ای طبقه کارگر شورا، مجمع عمومی، سندیکا ...

۴- سازمان سراسری شوراها یک سازمان هرمی است که شوراهای فابریکی واحدهای پایه آن هستند. در سطح بالاتر از فابریکها، شوراهای نمایندگان شوراهای کارخانه تشکیل میشود (و بهمین ترتیب در سطوح بالاتر)

۳- شرایط اجتماعی-سیاسی ایران و مختصات جنبش کارگری ایجاب میکند که هر نوع سازماندهی توده‌ای طبقه کارگر اولاً از سطح محلی آغاز شود، ثانیاً به رهبران محلی جنبش کارگری متکی باشد و ثالثاً از هم اکنون تشکلی توده‌ای باشد. مجمع عمومی این خصوصیات و ملزومات را به خوبی برآورده و متحقق میکند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری و کارگران کمونیست و مبارزه بطور کلی باید بر مبنای این زمینه مساعد و با اتکاء به تمایلات و گرایشات موجود در میان کارگران برای اتکاء به مجامع عمومی در مبارزات جاری، جنبش مجمع عمومی را به عنوان یک حرکت آگاهانه، هدفمند و وسیع در میان کارگران سازمان و گسترش دهند. کارگران کمونیست و فعالین جنبش مجمع عمومی وظیفه دارند:

۱- ایده کارایی مجمع عمومی به عنوان یک ارگان مبارزاتی موثر و رکن شوراهای کارگری، و نیز افق وسیعتر جنبش مجمع عمومی را در میان کارگران تبلیغ و تثبیت نمایند و کارگران را به تبدیل شدن به فعالین جنبش مجمع عمومی فراخوان دهند.

۲- در هر واحد تولیدی کارگران را به تشکیل مجامع عمومی فراخوانند.

۳- برای منظم کردن تشکیل مجامع عمومی (مستقل از وجود اعتراض و اعتصاب در هر واحد) مستمراً فعالیت کنند.

۴- مجامع عمومی را به عنوان سخنگوی واقعی کارگران به رسمیت بشناسانند.

۵- برای مرتبط کردن مستمر و سازمان یافته مجامع عمومی با یکدیگر مداوماً تلاش نمایند.

۶- مجامع عمومی را هر چه بیشتر در قلمرو قراردادهای دسته جمعی، حل اختلاف، ابراز نظر و تصمیم گیری درباره طرحها و اقدامات دولت فعال نمایند.

د: درباره اتحادیه

نظر به عوامل متعدد نظیر محدودیتهای تاریخی و عملی اتحادیه‌ها در ایجاد اتحاد وسیع طبقاتی و رهبری مبارزه کارگری، پیوند تاریخی جنبش اتحادیه‌ای با سیاست سوسیال دموکراتیک، گرایش اتحادیه‌ها به دور شدن از دموکراسی مستقیم و

۵- سیستم شورائی وجود اتحادیه‌ها و اتحاد آنها در این شوراها را منتفی نمیکند. اصنافی که اتحادیه شکل مناسب تشکل آنهاست میتوانند در سطوح معینی نمایندگان خود را به شوراهای نمایندگی بفرستند و باین ترتیب وابستگی خود را به سازمان سراسری شوراها اعلام کنند.

۶- سیستم شورائی این امکان را دارد که طبقه کارگر و زحمتکشان را در جهات دیگر و در هیات های اجتماعی دیگر به خود متصل نگاه دارد. شوراهای روستائی و یا شوراهای سربازان میتوانند در سطوح معینی به این جنبش متصل شوند. جنبش تعاونی های کارگری و غیره نیز میتواند جای خود را در وابستگی به شبکه شوراها بیابد.

ج: جنبش مجمع عمومی

به عنوان گام نخست در سازماندهی شورائی کارگران و به عنوان یک راه حل فوری و قابل تحقق برای پر کردن خلاء ناشی از فقدان تشکلهای توده ای کارگری، حزب اتحاد کمونیسم کارگری خواهان شکل گیری و گسترش جنبش مجمع عمومی کارگری است. هدف جنبش مجمع عمومی ایجاد یک شبکه وسیع از مجامع عمومی کارگران در کارخانه ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی مختلف، منظم کردن و مرتبط کردن آنها با هم و از اینطریق ایجاد هرچه سریعتر یک ابزار تشکیلاتی موثر و یک رهبری عملی کمابیش سراسری در مبارزات جاری کارگری است.

جنبش مجمع عمومی، که باید با فعالیت آگاهانه کارگران کمونیست بر پا شود، از این نقطه قدرت اساسی برخوردار است که در عین اینکه گام نخست در سازماندهی شوراهای کارگری است، هم اکنون بدلیل وجود زمینه های مادی بسیار مناسب در جنبش کارگری قابلیت تحقق سریع اهداف خود را دارد. واقعیات موجود جنبش کارگری ایران صحت و حقانیت این سیاست را تأکید میکند.

۱- واقعیات دوره اخیر مبارزات کارگری به روشنی نشان میدهد که هم امروز ایده و خواست مجمع عمومی در جنبش کارگری تثبیت شده و مجمع عمومی پدیده شناخته شده ای در میان توده های کارگر است. در دوره اخیر کارگران برای پیشبرد مبارزات خود و در برابر سازمانهای زرد عملاً اجتماعات اعتراضی خود را، غالباً حتی تحت نام مجمع عمومی، بر پا داشته اند.

۲- هر طرح سازماندهی توده‌ای-علنی کارگران، در صورتی

بیانیه حزب در مورد جایگاه سیاست کنترل کارگری

۱- حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای پیروزی کامل و همه جانبه انقلاب اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری مبارزه میکند. انقلابی که کل مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری را واژگون و به مصائب ناشی از این نظام خاتمه میدهد هدف ما برقرار فوری یک جامعه کمونیستی است؛ جامعه ای، بدون تقسیم طبقاتی، بدون مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، بدون مزدبگیری، بدون دولت، بدون استثمار و بدون ستم. یک جامعه آزاد انسانی متکی بر اشتراک همگان در ثروت جامعه و در تعیین مسیر سرنوشت آن. ما برای نظامی مبارزه میکنیم که در آن هرکس داوطلبانه به اندازه توان و خلاقیتش در تولید وسایل زندگی و رفاه همگان شرکت میکند و به اندازه نیازش از محصولات این تلاش جمعی بهره میگیرد. جامعه ای آزاد، برابر و مرفه!

۲- در عین حال، تا زمانی که نظام استثمارگر سرمایه داری پابرجاست، حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای تحمیل گسترده ترین اصلاحات بمنظور تضمین رفاه و آسایش و بهبود وضعیت زندگی کارگران و توده مردم مبارزه میکند. در شرایط کنونی محور سیاستهایی که حزب برای آن مبارزه میکند عبارتند از:

الف- تعیین حداقل دستمزد توسط نمایندگان کارگران و بر مبنای نیازهای یک زندگی انسانی.

ب- پرداخت بیمه بیکاری و بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد رسمی به همه افراد فاقد شغل و بازنشسته.

پ- طب و خدمات بهداشتی و پزشکی رایگان، مناسب و قابل دسترس برای همه.

ج- تامین و تضمین مسکن مناسب برای همگان. هزینه مسکن نباید از ۱۰٪ در آمد فرد یا خانواده بیشتر باشد و مابقی هزینه، باید توسط سوبسید دولتی تامین گردد.

د- لغو قراردادهای سفید امضا و موقت و انعقاد قراردادهای دسته جمعی رسمی توسط نمایندگان منتخب تشکلهای مستقل کارگری.

۳- حزب اتحاد کمونیسم کارگری در عین تلاش برای تحمیل مفاد بند ۲ به دولت و کارفرمایان و بهبود شرایط کار، همزمان برای پیشبرد سیاست کنترل کارگری که متضمن نظارت و کنترل ارگانهای توده ای کارگران و کارکنان در مراکز تولید و توزیع و ارائه خدمات زندگی اجتماعی است، مبارزه میکند. قطعنامه کنترل کارگری ضرورت، مفاد، چگونگی و دامنه اجرای سیاست کنترل کارگری را روشن میکند.

۴- در شرایطی که سیاستهای سرمایه داری و حکومت اسلامی عملاً برخی از مراکز تولیدی و اقتصادی را به ورشکستگی کشانده اند، کارگران را دسته دسته اخراج و

قطعنامه در باره تشکلهای توده ای طبقه کارگر شورا، مجمع عمومی، سندیکا ...

شکلگیری یک بوروکراسی مافوق کارگران در آنها و بالاخره با توجه به فقدان زمینههای مادی برای تشکیل آنها در شرایط کنونی در ایران، حزب اتحاد کمونیسم کارگری سیاست تشکیل اتحادیهها را در مرکز ثقل مبارزه خود برای ایجاد تشکلهای توده ای قرار نمیدهد. سیاست عمومی حزب ایجاد شوراهای کارگری است. در عین حال اعلام میکنیم که:

۱- آزادی بی قید و شرط تشکیل اتحادیههای کارگری، جزئی از حق مسلم کارگران برای ایجاد هر نوع تشکل صنفی و سیاسی است و ما قاطعانه از این حق دفاع میکنیم.

۲- از تلاشهای کارگران برای ایجاد سندیکا حمایت میکنیم و به آن یاری میرسانیم.

۳- در اتحادیههای کارگری مستقل شرکت میکنیم، برای تقویت رهبری کارگران کمونیست در آنها میکوشیم و در درون هر اتحادیه خط کمونیستی را متحد میکنیم.

۴- برای نزدیک کردن هر چه بیشتر اتحادیهها به یک شکل ساختمانی غیر بوروکراتیک و بویژه برای متکی شدن آنها در سطح محلی به مجامع عمومی کارگران تلاش میکنیم.

۵- به درجه ای که سیاست ما برای ایجاد شوراهای کارگری و بسط جنبش مجمع عمومی بعنوان نخستین گام آن با تلاشهای محافل کارگری و جریانات مبارز طرفدار اتحادیه همسویی داشته باشد (نظیر ایجاد مجامع عمومی که مورد تائید برخی هواداران تشکیل اتحادیهها قرار دارد)، آماده اتحاد عمل با این محافل و جریانات هستیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

مه ۲۰۰۷

سیستم شورائی وجود اتحادیهها و اتحاد آنها در این شوراها را منتفی نمیکند. اصنافی که اتحادیه شکل مناسب تشکل آنهاست میتوانند در سطوح معینی نمایندگان خود را به شوراهای نمایندگی بفرستند و باین ترتیب وابستگی خود را به سازمان سراسری شوراها اعلام کنند.

بیانیه حزب در مورد جایگاه سیاست کنترل کارگری ...

قطعنامه در مورد کنترل کارگری

واحدهای اقتصادی و کارخانجاتی که هر روز تعطیل میشوند و یا در آستانه تعطیلی هستند و یا توسط کارفرمایان به بهانه وضعیت بحرانی به تعطیلی و رکود کشانده میشوند، در حال گسترش است.

۲- بخشهای وسیعی از کارگران قادر به تامین ملزومات اولیه زندگی نیستند. بیکاری و عدم پرداخت دستمزدها زندگی کارگران را به تباهی و فلاکت کشانده است. آنها که کار میکنند، دستمزد مکفی دریافت نمیکنند و همان حقوق ناچیزشان نیز ماهها پرداخت نمیشود. آنها که بیکار گشته اند، در غیاب بیمه بیکاری مکفی و برخورداری از هرگونه سیستم تامین اجتماعی، محکوم به فلاکت و محرومیت اند. بعلاوه تحمل فقر و فلاکت، سرکوب هر اعتراض حق طلبانه کارگران و توده های مردم یک رکن سیاست رژیم اسلامی برای بقاء و بزانو درآوردن اعتراضات جامعه است.

۳- در چنین شرایطی، و در تقابل با سیاستهایی که طبقه کارگر را به حمایت از راه حل هایی سازشکارانه و بورژوازی دعوت میکند، اتخاذ سیاست کنترل کارگری در بخش های صنعتی و خدماتی که در آستانه رکود و تعطیلی قرار دارند، یک راه حل کارگری رادیکال و سوسیالیستی در پاسخ به این وضعیت بحرانی در کنار سایر مطالبات دیگر کارگری، از جمله افزایش فوری دستمزدها و بیمه بیکاری مکفی است.

۴- مجمع عمومی کارگران و کارکنان هر موسسه ای ارگان اجرایی اعمال سیاست کنترل کارگری است. تشکلهای توده ای کارگری، مجامع عمومی منظم شده و شوراهای کارگری، با اعمال اراده مستقیم خود فعالیتهای واحد تولیدی و خدماتی را تحت نظارت و کنترل خود قرار میدهند. کلیه تصمیمات مجمع عمومی برای کلیه کارکنان واحد صنعتی لازم الاجرا است. نمایندگان منتخب مجمع عمومی دارای اختیارات محدود در فاصله بین دو اجلاس مجمع عمومی کارگران و کارکنان واحد اقتصادی هستند.

۵- دامنه اعمال سیاست نظارت و کنترل کارگری بر حسب قدرت و نیروی کارگری میتواند تا کلیه امور مربوط به واحد تولیدی، از تهیه مواد خام و قطعات، تعیین نوع و میزان محصولات تولید شده، تعیین قیمت تمام شده محصولات، اعتبارات لازم بانکی، دخالت در شرایط کار و امور استخدامی و همچنین میزان دستمزد کارگران و کارکنان را در بر بگیرد.

۶- کلیه دفاتر و اسناد امور مالی و حسابداری واحد صنعتی می بایست باز و تحت کنترل و نظارت مجمع عمومی کارکنان و نمایندگان منتخب آنها باشد.

۷- حراست و کلیه ارگانهای اطلاعاتی و سرکوبگر کارگران و انجمنهای اسلامی ضد کارگر و انگلی باید منحل و از محیط کار اخراج شوند.

بیکار میکنند و حقوق صدها هزار تن را ماهها پرداخت نمیکنند، کنترل کارگری یک پاسخ واقعی و رادیکال کارگری در مقابل این وضعیت است. کنترل کارگری یک راه حل کارگری در این شرایط برای دفاع از امنیت شغلی، ادامه کاری کارخانه، و سازماندهی واحدهای اقتصادی و تولیدی در جهت رفع نیازهای کارگران و جامعه است.

۵- کنترل کارگری یک گام در جهت حاکم کردن طبقه کارگر بر سرنوشت اقتصادی خود و خارج کردن کنترل شرایط کار و پروسه تولید و توزیع محصولات مورد نیاز زندگی مردم از حوزه بازار و سرمایه است. پیشبرد موفق سیاست کنترل کارگری نیازمند تامین همبستگی و اتحاد گسترده طبقه کارگر و عقب راندن دستگاه سرکوب دولت اسلامی حافظ سرمایه داری است.

۶- اجرای سیاست "کنترل کارگری" در مراکز تولیدی و خدماتی مترادف و به معنای اجرای سیاستهای اقتصادی دولت کارگری و یا پیاده کردن "سوسیالیسم" در یک واحد تولیدی و یا "تعاون" کارگر و سرمایه برای راه اندازی واحد تولیدی نیست. تحمیل اراده مستقیم کارگر، نظارت و کنترل کارگری بر پروسه و شرایط تولید و توزیع، در برخی از واحدهای اقتصادی در چهارچوب مناسبات اقتصادی حاکم بر جامعه است.

۷- سرنوشت سیاست کنترل کارگری در تحلیل نهایی در جامعه منوط به تسویه حساب با قدرت سیاسی و تصرف قدرت سیاسی توسط کارگر و کمونیسم و نابودی مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری طبقه کارگر و تمامی فعالین رادیکال سوسیالیست طبقه کارگر را به تشدید مبارزه علیه فلاکت اقتصادی و رژیم اسلامی و سرمایه فرامیخواند. پیروزی انقلاب کارگری در گرو تامین رهبری طبقه کارگر در مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و استقرار فوری جامعه ای مبتنی بر آزادی، برابری و رفاه همگان، یک جمهوری سوسیالیستی، است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۰ ژوئیه ۲۰۰۸

قطعنامه در مورد کنترل کارگری

۱- کارگران کار میکنند، اما صاحبان صنایع و دولت از پرداخت حقوق و مزایای آنها، به بهانه عدم سود آوری و عدم توانایی رقابت با محصولات وارداتی، خودداری میکنند. فروشگاهها و مراکز توزیع و انبارها پر از کالاها و محصولات مورد نیاز مردمند، اما تولید کنندگان این محصولات خود در زمره محرومترین اقشار جامعه و از محصولات تولید شده بی بهره اند. بیکار سازیها و اخراج کارگران ابعاد گسترده ای یافته است. تعداد

بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری پیرامون

بحران جهان سرمایه داری و خطوط عمده وظایف ما

۱- رسانه های رسمی، ایدئولوگها، متخصصین اقتصادی و سیاستمداران طبقه حاکمه، تصویر گمراه کننده و محدودی از بحران کنونی ارائه میدهند. گام اول در شناخت واقعیت بحران کنونی کنار زدن این تصاویر است. "وام های آلوده"، "انقباض بازار مالی"، و یا "بحران مالی" بیان تمام حقیقت پایه ای بحران کنونی نیستند. این کلمات بمنظور پرده پوشی و پنهان کردن ماهیت واقعی این بحران جایگاهی کلیدی یافته اند. بحران کنونی، برخلاف این تبلیغات، زائیده "وام های آلوده" نیست، بلکه "وامهای آلوده" خود ناشی از شکل گیری بحران اقتصادی در نظام سرمایه داری است. ماهیت و علل پایه ای بحران را نمیتوان با شکل و زمینه های بروز آن توضیح داد. بیکاری میلیونی و گسترش یافته، کاهش سطح معیشت و رفاه توده های مردم، انقباض اعتبارات و سرمایه گذاری ها و کاهش قابل ملاحظه حجم تولیدات در سطح جهانی، همه و همه دال بر عمق و دامنه گسترده بحران جهانی کنونی است.

۲- وجود بحران گسترده جهانی شکستی برای ایدئولوژی و سیاست بازار آزاد و سرمایه داری رقابتی در سطح جهانی است. با فروپاشی بلوک شرق ما شاهد گسترش تبلیغات کر کننده مدافعین بازار آزاد و سرمایه داری رقابتی بودیم. ادعا میشد که سرمایه داری متکی به بازار و رقابت بهترین، کارآ ترین و عملی ترین نظام اقتصادی برای جامعه بشری است. پایان تاریخ، پایان مبارزه طبقاتی و پایان تلاش بشریت زحمتکش برای دستیابی به آزادی، برابری، رفاه و یک زندگی شایسته انسانی را اعلام کردند. فردگرایی، کاریسم، سودجویی و منفعت پرستی حقیر به صدر تبلیغات و افق جامعه رانده شد. هر گونه نعدوستی، انسانگرایی و دفاع از منفعت اجتماعی را حقیر شمردند. قانون جنگل و اصل بقاء اصلح را به قانون عام جامعه تبدیل کردند. بحران کنونی ثمره اجتناب ناپذیر نظامی است که تنها شاخص آن سود است. اکنون حتی برخی از هارترین مدافعین بازار آزاد به شکست این الگوی اقتصادی اذعان میکنند. اگر در پس شکست سیاست دولتگرایی اقتصادی نشان داده شد که دولتی شدن سرمایه، مالکیت دولتی و کنترل نهادهای بازار توسط برنامه ریزی دولتی، بعنوان الگوی سرمایه داری اصلاح شده، نمیتواند چهارچوب مناسب و کارآمدی برای تخفیف تناقضات درونی نظام سرمایه داری باشد؛ در دوران کنونی نیز ما شاهدیم که بازار، جهانی شدن بیشتر سرمایه و گسترش رقابت نه تنها تناقضات این نظام را تخفیف نمیدهد بلکه در شدیدترین شکل این تناقضات را بمنصه ظهور می رساند.

۳- این واقعات در کلیت خود نشان دهنده این حقیقت پایه ای است که سرمایه داری، مستقل از الگوهای اقتصادی،

۱- رسانه های رسمی، ایدئولوگها، متخصصین اقتصادی و سیاستمداران طبقه حاکمه، تصویر گمراه کننده و محدودی از بحران کنونی ارائه میدهند. گام اول در شناخت واقعیت بحران کنونی کنار زدن این تصاویر است. "وام های آلوده"، "انقباض بازار مالی"، و یا "بحران مالی" بیان تمام حقیقت پایه ای بحران کنونی نیستند. این کلمات بمنظور پرده پوشی و پنهان کردن ماهیت واقعی این بحران جایگاهی کلیدی یافته اند. بحران کنونی، برخلاف این تبلیغات، زائیده "وام های آلوده" نیست، بلکه "وامهای آلوده" خود ناشی از شکل گیری بحران اقتصادی در نظام سرمایه داری است. ماهیت و علل پایه ای بحران را نمیتوان با شکل و زمینه های بروز آن توضیح داد. بیکاری میلیونی و گسترش یافته، کاهش سطح معیشت و رفاه توده های مردم، انقباض اعتبارات و سرمایه گذاری ها و کاهش قابل ملاحظه حجم تولیدات در سطح جهانی، همه و همه دال بر عمق و دامنه گسترده بحران جهانی کنونی است.

آنچه اکنون جهان را در چنگال خود به اسارت گرفته است، در یک کلام بحران جهانی نظام سرمایه داری است. بحران های اقتصادی ادواری با عواقب وخیم و خانمان برانداز اقتصادی و اجتماعی یک جزء اجتناب ناپذیر و ذاتی نظام سرمایه داری است. تناقضات نظام سرمایه داری پس از یک دوره نسبتاً طولانی انباشت سریع سرمایه در دوران پس از جنگ سرد و گسترش بازارهای سرمایه گذاری و سود آوری در سطح جهان به بحرانی منجر شده است که اکنون شاهد مراحل اولیه آن هستیم. این بحران نیز مانند تمام بحرانهای ادواری نظام سرمایه داری اساساً از یک تناقض بنیادی در پروسه انباشت سرمایه نشأت میگیرد. در پایه ای ترین سطح، قانون گرانش نزولی نرخ سود

قطعه نامه

در مورد کنترل کارگری...

۸- دستمزد هیچیک از کارکنان فنی و امور اداری نباید از حقوقی معادل مزد متوسط کارگران واحد بیشتر باشد.

۹- مجمع عمومی کارگران و کارمندان ارگان اجرایی جلوگیری از هر گونه سوء استفاده شخصی از امکانات و تسهیلات و محصولات واحد تولیدی و خدماتی است.

۱۰- مقررات جزئی تر و ویژه هر واحد در امور کنترل کارگری توسط مجمع عمومی کارگران و کارکنان هر واحد تعیین و تنظیم میشود.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۰ ژوئیه ۲۰۰۸

بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری پیرامون

بحران جهان سرمایه داری و خطوط عمده وظایف ما ...

آموزش و تحصیل رایگان مبارزه کرد. راه حل آنها تحمیل فلاکت اقتصادی بر توده های مردم و در دستور قرار دادن سیاست ریاضت کشی اقتصادی است. این راه حلهای ضد انسانی را باید متحدانه در هم شکست.

۴- یک رکن تبلیغات عوامفریبانه مدافعین الگوی اقتصادی بازار آزاد و رقابت، مساله عدم دخالت دولت در اقتصاد و بازار در مقابل سیستم کینزی و سوسیال دمکراسی است. تاجریسم و ریگان ایسم در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ معنای غلبه این گرایش بر سرمایه داری غرب بود. اما سرمایه داری بقاء خود را مدیون دخالت مستمر دولت و فرای نهادهای اقتصادی و بازار در تعیین شرایط اقتصادی و عملکرد نظام سرمایه داری است. در حال حاضر نیز بدون دخالت دولت برای حفظ بزرگترین موسسات مالی و بانکی، بدون "طرح نجات" این موسسات، نظام سرمایه داری عملا فلج شده و چرخهای آن متوقف میشود. واقعیت این است که مستقل از الگوهای سرمایه داری، مدل بازار آزاد و رقابتی و یا برنامه ریزی شده و دولتی از نوع سوسیال دمکراسی و کینزی، سرمایه داری تماما یک نظام استثمارگر و ضد انسانی است.

دخالت همه جانبه دولت به نفع سرمایه، در عین حال افشاگر تبلیغات ایدئولوژیهای سرمایه داری در مورد نقش نهاد دولت در این نظام است. برخلاف تبلیغات سخنگویان طبقات حاکم، دولت یک نهاد عمومی، حاصل اراده جمعی و منفعت عمومی و مشترک تمامی اعضای جامعه نیست. دولت نهادی مستقل و مافوق طبقات و منافع طبقاتی در جامعه نیست. دولت مهم ترین ابزار طبقه حاکمه برای انقیاد و استثمار توده های مردم زحمتکش است. دولت قوه قهریه سازمان یافته طبقه حاکمه است. دولت ابزار اعمال حاکمیت طبقاتی سرمایه داری در جوامع کنونی است. هر دولتی مستقل از شکل و ظاهری که بخود گرفته باشد، دولتی طبقاتی و منعکس کننده طبقه حاکم در جامعه است. اما بر خلاف دولتهای کنونی که نماینده اقلیت استثمارگر در جامعه هستند، حکومت کارگری، دولت اکثریت توده های مردم استثمار شده بمنظور اعمال حکم آزادی و برابری انسانها است.

۵- پیامدهای بحران اقتصادی نظام سرمایه داری محدود به قلمرو اقتصاد در جامعه نیست. هر بحران اقتصادی دارای عواقب وخیم اقتصادی و اجتماعی است. جنگ های جهانی خانمان برانداز، جدال بر سر حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی، میلیتاریسم و لشگر کشی نظامی تماما از عواقب و پیامدهای بحران اقتصادی و تشدید کشمکش میان بلوکهای متفاوت سرمایه جهانی هستند. از طرف دیگر گسترش گرایشهای راست افراطی، فاشیستی، نژادپرستانه، ضد انسانی، غقب گرایانه، ارتجاعی و مذهبی از خصوصیات دوره های بحران سرمایه داری است.

یکی از پیامدهای این بحران در سطح جهان

چه سرمایه داری دولتی، چه سرمایه داری رقابتی و متکی بر بازار آزاد، یک نظام تماما ضد کارگر و ضد انسانی است. تا زمانیکه بنیادهای نفرت انگیز این نظام یعنی مالکیت خصوصی و تقسیم طبقاتی جامعه و نظام کار مزدی یا پرجاست، سهم کارگر و مردم زحمتکش محرومیت و استثمار و تبعیض و ستمکشی و بی حقوقی است. نظام سرمایه داری مسبب فقر و فلاکت و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان امروز است. بحران اخیر سرمایه داری، این حقیقت که سرمایه داری یک نظام استثمارگر، ضد انسانی و نماینده اقلیت سودجو و استثمارگر است را در ابعادی جهانی عیان کرده است.

۳- راه حل سرمایه دارانه بحران اقتصادی از همان قانونمندی های عمومی این نظام پیروی می کند. تشدید استثمار، کاهش دستمزدها، افزایش بیکاری، حذف خدمات اجتماعی و رفاهی و کلا تحمیل تمام عواقب بحران به توده های مردم کارگر و زحمتکش. در یک کلام، بورژوازی و دولت سیاست ریاضت کشی اقتصادی را اتخاذ میکند. در حال حاضر دولت آمریکا نزدیک به هزار میلیارد دلار از دسترنج مردم را به موسسات مالی طبقه سرمایه دار داده است. انتقال یک جای چنین حجمی از ثروت اجتماعی به طبقات سرمایه دار، یک اقدام بی سابقه و بزرگترین در نوع خود است. با بخشی از این رقم میتوان مساله بیمه درمانی، بیمه بیکاری، بی خانمانی و بسیاری از معضلات اجتماعی را بنفع مردم حل کرد.

راه حل سرمایه در حل بحرانهای سرمایه داری و عملکرد دائمی این نظام در عین حال نشان دهنده موقعیت اسارت آور انسان در این نظام است. قربانیان این نظام و بحران های سرمایه داری، کارگران و مردم زحمتکش هستند. این گوشه ای از یک حقیقت عام و پایه ای در این نظام است. در جامعه سرمایه داری انسان اسیر قوانین کور اقتصادی است. در این نظام انسان از تمامی خصوصیات و ویژگی ها و مشخصات فردی و انسانی جدا شده و صرفا به ابزار و محملی برای تولید و سود آوری سرمایه تبدیل میشود. در این نظام انسانها بر مبنای موقعیت طبقاتی و اقتصادی تقسیم و دسته بندی میشوند. در این نظام اکثریت عظیم مردم، تولید کنندگان ثروت اجتماعی، از محصولات تولید شده محروم و بی بهره اند. در این نظام کارگران تا زمانیکه کارشان سودی برای سرمایه تولید میکند، به کار گرفته میشوند، در غیر این صورت مانند ابزار و ماشین به گوشه ای پرتاب شده، بیکار و بی خانمان میشوند.

نباید اجازه داد که بار بحران سرمایه داری را بر دوش توده های مردم خراب کنند. نباید اجازه داد ریاضت کشی اقتصادی، حذف بیمه ها و خدمات اجتماعی را مجرای حل بحران اقتصادی کنند. نباید اجازه داد با به تعطیلی کشیده شدن کارخانجات و واحدهای تولیدی کارگران را خانه خراب و بی خانمان کنند. باید با تمام قوا برای بیمه بیکاری، خدمات اجتماعی، بیمه درمانی رایگان، برای

بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری پیرامون

بحران جهان سرمایه داری و خطوط عمده وظایف ما...

تغییر توازن قوای سیاسی و حوزه های تحت نفوذ در سطح جهانی و تشدید رقابت دول و بلوکهای عظیم سرمایه داری جهانی است. تغییری موقعیت "ابر قدرتی" آمریکا در سطح جهان، گسترش تقلا و پر و بال یافتن سایر بلوکهای جهانی، گسترش دامنه و جنگ تروریستها، از عواقب اجتناب ناپذیر این بحران است. افت وزن اقتصادی سرمایه داری آمریکا در سطح جهان در نتیجه منجر به افول و کاهش موقعیت سیاسی آمریکا در سطح جهان خواهد شد. بحران اقتصادی جهان سرمایه داری در عین حال دورنمایی سیاه تر و تاریک تری را در غیاب دخالت گسترده کمونیسم و طبقه کارگر در مقابل بشریت قرار میدهد.

۶- تاریخ یکبار دیگر حقانیت مارکس و روایت منصور حکمت از نقد نظام اقتصادی و عملکرد نهادها و دولتهای سرمایه داری را نشان داده است. مارکس بار دیگر به جلوی صحنه آمده است. مردم جستجوگر بعضا پاسخ خود را در نقد مارکس از نظام سرمایه داری موجود پیدا میکنند. واقعیات امروز بیش از هر زمان دیگری بر صحت حقانیت تبیین و انتقاد مارکسیستی از این جامعه تاکید میکند. اکنون بیش از هر زمان دیگری روشن شده است که دولت ابزار چه کار و چه طبقه ای است. تردیدی نیست که در مرکز جدال و کشمکش جامعه، جدال دائمی میان کارگر و سرمایه دار، مزدبگیر و مزد بده قرار دارد.

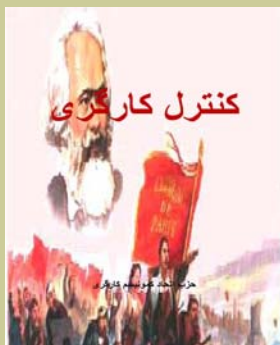
از طرف دیگر دوران تعرض مارکسیستی و کمونیستی کارگر در سطح جهانی به نظام سرمایه داری فرا رسیده است. کمونیسم کارگری میتواند و باید در قامتی اجتماعی و بدون تخفیف پا به میدان اصلی نبرد سیاسی و طبقاتی جاری بگذارد. دوران رونق بازار و راه حل های سرمایه داری عملا به پایان رسیده است. ایدئولوژی های رنگارنگ بورژوازی نه تنها در حال تعرض نیستند، بلکه عملا در محاق قرار دارند. نه تنها هجوم سیاسی و ایدئولوژیکی بورژوازی به مارکسیسم و سوسیالیسم شکست خورده و به پایان رسیده است، بلکه شاهد عقب نشینی و افول مقبولیت الگوها و راه حل های بورژوازی در اذهان توده های مردم هستیم. فضا برای مارکسیسم و کمونیسم کارگری مناسب تر از همیشه است. امروز مساله شکل دادن به یک کمونیسم کارگری و عمیقاً مارکسیستی در سطح جهانی یک ضرورت حیاتی است.

۷- جهان بیش از هر زمان نیازمند راه حل دیگری است. یک راه حل سوسیالیستی. باید توده های وسیع کارگر را مورد خطاب قرار داد. امروز بیش از هر زمان دیگری میتوان نشان داد که این ادعا که نظام سرمایه داری بهترین نظام اقتصادی است، بزرگترین دروغ تاریخ کنونی است. میتوان نشان داد که نظام دیگری ممکن است. نظامی که در آن، هدف فعالیت اقتصادی نه تولید برای سود و انباشت سرمایه بلکه رفع نیازمندیهای گسترده مردم و رفاه هر چه بیشتر همه انسانها است. چنین نظامی نه تنها مطلوب است بلکه تمام شرایط شکل گیری آن در حال حاضر ممکن است. روند کنونی اوضاع حاکی از باز شدن فضا برای عروج کمونیسم کارگری در مرکز صحنه سیاست، بویژه در کشورهای پیشرفته صنعتی است. یک شرط اساسی پیشروی ایجاد احزاب کمونیسم کارگری در جدال بر سر آینده است.

جنبش کمونیسم کارگری در پس این اوضاع میتواند و باید با نقد عمیق مارکسیستی به جامعه سرمایه داری و سازماندهی مبارزه طبقاتی در هر کشور، پرچم وحدت و اتحاد منافع مشترک کارگران را در سراسر جهان برافرازد و در تمامی جبهه های مختلف مبارزه طبقه کارگر و توده های مردم زحمتکش مصالح عمومی این جنبش را نمایندگی کند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۸ اکتبر ۲۰۰۸ - ۷ آبان ۱۳۸۷



کتاب کنترل کارگری

را از سایت حزب دریافت و توزیع کنید!

علیه گرانی و فقر! وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر

۱- گسترش فقر و فلاکت، گرسنگی و سوتغذیه، گرانی سرسام آور و ناتوانی اکثر مزدبگیران جامعه از تامین نیازهای پایه ای خویش، گسترش بیکار سازیها و اخراج گسترده کارگران، افزایش کار قراردادی و سفید امضا، گسترش وسیع شرکتهای پیمانی که کمترین دستمزدها را به کارگر میپردازند، فقدان سیستم رفاه اجتماعی و عدم دسترسی مکی به بهداشت و درمان و آموزش و مسکن، جامعه را در آستانه یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی قرار داده است. در شرایطی که فقر و گرانی کمر مردم را خرد کرده است، و مردمی ناراضی و منزجر هر روز بیشتر قربانی این اوضاع میشوند، شورش گرسنگان علیه وضع موجود یک چشم اندازی واقعی است. وظیفه فوری جنبش کمونیستی کارگران، سازماندهی این پتانسیل اعتراضی طبقه کارگر و مردم زحمتکش و تبدیل آن به جنبشی خودآگاه و انقلابی علیه سرمایه داری و نظام اسلامی حاکم است.

۲- با تشدید گرانی و گسترش فقر و بروز پیامدها و مصائب اجتماعی ناشی از آن، جناح های مختلف بورژوازی تلاش میکنند یکدیگر را مسبب این اوضاع فاجعه بار قلمداد کنند. تز مقابله با "مافیای اقتصادی"، نقد به "واردات بی رویه"، سیاست "حمایت از تولیدات داخلی" و کلا دیدگاههای ناسیونالیستی و پروتکشنیستی، نه نسخه ای برای درمان این اوضاع بلکه تلاشی آگاهانه برای خارج کردن مسبب واقعی این وضعیت، یعنی نظام سرمایه داری و کل حکومت مرتجع اسلامی از تیررس تعرض و اعتراض کارگران و مردم گرسنه است. در عین حال طرح این سیاستها تلاشی برای پاسخگویی به فشار پائینی ها از جانب بالائی ها است که به سهم خود به جدال درون حکومتی برسر کنترل اوضاع و نفس بقای حکومت دامن میزند. جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند این اوضاع را تخفیف دهد. تحمیل فقر و فلاکت یک سیاست رژیم اسلامی برای بزانو درآوردن کارگران و مردم زحمتکش است.

۳- نه فقط جمهوری اسلامی، بلکه دیگر نیروهای بورژوازی اپوزیسیون نیز راه حلی ریشه ای برای نابودی فقر ندارند. اپوزیسیون پرو غرب نه تنها وعده بهبود این اوضاع را نمیدهد، بلکه چند نسل از کارگران را به جان کندن برای بازسازی سرمایه داری و "خرابیهای ناشی از عملکرد حکومت اسلامی" فرا میخواند. جریانات ملی-اسلامی اپوزیسیون مسئله فقر و گرانی را ابزاری در خدمت جنگ جناحی می بینند و عموماً سیاستهای ناسیونالیستی را مطرح میکنند. برخی از جریانات "چپ رایکال" یا گسترش فقر را ابزاری در خدمت شورش و عصیان مردم علیه رژیم تلقی میکنند یا با طرح سیاستهای آنارکوپاسیفیستی از سازماندهی توده ای و کارگری علیه فقر طفره میروند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری مبارزه علیه فقر و فلاکت و گرانی را مبارزه ای حیاتی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی و جزئی از مبارزه بیوقفه برای بهبود دائمی معیشت طبقه کارگر و مردم میدانند. بدرجه ای که طبقه کارگر و جنبشهای اعتراضی

۴- حزب اتحاد کمونیسم کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، نظام سرمایه داری را مسبب مستقیم فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و گرسنگی و مصائب اجتماعی ناشی از آن میدانند. رژیم اسلامی، حکومت مشتی کانگستر سیاسی- نظامی و باندهای اقتصادی مافیائی است که بر تمام امکانات جامعه چنگ انداخته اند. مساله این نیست که گویا "مافیای اقتصادی" نمیگذارد دولت کارش را بکند و نتیجتاً این وضعیت پیش آمده است. این حکومت مافیایی سرمایه و اسلام در ایران است. سران رژیم اسلامی خود از بزرگترین سران مافیای اقتصادی در ایران هستند. کارگران و مردم گرسنه در این جدال نباید به دنبالچه کشمکش و رقابت بخشهای مختلف سرمایه تبدیل شوند. کمونیسم و طبقه کارگر بر استقلال طبقاتی اش از سرمایه و جناحهای دولتی و غیر دولتی بورژوازی، بر جنبش و راه حل مستقل اش، و بر مطالبات و نیازهای فوری خود و اکثریت عظیم مردم در مقابله با این اوضاع تاکید میکند. مبارزه علیه فقر، در عین حال که مبارزه ای برای رفع نیازهای فوری کارگران و مردم است، در عین حال جبهه مهمی از مبارزه علیه حکومت و قدرت سیاسی و اقتصادی سرمایه در ایران است. این دوره ای است که بیش از هر زمان کارگر و اعتراض و مطالبات کارگری جایگاه مهمتری در سیاست و نگرش و سمتگیری سیاسی توده مردم مخالف رژیم اسلامی پیدا میکند.

۵- مبارزه و اعتراض علیه این شرایط دهشتناک یک واقعیت انکار ناپذیر است. اعتراض و شورش علیه وضعیت موجود یکی از اشکال محتمل اعتراض در چنین وضعیتی است. اما در این شرایط مخاطراتی مبارزات طبقه کارگر و جنبش آزادی و برابری و رفاه را تهدید میکند که کمونیسم و کارگران پیشرو و سوسیالیست باید آنها را بشناسند و راه حل واقعی و عملی در مقابل آن ارائه دهند. واقعیت اینست که شورش علیه فقر و گرسنگی، بدون سازمان و بدون رهبری و بدون تشکل و آمادگی و افق روشن سیاسی در مقیاس سراسری، به تحرک و اعتراضی کور تبدیل میشود. نتیجه چنین وضعیتی، علیرغم حقانیتی که دارد، سرکوب و شکست است. ارکان سیاست و تاکتیک حزب در مواجهه با این اوضاع، متشکل کردن توده طبقه کارگر و مردم گرسنه علیه فقر و فلاکت، ترسیم افق و سازمان و رهبری، بعنوان سه رکن مهم تضمین پیشروی و پیروزی است. تبدیل شورش کور به شورش آگاهانه و سازماندهی اعتراض علیه وضعیت موجود درگرو تامین این سه رکن اساسی است.

۶- کمونیسم و طبقه کارگر باید در راس مبارزه علیه فقر و گرسنگی و وضعیت فلاکتبار اقتصادی قرار

علیه گرانی و فقر! وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر ...

جنگ داخلی در فلسطین و راه حل ما

وضعیت مردم فلسطین مایه شرمساری جامعه بشری است. سرکوب، تحقیر، بمباران دائم و وحشیانه توسط دولت نژاد پرست اسرائیل، اعمال تحریم اقتصادی، گرو گرفتن زندگی مردم و گرسنگی دادن به گوشه ثابتی از زندگی مردم فلسطین تبدیل شده است. به این سرنوشت دهشتناک و محرومیت تاریخی مردم فلسطین اکنون جنگ داخلی و فرقه ای دستجات تروریستی اسلامی و ناسیونالیستی نیز اضافه شده است. تاکنون صدها تن قربانی جنگ قدرت حماس و الفتح شده اند. جامعه عملا در یک سناریوی سیاه فرو رفته و شیرازه جامعه از هم پاشیده شده است. یک پی آمد این جنگ فرقه ای تقسیم سرزمینهای فلسطینی به مناطق تحت کنترل و نفوذ دستجات تروریست اسلامیستی و جریانات مرجع ناسیونالیستی است. نوار غزه در کنترل حماس و ساحل غربی تحت حاکمیت الفتح قرار گرفته است. مردم از هر زمان بی حقوق تر و بیشتر در اسارت تشبثات دولت اسرائیل و جریانات اسلامیست و ناسیونالیست قرار گرفته اند. تردیدی نیست که ادامه این وضعیت به تشدید دامنه جنگ دستجات مسلح موجود و گسترش بمباران دولت اسرائیل منجر خواهد شد. ما عمیقا در درد و اندوه و لطمات انسانی مردم محروم فلسطین شریکیم.

بر خلاف تفسیرهای رسانه های مرجع دول غربی وضعیت حاضر نشان هیچ درجه پیشرفت و گشایش در دستیابی به صلح و یا خلاصی این مردم از سرکوبگری اسرائیل، خلاصی از شر اسلامیستها و ارتجاع ناسیونالیستی نیست. تهدید دولت ارتجاعی اسرائیل به بمباران گسترده تر نوار غزه به بهانه مقابله با اسلامیستها، تشدید جنگ میان حماس و الفتح، تنها منجر به گسترش زخمهای موجود بر پیکر این مردم خواهد شد.

جنگ و وضعیت کنونی اقدامی بی مقدمه در تاریخ زندگی مردم این منطقه نیست. مسبب چنین وضعیتی تاریخا و در درجه اول دولت اسرائیل و سایر دولتهای مدافع سرکوب و کشتار و تحریم مردم فلسطین هستند. اما این جنگ در حال حاضر دارای سه طرف است. در یک طرف یکی از بزرگترین ماشینهای کشتار و آدمکشی جهان معاصر قرار دارد. دولت اسرائیل یک رکن ثابت جنگ و آدمکشی در منطقه است. جریانات راست و مذهبی در اسرائیل عامل مهمی در به شکست کشاندن هرگونه طرح صلحی در خاورمیانه هستند. در سوی دیگر حماس و جهاد اسلامی و جنبش تروریستی اسلام سیاسی قرار دارند. این جریانات مورد حمایت گسترده جمهوری اسلامی و سوریه هستند. اسلام سیاسی از سرکوب و ستم تاریخی اسرائیل و دولتهای غربی علیه مردم عرب زبان و بطور مشخص علیه مردم فلسطین تغذیه میکند. یک عامل گسترش نفوذ این جنبش ارتجاعی، سرکوب و کشتار مستمر مردم فلسطین توسط اسرائیل و لاینحل ماندن

گیرند. در این مبارزه یک هدف استراتژیک ما خارج کردن کنترل پروسه تولید و توزیع کالاها و اقلام مورد نیاز پایه ای مردم از مکانیزم و تسلط بازار است. دسترسی و برخورداری از غذا و آموزش و بهداشت و سلامتی، نه یک امتیاز ویژه طبقات دارا، بلکه حق پایه ای همگان و هدف عمومی ما در این مبارزه است. هر انسانی به محض چشم گشودن به این جهان باید از تمامی نیازهای انسانی برخوردار شود. از اینرو مبارزه برای وادار کردن دولت سرمایه به دادن سوبسید به اقلام مورد نیاز زندگی مردم و تامین بیمه های اجتماعی رکن دیگر سیاست ماست. ایجاد سازمانهای توده ای علیه فقر، برگزاری مجامع عمومی کارگری در مراکز مهم تولید مواد غذایی و نیازهای مردم، برگزاری مجامع عمومی در محلات کارگری و فقر زده، سازمان دادن ایجاد شبکه های متنوع علیه گرسنگی و فقر، شرط اساسی پیشبرد چنین استراتژی و سیاستی است. باید در هر گوشه جامعه پرچمی علیه فقر و فلاکت اقتصادی برافراشت.

۷- حزب اتحاد کمونیسم کارگری توجه پیشروان طبقه کارگر، رهبران سوسیالیست و کمونیست طبقه، فعالین اردوی آزادی و برابری و رفاه را به این اوضاع خطیر جلب میکند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به متشکل شدن و مقابله با موج فقر و فلاکت و گرانی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی فرامیخواند!

مصوب پلنوم سوم حزب به اتفاق آراء،
ژوئن ۲۰۰۸

... مبارزه علیه فقر، در عین حال که مبارزه ای برای رفع نیازهای فوری کارگران و مردم است، در عین حال جبهه مهمی از مبارزه علیه حکومت و قدرت سیاسی و اقتصادی سرمایه در ایران است. این دوره ای است که بیش از هر زمان کارگر و اعتراض و مطالبات کارگری جایگاه مهمتری در سیاست و نگرش و سمتگیری سیاسی توده مردم مخالف رژیم اسلامی پیدا میکند.

جنگ داخلی در فلسطین و راه حل ما...

مسئله فلسطین است. جنبش اسلام سیاسی از زخم مسئله فلسطین برای خود سرمایه سیاسی میسازد و بقای خود را در باز نگهداشتن این زخم دیرینه و تداوم خصومت و جنگ در منطقه دنبال میکند. این هیولای اسلامی محصول مستقیم آمریکا و دولتهای غربی است که اکنون در یک جنگ تروریستی به جان مردم منطقه و جهان افتاده است. و بالاخره در سوی دیگر جریانات مرتجع و فاسد ناسیونالیست فلسطینی قرار دارند که مورد حمایت گسترده شیوخ مرتجع و دولتهای ناسیونالیستی عرب قرار دارند. وجود مسأله فلسطین عاملی برای سو استفاده ارتجاعی این جریانات برای بهره برداری از موقعیت مردم محروم در فلسطین و خاورمیانه است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری معتقد است که صلح در فلسطین بدون به چپ چرخیدن هردو جامعه در اسرائیل و در فلسطین مقدور نیست. سکولاریسم، عدالت طلبی و انساندوستی در هر دو سوی این کشمکش باید بر قوم پرستی و مذهب چیره شود، تا صلحی پایدار ممکن گردد. مسأله فلسطین راه حل نظامی ندارد. ارباب بر نمیدارد. در نتیجه نهایتاً تا نگرش دو جامعه نسبت به هم و صف بندی سیاسی میان چپ و راست در درون هردو تغییر نکند، مسأله بجای خودش باقی میماند. همین امروز بخش وسیعی از مردم در فلسطین و اسرائیل خواهان پایان دادن به این جنگ و کشتار نفرت انگیز هستند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای یک صلح پایدار و حل ریشه ای مسأله تلاش میکند. در عین حال ما مخالفتی با هر پروسه صلح که به درجه ای جنگ، تحریم اقتصادی، فلاکت و بلاتکلیفی مردم را تخفیف دهد، نداریم. ما معتقدیم بمنظور پایان دادن فوری به جنگ فرقه ای و کشتار مردم و اجتناب از سوء استفاده دولت اسرائیل برای تداوم بمباران مردم محروم فلسطین به بهانه مقابله با حماس، میتوان و باید با استقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در منطقه جلوی سرکوبگری و بمباران و تحریم اقتصادی دولت اسرائیل و همچنین جنگ دستجات تروریستی اسلامی و جریانات ارتجاعی ناسیونالیستی را گرفت و از تشدید وخامت اوضاع کاست.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری عمیقاً بر این باور است که پایان دادن به جنگ و تروریسم و کینه توزی فرقه ای کار بشریت متمدن است. کار جنبشی است که برای برابری حقوق و حرمت انسانها و به کرسی نشاندن آنها تلاش میکند. تروریسم دولتی را با بزیر کشیدن دولتهای تروریست باید خاتمه داد. تروریسم غیر دولتی را باید با پایان دادن به مشقات و تبعیضات و استثمار و اختناق که انسانها را به استیصال سوق میدهد و قربانی جریانات و سازمانهای مرتجع ضد بشری میکند، از بین برد. باید قویا یک سیاست تعرضی علیه مذهب، قوم پرستی، نژاد پرستی در دستور قرار داد. پاسخ ما مبارزه برای ایجاد جوامع باز و آزاد و برابر و مرفه و انسانی و سکولار است که در آن آدمیزاد و جان و حرمت و آسایش اش هدف اساسی است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری و احزابی نظیر ما باید با هر سه سوی این جنگ و آدمکشی مقابله کنند. ما نمیخواهیم مردم زیر حاکمیت اسرائیل دست به موشک زدگی کنند، ما نمیخواهیم اسلام سیاسی و حکومتهای اسلامی را در خاورمیانه تحمل کنیم، ما به بی کشوری مردم فلسطین و سرکوب هرروزه شان رضایت نمیدهیم. ما از تروریسم چه اسلامی و انتحاری و چه ارتشی و پاگونی

وضعیت حاضر خطیر و بغرنج است. دولت اسرائیل و متحدانش از برسمیت شناسی کشور مستقل فلسطینی لجوجانه سرباز میزنند. تمامی طرحهای نیم بند صلح به شکست کشیده شده اند. مردم یا تحت بمباران قرار دارند، یا زیر فشار محاصره و تحریم اقتصادی اند، و یا قربانی بیدفاع جنگ باندهای سیاسی و نظامی اند. وضعیت حاضر میتواند در صورت عدم دخالت فعال بشریت متمدن رو به وخامت بیشتر رود. به این وضعیت سیاه باید فوراً پایان داد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری معتقد است اگر آینده ای برای این مردم وجود داشته باشد، در گرو عروج یک خط مشی فعال، آزادیخواهانه و پیشرو و سوسیالیستی است. باید به نیروی مردم به تروریسم و جنگ، اعم از دولتی و غیر دولتی، اسلامی و ناسیونالیستی، فوراً خاتمه داد. فراخوان ما به مردم اینست که به میدان بیایند و سرنوشت خود را مستقل از دولتهای حاکم و جریانات ارتجاعی اسلامی و ناسیونالیستی و مذهبی در دست بگیرند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری معتقد است که میانی یک جنبش مردمی در برابر چنین اوضاعی نمیتواند دعوت به آرامش و حفظ وضع موجود و نتیجتاً بقای حاکمیت دستجات مرتجع بر سرنوشت مردم باشد. چنین وضعیتی نه فقط عملی نیست، بلکه عادلانه نیست، آزادیخواهانه نیست، کارساز نیست. جنبش مقاومت مردمی در برابر جنگ و تروریسم فقط میتواند حول پاسخهای اثباتی برای معضلات سیاسی و تاریخی گرهی این منطقه و با اتخاذ یک موضع فعال نه برای حفظ وضع موجود بلکه برای تغییر ریشه ای این اوضاع سازمان یابد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری معتقد است حل مسأله فلسطین و تشکیل کشور برابر و متساوی الحقوق فلسطینی یک رکن اصلی حل مسائل بغرنج خاورمیانه است. این معضل تاریخی باید سریعاً حل شود. مردم فلسطین باید کشور مستقل خود را داشته باشند. باید آمریکا و دولتهای غربی را ناگزیر کرد از حمایت یکجانبه خود از اسرائیل دست بردارند. باید اسرائیل را وادار کنند صلح و

قطعه نامه درباره مساله فلسطین

فلسطین و خلاصی از ستم و تحقیر و بیحقوقی، در گرو تحقق آزادی و برابری و رفاه و استقرار سوسیالیسم است. اما در فقدان این شرایط راه حل فوری حزب کمونیست کارگری ایران برای مساله فلسطین به قرار زیر است:

۱- تشکیل کشور مستقل فلسطین در کنار کشور اسرائیل گام اول حل قطعی مساله فلسطین است. دولت فلسطین میباید نظیر هر دولت دیگری در سطح بین‌المللی از کلیه حقوق متعارف یک دولت برخوردار باشد. طرحهای تاکتونی با محروم کردن دولت فلسطین از حق کنترل مرزها، کنترل هوایی، ذخائر آبی، ... و قطعه قطعه کردن سرزمینهای فلسطینی عملاً طرحهایی برای تحمیل دائم کولونیالیسم (بانتوستان) بر حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این مردم بوده است.

۲- حل مشکل چهار میلیون آواره و پناهنده فلسطینی در اقصی نقاط جهان جزء لاینفک حل مساله فلسطین است. برسمیت شناختن حق تابعیت و شهروندی این مردم در کشورهای کنونی محل سکونتشان، جبران خسارت ناشی از اخراج و آوارگی، و برداشتن مانع بازگشت، اجزاء راه حل مساله آوارگان فلسطینی است. گزینش هر کدام از این راه حل ها به انتخاب خود این مردم است.

۳- یک مانع جدی در راه حل مساله فلسطین، سیاست ایجاد شهرکهای یهودی نشین در سرزمینهای فلسطینی توسط دولت اسرائیل است. این سیاست باید سریعاً متوقف گردد. در عین حال تشکیل کشور فلسطین مستلزم اعمال حاکمیت این دولت بر تمامی سرزمینهای فلسطینی و از جمله این شهرکها است.

۴- در شرایط فعلی بخشی از سرزمینهای فلسطینی همچنان تحت اشغال دولت اسرائیل هستند و این دولت با تداوم سیاست اشغال و اشغال مجدد، مردم فلسطین را تروریزه و بطور دسته جمعی مجازات میکند. از طرف دیگر گروههای تروریست اسلامی با عملیات انتحاری خود امنیت و آسایش مردم غیرنظامی اسرائیل را از بین برده اند. حل این معضل قبل از هرچیز مستلزم خروج فوری نیروهای اسرائیل از مناطق اشغالی و بازگشت به مرزهای قبل از سال ۱۹۶۷ و همچنین مستلزم استقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در منطقه است.

۵- صلح خواست انکار ناپذیر مردم اسرائیل و فلسطین است. صلح واقعی و پایدار در منطقه فقط میتواند صلحی مبتنی بر آزادیخواهی، انترناسیونالیسم، انساندوستی و برابری طلبی باشد. اما پروژه‌های جاری صلح نیز تا آنجا که به کاهش مشقات مردم فلسطین، قطع کشتار مردم غیرنظامی در دو طرف، و ایجاد کشور مستقل فلسطین کمک کند باید به سرانجام برسد.

۶- دولت آمریکا در راس یک قطب بین‌المللی تروریسم در کنار دولت تروریست و اشغالگر اسرائیل، حامی بی قید و شرط و تامین کننده منابع مالی و تسلیحاتی آن دولت

مساله فلسطین مشقت بارترین مساله ملی جهان امروز است. بیش از نیم قرن است که ابتدائی ترین حقوق مردم فلسطین، از حق حیات و سکونت تا برخورداری از ضروریات زندگی مدنی و متعارف امروزی، به خشن ترین شیوه توسط دولت اسرائیل پایمال شده است. بخش اعظم این مردم، بر اثر اشغال مناطق، کشتار جمعی، قهر و تروریسم دولتی از محل سکونت خود بیرون رانده شده و بخش دیگر تحت شرایط مادی انسانی به اسارت کشیده شده اند.

مردم فلسطین تاریخا قربانی بهره برداری شوونیستی دولت اسرائیل از ستم تاریخی بر مردم یهود شده اند. مساله یهود یک معضل قدیمی جهان است. یهودستیزی، اذیت و آزار و کشتار جمعی یهودیان، شرم آورترین صفحات تاریخ ستمگری حکومت ها بوده است. اوج این توحش آنتی-سمیتیستی، قلع و قمع یهودیان توسط نازیسم آلمان در سالهای جنگ جهانی دوم بود. دولت اسرائیل این ستم تاریخی بر مردم یهود را مبنا و دستاویز ستم بر مردم فلسطین قرار داده است.

سرنوشت مردم فلسطین در نیم قرن گذشته از هر دو سو دستخوش جدال قدرت و جنگ دولتها، احزاب و گروههای ناسیونالیست و قوم پرست و مذهبی بوده است: در یکسو دولت اسرائیل که سیاستهای علیه مردم فلسطین، مورد حمایت دائم دولتهای غربی بویژه آمریکا بوده است؛ و در سوی دیگر دولتهای مترجع و مستبد عرب و جریانات ناسیونالیستی و اسلامی، که از بیحقوقی مردم فلسطین برای اشاعه نفرت و دشمنی قومی و مذهبی، گسترش یهودستیزی و تحمیل حاکمیت و تثبیت موقعیت خود در جدال قدرت در منطقه بهره برداری کرده اند. ارتجاع حاکم در کشورهای عرب در عین حال همواره یک رکن بیحقوقی مردم آواره فلسطین و نسلهای بعدی آنها بوده است. در نتیجه این جدال قدرتها، مساله فلسطین به یک بحران مزمن و دامنه دار منطقه ای مبدل شده و همواره از جانب ناسیونالیسم عرب، دولت های ارتجاعی منطقه و اسلام سیاسی مورد بهره برداری ارتجاعی قرار گرفته است. حل اصولی و قطعی رهائی مردم

جنگ داخلی در فلسطین و راه حل ما ...

ببازاریم، ما این فقر و بی حقوقی گسترده در منطقه را نمیخواهیم. راه حل ریشه ای در دخالت گسترده بشریت متمدن است. باید بشریت نوعدوست و آزادیخواه را علیه کل این اوضاع به میدان بکشیم. این سیاست تنها راه تحفیف مشقات مردم فلسطین و حل مسئله فلسطین است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۸ ژوئن ۲۰۰۷ - ۲۸ خرداد ۱۳۸۶

بیانیه دفتر سیاسی

چگونه میتوان تروریسم اسلامی را نابود کرد؟

خود زمینه ساز و حلقه ای در گسترش عملیات تروریستی است. خود يك نمونه زنده عملیات تروریسم دولتی است.

آنچه که هیات حاکمه آمریکا به آن "جنگ جهانی علیه تروریسم" نام نهاده است، جنگی علیه تروریسم اسلامی نیست. چرا که به هیچیک از مبانی پایه ای در مبارزه با تروریسم اسلامی متکی نیست. برعکس خود بر بخشی از جریان اسلام سیاسی متکی است. اقدامی تروریستی و به همان اندازه دهشتناک است که ثمره ای جز خانه خرابی و ناامنی و محرومیت بدنبال نداشته است. بمباران افغانستان و عراق توسط آمریکا جنگی علیه تروریسم اسلامی نیست. اقدامی تروریستی و تبهکارانه در قطب دیگر تروریسم جهانی است. گوشه ای از سیاست ارتجاعی نظم نوین آمریکاست. تجاوزگری، قلدری نظامی و بند و بست با جریانات قومی و مذهبی از ارکان نظم نوین جهانی آمریکا هستند. این جنگ و لشکر کشی ها نه تنها ذره ای امنیت برای ساکنین اروپا و جوامع غربی بدنبال نداشته است بلکه بر عکس باعث گسترش عملیات تروریستی در سطح جهان شده است. هدف هیات حاکمه آمریکا از این جنگ ها نه نابودی تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی بلکه تحکیم موقعیت و سلطه سیاسی و نظامی خود بر جهان به عنوان تنها ابرقدرت است.

در سیاست نظم نوینی آمریکا نه تنها دولتهای اسلامی جایگاه ویژه ای دارند، بلکه متکی شدن و یا شکل دادن به دولتهای اسلامی و قومی يك رکن سیاست کنونی آن در خاورمیانه است. در این سیاست نه تنها دولتهای اسلامی میتوانند سر کار باشند، بلکه حتی تروریسم اسلامی تا زمانیکه متوجه غرب و متحدین غرب نباشد، مجاز است. مقابله همه جانبه با سیاستهای تجاوزگرانه و قلدری نظامی و سیاسی آمریکا يك رکن تعیین کننده نابودی تروریسم اسلامی است. در عین حال باید در مقابل هر گونه تلاش دول غربی در محدود کردن آزادیهای سیاسی و مدنی مردم و گسترش حاکمیت پلیسی به بهانه مقابله با تروریسم اسلامی، ایستاد.

تروریسم اسلامی: رکن استراتژیک اسلام سیاسی

برای ریشه کن کردن تروریسم اسلامی باید به سراغ اسلام سیاسی، دولتهای اسلامی، جنبشها و سازمانهای اسلامی و دولتهای حامی این جریانات در سطح بین المللی رفت. برای پایان دادن به تروریسم دولتی باید دولتهای تروریست را بزیر کشید و سرنگون کرد. هم اکنون مردم در ایران در جدال برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند. سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش اسلام سیاسی و جریانات اسلامی را بدون افق و چشم انداز خواهد کرد و نیروی عظیمی را برای برچیدن اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در کل خاورمیانه به حرکت در خواهد آورد.

برای پایان دادن به تروریسم غیر دولتی باید جلوی حمایت مادی و معنوی دولتهای غربی از جریانات اسلامی

موج عملیات تروریستی اسلامی جهان را در بر گرفته است. هر روز بمبی در گوشه ای از جهان تعدادی را به خاک و خون میکشد. از عراق و فلسطین و تل آویو و مصر و پاکستان و خاورمیانه گرفته تا نیویورک و بالی و مسکو و مادرید و لندن همه جا به صحنه عملیات کور تروریستی تبدیل شده است. تروریسم اسلامی دارد هر روز در گوشه ای از جهان فاجعه می آفریند.

قربانیان این عملیات تروریستی عادی ترین مردم هستند. عابر و توریست بیخبر، وکودک و جوان و پیر را در خیابان، در اتوبوس، در مترو، در رستوران، در دیسکو ویا در ساحل دریا، با بمب و گلوله به خاک و خون میکشند. کودکان معصوم را در صف مدرسه به گروگان میگیرند و به قتل میرسانند.

عامل این عملیات جنایتکارانه جنبش اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی است که زندگی و مدنیت مردم را به گروگان گرفته است. پرونده و کارنامه تروریسم اسلامی و جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی در نسل کشی و قتل عام و سربریدن و اعدام و سنگسار و جنایت شرعی عیان و غیر و قابل انکار جلوی چشم مردم جهان قرار دارد.

باید به این وضعیت خاتمه داد. تروریسم اکنون يك تهدید و خطر جدی علیه مدنیت و زندگی بشر و آزادیخواهی است. برای يك آینده انسانی باید بساط تروریسم را برچید. جهان را میتوان و باید از دست بمب گذارها و تروریستها خارج کرد.

برای نابودی تروریسم اسلامی باید دست به ریشه برد. "راه حل های" موجود دول غربی بارها شکست خود را اثبات کرده است. لشکر کشی و عملیات نظامی گسترده نه تنها پاسخ نیست، نه تنها عاملی در محدود کردن دامنه تروریسم اسلامی نبوده است، بلکه

قطعنامه درباره مساله فلسطین ...

است. یک محور تلاش برای حل مساله فلسطین اعمال فشار جهانی بر دولت آمریکا برای قطع حمایت از تجاوزگری دولت اسرائیل است.

حل مساله فلسطین یک رکن مهم مقابله با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در منطقه است. حل مساله ملی فلسطین راه را برای عمل مستقیم توده های کارگر و زحمتکش در فلسطین و اسرائیل و جنبشهای سیاسی و آزادیخواهانه هموار میکند. ما بار دیگر تاکید میکنیم که آزادی و رفاه و برابری در منطقه تنها با انقلاب اجتماعی و خاتمه دادن به اسارت طبقاتی بدست خواهد آمد.

بیانیه دفتر سیاسی

چگونه میتوان تروریسم اسلامی را نابود کرد ...

حقوق شناخته شده بین المللی برسمیت بشناسد. باید دول غربی را تحت فشار قرار داد تا به حمایت بی قید و شرط خود از سیاستهای ارتجاعی و تجاوزگرانه دولت اسرائیل خاتمه دهند. تشکیل کشور فلسطینی و برقرار صلح پایدار در خاورمیانه رکن اساسی و یک پایه ریشه کن کردن تروریسم اسلامی در سطح جهان است.

پایان فوری اشغال نظامی عراق

لشکر کثی نظامی و اشغال عراق خود يك نمونه زنده عملیات تروریسم دولتی توسط آمریکا و بریتانیا و متحدانشان است. مباران و اشغال عراق نه تنها موجب تخفیف عملیات تروریستی و یا کم کردن مشقات مردم نشد، بلکه باعث از هم پاشیدگی شیرازه جامعه، از بین رفتن امنیت مدنی و اجتماعی و اقتصادی، و باعث گسترش بیسابقه عملیات تروریستی شده است. عراق اکنون به کعبه و پایگاه اصلی تروریسم اسلامی تبدیل شده است. هر روز در گوشه ای تروریسم اسلامی با عملیات انتحاری گروهی را به هلاکت میرساند. مشقاتی که اکنون مردم عراق به علت مصائب ناشی از اشغال نظامی و تحرك گسترده اسلام سیاسی متحمل میشوند، تاثیر جانگدازی بر زندگی و روحیات نسلها بجا خواهد گذاشت. به اشغال نظامی عراق باید پایان داد. يك رکن مهم ریشه کردن تروریسم اسلامی پایان دادن فوری به اشغال نظامی عراق و تخفیف مشقاتی است که مردم عراق اکنون به آن دچار شده اند.

پایان دادن به حمایت غرب از دولتها و احزاب اسلامی

بدون حمایت دول غربی رژیم اسلامی در ایران به سر کار نمی آمد و بدون حمایت این دولتها قادر به بقا نخواهد بود. بدون حمایت دول غربی نظامهای برده داری و شیوخ مختلف در عربستان سعودی و امیر نشینان حاشیه خلیج قادر به بقا نخواهند بود. بدون حمایت غرب دولتهای کشورهای مسلمان نشین قادر نمیشدند قوانین اسلامی را به يك رکن سیاه زندگی مردم تبدیل کنند. بدون حمایت غرب جریانات اسلامی و طالبان در افغانستان قدرت نمیگرفتند. بدون حمایت غرب جریانات اسلامی در عراق به نیرویی اصلی در قدرت سیاسی تبدیل نمیشدند. بدون حمایت سیاسی، نظامی و دیپلماتیک غرب از دولتهای اسلامی مردم این منطقه بسرعت این دولتها را بزیر خواهند کشید. برای پایان دادن به تروریسم دولتی باید این دولتها را بزیر کشید. باید جلوی بند و بست و حمایت دول غربی از دولتها و جریانات و احزاب اسلامی را در هر شکل آن، چه ضد غربی و چه پرو غربی، گرفت.

دولتها و رسانه های غربی برای توجیه دفاع خود از جریانات اسلامی مقوله فاندمنتالیسم اسلامی را پیش کشیده اند تا بتوانند شاخه های ضد غربی اسلام سیاسی را از شاخه های پرو غربی و اهل بند و بست و سازش آن جدا کنند. این سیاست قدرتهای غربی را باید افشاء کرد. باید تاثیرات مخرب آن در گسترش دامنه تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی را به مردم خاطر نشان کرد. پیش کشیدن "بنیادگرایی اسلامی" و یا اسلام "خوب و بد" راهی برای بقاء جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی است.

رنگارنگ را گرفت. باید مذهب، اسلام، قوم پرستی، راسیسم و نسبیت فرهنگی و هر نظریه و تفکری که فرهنگ و آمال و ارزشهای یکسان و جهانشمول انسانی را به رسمیت نمی شناسد نقد کرد. و بالاخره باید به مشقات، محرومیتها، ستم، استعمار و اختناق که انسانها را به استیصال سوق میدهد و برخی را قربانی جریانات تروریستی میکند، پایان داد. تلاش ما برای نابودی تروریسم اسلامی، بخشی از مبارزه عمومی ما برای ایجاد جوامعی باز، آزاد، برابر، مرفه و سکولار است که در آن جان و حرمت و آسایش و امنیت انسان ارزش داشته باشد.

اما تروریسم اسلامی صرفا کار چند گروه مرتجع و آدمکش اسلامی بریده از جامعه نیست که با نابودیشان بتوان بساط تروریسم اسلامی را برچید. تروریسم اسلامی يك رکن استراتژیک جنبش اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی آن جنبش ارتجاعی و بستری است که جریانات تروریست اسلامی بر متن آن فعالیت میکنند. اسلام سیاسی جنبشی ارتجاعی با پرچم اسلام بمنظور تجدید سازمان دهی قدرت سیاسی در سطح جوامع خاورمیانه است. این جنبش مدعی قدرت سیاسی در کشورهای مسلمان نشین است. این جنبش ارتجاعی اکنون پر و بال خود را به جوامع غربی نیز گسترانده است.

اسلام سیاسی جنبشی ارتجاعی است که برای تجدید سازماندهی حاکمیت سیاسی جوامع خاورمیانه و مقابله با چپ و طبقه کارگر به میدان آمد. این جنبش را غرب در دوران جنگ سرد از حاشیه جوامع خاورمیانه برای مقابله با آزادیخواهی و برابری طلبی و سوسیالیسم و فشار به بلوک رقیب به جلوی صحنه سیاست کشاند. این جنبش ارتجاعی در دوران پس از جنگ سرد در دوران "نظم نوین" توانست جایگاه برجسته ای در سیاست جهانی، از بوسنیا و چینیا و فلسطین و شمال آفریقا تا برخی از جوامع غربی، پیدا کند. در ایران اسلام سیاسی به کمک غرب به قدرت رسید و خود را در شکل يك حکومت سازمان داد و به همین اعتبار جنبش اسلام سیاسی را به يك نیروی آدمکش با امکانات وسیع دولتی در سطح منطقه تبدیل کرد. این جنبش اکنون يك پای جنگ قدرت در کشورهای مسلمان نشین در خاورمیانه است. و در جنگی برای بقا دست به عملیات تروریستی میزند. پلاتفرم ما برای نابودی تروریسم اسلامی به قرار زیر است:

حل مساله فلسطین

کشور مستقل فلسطینی باید تشکیل شود. مردم فلسطین باید کشور مستقل و دولت متساوی الحقوق خود را داشته باشند. اسلام سیاسی از ظلم و ستمی که تاریخا بر مردم فلسطین رفته است تغذیه میکند. این جنبش ارتجاعی علیرغم اینکه کوچکترین ربطی به ستم وارده بر مردم فلسطین ندارد اما از نارضایتی و بی حقوقی مردم در فلسطین و خاورمیانه بهره برداری میکند و برای خود سرمایه سیاسی میسازد. باید دولت اسرائیل و حامیان غربی آن را تحت فشار قرار داد تا صلح و ایجاد دولت مستقل فلسطینی را با تمام

چگونه میتوان تروریسم اسلامی را نابود کرد ...

سوسپید دولتی به جریانات مذهبی باید قطع شود. حجاب کودکان بدون استثناء باید ممنوع شود. حجاب کودکان تحمیل پوشش فرقه های مذهبی اسلامی به کودکان و ابزاری برای ایجاد آپارتاید جنسی در جامعه و محروم کردن کودکان از فعالیت اجتماعی، تفریح و برخورداری از يك زندگی شاد و خلاق و ایمن است. جامعه باید از منافع و حقوق کودکان قاطعانه دفاع کند. کودکان مذهب ندارند. جامعه باید شرایط یکسان و برابری برای آموزش همه کودکان فراهم کند.

مقابله با راسیسم و مسلمان ستیزی

تروریسم کار مسلمانان نیست. سیاست استراتژیک جنبش اسلام سیاسی و جریانات تروریست اسلامی است. سیاستی که بجای جریانات و دولتهای اسلامی افراد مسلمان را هدف تهاجم سیاسی و تبلیغی خود قرار میدهد، راسیستی و ضد انسانی است. این سیاستهای ارتجاعی عملاً منجر به مقبولیت جریانات و فرقه های ارتجاعی اسلامی در میان قربانیان راسیسم و محیط های اسلامی میشود. مبارزه قاطع با راسیسم و مسلمان ستیزی يك وجه مهم مبارزه علیه اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی است.

فراخوان ما

سازمانها و دولتهای تروریست، تروریسم را به يك واقعیت سیاه در زندگی مردم تبدیل کرده اند. به این وضعیت باید پایان داد. این کار بشریت متمدن و آزادیخواه است. فراخوان ما به مردم جهان این است که برای نابودی تروریسم اسلامی به میدان بیایند و پرچم مبارزه برای خواستههای زیر را برافرازید:

- ۱- قطع کمک های مادی و سیاسی و دیپلماتیک به تمامی دولتهای احزاب و جریانات اسلامی.
- ۲- قطع فوری حمایت از سیاستهای تجاوزگرانه و دولت ارتجاعی اسرائیل.
- ۳- خروج فوری نیروهای نظامی آمریکا و بریتانیا و متحدینشان از عراق و مقابله با سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و ناتو. مبارزه برای بزرگ کردن دولت اسلامی - قومی حاکم در عراق.
- ۴- دفاع پیگیر از مبانی سکولاریسم، جدایی کامل آموزش و پرورش و دولت از مذهب. ممنوعیت مدارس و دادگاه های مذهبی. ممنوعیت حجاب کودکان.
- ۵- مقابله قاطعانه با سیاست راسیستی مسلمان ستیزی.

ما قاطعانه اعلام میکنیم که در صورت عدم حمایت غرب از جریانات اسلامی این جریانات اسلامی و تروریستی از جنبشهای سکولاریستی، آزادیخواهانه و سوسیالیستی در منطقه به آسانی و سرعت شکست خواهند خورد.

دفتر سیاسی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

ژوئیه ۲۰۰۷

اسلام سیاسی بدون حمایت غرب قادر به بقاء نیست و از مردم آزادیخواه و سکولاریسم و سوسیالیسم بسرعت شکست خواهد خورد.

دفاع پیگیر از سکولاریسم

جنبش اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی اکنون پر و بال خود را به محیط های اجتماعی اسلامی در کشورهای غربی نیز گسترانده است. این جنبش از يك طرف زندگی و حقوق مدنی این مردم و به خصوص زنان و دختران و قوانین سیاه ارتجاعی را به آنها تحمیل کرده است. و از طرف دیگر این محیط ها را عملاً به پایگاههایی برای سربازگیری در عملیات انتحاری و آدمکشی تبدیل کرده است. دولتهای غربی از يك طرف با تز تماماً ارتجاعی نسبیت فرهنگی و از طرف دیگر بعضاً با دست شستن و یا حاشیه ای کردن مبانی سکولاریسم در ساختار دولت و آموزش و پرورش عملاً دست جریانات مرتجع اسلامی را در ارباب و تعرض به زنان و حاکم شدن بر سرنوشت و زندگی مردم باز گذاشته اند. این جریانات حتی از کمکهای مادی و معنوی دولتهای غربی نیز برخوردار هستند. برای ریشه کن کردن تروریسم اسلامی باید بدون قید و شرط از جهانشمولی حقوق مدنی و شهروندی انسانها در همه کشورها و در تمام محیط های اجتماعی اسلامی دفاع کرد. هر گونه زیر پا گذاشتن حقوق جهانشمول شهروندان و سازش و همکاری با جریانات اسلامی در حاکم کردن دین بر زندگی مردم در این جوامع باید محکوم شود. در عین حال بدون دفاع پیگیر از سکولاریسم در خود جوامع غربی نمیتوان از سکولاریسم و حاکم شدن قوانین جهانشمول حقوق بشر و حقوق مدنی در محیط های مسلمان نشین بطور پیگیر دفاع کرد. يك پایه ریشه کن کردن اسلام سیاسی در جوامع غربی دفاع پیگیر از سکولاریسم در این جوامع و مقابله با قوانین و روندهایی است که منجر به نفوذ مذهب و دستگاه مافیایی مذهب در حاکمیت سیاسی این جوامع میشود.

برچیدن مدارس اسلامی

مدارس اسلامی مراکزی برای گسترش دامنه آموزش و سیاستهای ضد انسانی اسلام سیاسی است. کودکان در مدارس اسلامی طعمه تحمیل و شستشوی مغزی و تحجر و عقب ماندگی اسلامی میشوند. در این مدارس نفرت، نا برابری انسانها، ضدیت با زن و آزادی و تمدن به کودکان خورنده میشود. این مدارس مجرایی برای عضو گیری گروهها و فرقه های اسلامی و تروریستی هستند. دست مذهب را باید از آموزش و پرورش کوتاه کرد. کلیه مدارس مذهبی را باید برچید. کودکان باید بدور از تعرض و دست اندازی مذهب آموزش ببینند. باید قاطعانه از حقوق کودکان در برخورداری از آموزش و پرورش جدا از مذهب دفاع کرد. يك رکن نابودی و ریشه کن کردن اسلام سیاسی جلوگیری از دست اندازی جریانات اسلامی به کودکان و مصون داشتن آنها از دست فرقه ها و جریانات مذهبی است. دولتهای غربی با باز گذاشتن دست فرقه ها و جریانات مذهبی و یا با کمک مادی به آنها عملاً در قربانی شدن کودکان توسط جریانات اسلامی شریک هستند. مدارس اسلامی باید فوراً برچیده شوند. هر گونه حمایت و

بیانیه دفتر سیاسی

برای مذهب زدایی از جامعه!

مربوط به آنها. ممنوعیت انتساب افراد، فردی یا جمعی، به هر نوع تعلق مذهبی در اسناد رسمی، رسانه ها و غیره. ممنوعیت هر گونه تظاهر و ابراز وجود مذهبی افراد در نظام اداری جامعه.

۲ - تبدیل مذهب به امر خصوصی افراد. آزادی مذهب و بی مذهبی. آزادی انتقاد به کلیه جوانب اخلاقی، فرهنگی و تاریخی مذهب. ممنوعیت تحریکات و تهدیدات مذهبی علیه بیان و ابراز وجود آزادانه افراد. ممنوعیت هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب.

۳ - لغو آپارتاید جنسی. لغو کامل کلیه قوانینی که متضمن جدایی زن و مرد در تمامی شئون جامعه، در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسایل نقلیه عمومی، اماکن کار، آموزشگاهها، و تردد در جامعه است.

۴ - جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش. ممنوعیت تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصل آموزش و پرورش غیر مذهبی هستند. برقراری آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح.

۵ - ممنوعیت مراسم مذهبی خشونت آمیز و غیر انسانی. ممنوعیت هر نوع فعالیت، مراسم و ابراز وجود مذهبی که با آزادی ها و حقوق مدنی مردم و با اصل برابری همه مغایر باشد. ممنوعیت هر نوع ابراز وجود مذهبی که محل آرامش و احساس امنیت مردم باشد. ممنوعیت هر نوع مراسم و رفتار مذهبی که با قوانین و مقررات مربوط به بهداشت و سلامت افراد و محیط زیست و قوانین مربوط به حمایت حیوانات مغایر باشد.

۶ - آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

۷ - زدودن هر نوع رنگ مذهبی از ازدواج در اسناد و مراجع رسمی دولتی. ممنوعیت ایراد هر نوع خطبه مذهبی در مراسم دولتی ثبت ازدواج. ممنوعیت تعدد زوجات و صیغه.

برابری و رفع تبعیض از زنان

تبعیض مذهبی علیه زنان یک مشخصه موقعیت زن در جامعه است. در جامعه ایران که سلطه و فشار مذهب و سنتهای کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکشی و بیحقوقی و فرودستی زن در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند. رؤس اقداماتی که باید بفوریت برای رفع تبعیض بر زنان به اجرا در آید عبارت است از:

جامعه آزاد جامعه‌ای بدون مذهب، بدون خرافه و بدون زنجیر سنن و اخلاقیات کهنه بر اندیشه آزاد انسانها است. مذهب جریانی فکری و اجتماعی فی نفسه تبعیض آمیز، خرافی و مغایر با آزادی و شکوفایی انسان است. مذهب حتی بعنوان امر خصوصی افراد سد راه رهایی و شکوفایی و اعتلای انسان است.

ایران جامعه‌ای اسلامی نیست. حکومت اسلامی است. اسلام یک پدیده ارتجاعی و تحمیلی در ایران است که تنها با قدرت سرکوب و کشتار و شکنجه و سنگسار تاکنون بر سر کار مانده است. بیش از دو دهه است که میخواهند بزور جامعه را اسلامی کنند. قادر نشده‌اند. اسلام یک وصله ناجور بر پیکر جامعه است. اسلامی کردن جامعه بخشی از جهاد ضد انسانی بر علیه تمامی آحاد جامعه است که جنبش اسلام سیاسی و حاکمیت اسلامی دنبال میکنند.

امروز مبارزه علیه حاکمیت اسلامی، اسلام، سنن و اخلاقیات و روابط عقب مانده اسلامی و کل ارتجاع اسلامی بخشی از مبارزه وسیع و همه جانبه مردم برای خلاصی فرهنگی و رهایی است. این مبارزه ای تاریخی علیه خدا و تمام مظاهرش و برای بازگرداندن اختیار به انسان است. این جنبشی است که اصالت و ارزشهای انسانی را در مقابل مذهب نمایندگی میکند. این مبارزه پس از رنسانس بزرگترین تلاش تاریخی علیه سلطه نفوذ مذهب در جامعه است. تأثیرات این تحول اجتماعی سیمای سیاسی خاورمیانه را دگرگون خواهد کرد. این جنبش امروز توسط جنبش کمونیسم کارگری نمایندگی میشود.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمنظور قطع نفوذ مذهب از جامعه خواهان یک مبارزه صریح و روشن و باز و همه جانبه علیه نفوذ دستگاه مذهب است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری در عین تلاش برای آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، در عین اینکه اعتقاد به هر باوری، حتی عقب مانده ترین و ضد انسانی ترین احکام، را حق انکار ناپذیر آحاد جامعه میداند، اما در عین حال خواهان تشدید مبارزه علیه مذهب، گسترش فعالیتهای روشنگرانه ضد مذهبی و مبارزه‌ای همه جانبه بمنظور مذهب زدایی از تمامی شئون جامعه است و برای تحقق اهداف زیر مبارزه میکند.

یک نظام سکولار

سکولاریسم گام اول در مسیر رهایی همه جانبه انسانها از چنگال خرافات و تعصبات جاهلانه مذهبی است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمنظور استقرار یک نظام سکولار خواهان تحقق شرایط زیر است.

۱ - جدایی کامل مذهب از دولت. حذف کلیه مضامین و ارجاعات مذهبی و متأثر از مذهب از قوانین کشور در حوزه آموزش، قضا، کار و تقویم رسمی. لغو مقوله مذهب رسمی. لغو هر نوع ارجاع به مذهب افراد در قوانین و در اوراق هویتی و اداری

بیانیه دفتر سیاسی

برای مذهب زدایی از جامعه ...

۱ - اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقررات و راه و رسمهای مذهبی و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند آزاد و متساوی الحقوق در جامعه است. لغو کلیه تعهدات انقیاد آور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه.

۲ - برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، طلاق، و سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده.

۳ - مبارزه با تلقیهای مذهبی و عقب مانده در جامعه که مانع رشد شعور جنسی مردم و مشخصاً سد راه آموزش جنسی در مدارس و استفاده افراد بزرگسال از وسائل جلوگیری از بارداری و حفظ ایمنی رابطه جنسی است.

مبارزه با "صنعت مذهب"

صنعت جهانی مذهب، دستگاه مذهب اسلام و ادیان اصلی دیگر نظیر مسیحیت، یهودیت، هندوئیسم، و غیره، انجمنهای داوطلبانه معتقدین به اندیشه های معینی نیستند، بلکه نهادهای سیاسی و بنگاههای مالی بسیار عظیمی هستند که هرگز بطور واقعی حسابرسی و کنترل نشده اند، و در قبال اعمال خود مورد بازرسی قرار نگرفته اند. "صنعت مذهب" مانند تمام صنایعی که مضر حال و رفاه آحاد جامعه هستند باید تحت کنترل جامعه قرار گرفته و مردم باید از صدمات آنها مصون نگهداشته شوند. بدین منظور حزب اتحاد کمونیسم کارگری اقدامات زیر را در دستور قرار میدهد:

۱ - ممنوعیت هر نوع تقویت مالی و مادی و معنوی مذهب و فعالیتها و نهادها و فرقه های مذهبی توسط دولت و نهادهای دولتی. ثبت رسمی ادیان و فرقه های مذهبی بعنوان بنگاه ها و نهادهای خصوصی و تابعیت مذهبی از کلیه قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاهها. کنترل مراجع قانونی بر حسابها و دفاتر و دریافتی ها و پرداختی های فرقه ها و نهادهای مذهبی. تابعیت این نهادها از قوانین مالیاتی ناظر بر بنگاههای مشابه.

۲ - مصادره و باز پس گیری کلیه اموال و دارایی ها و اماکنی که نهادهای مذهبی (سازمان اوقاف و سایر نهادهای متعدد مذهبی) چه در طول حکومت رژیم اسلامی و چه در دوران سلطنت پهلوی به زور و یا از طریق تصمیمات دولت، نهادها و بنیادهای مختلف مذهبی تصاحب کرده اند. قرار گرفتن این اموال در اختیار نهادهای منتخب مردم برای استفاده های عام المنفعه و رفاهی جامعه.

تقویم و تعطیلات رسمی جامعه

تقویم جامعه و تعطیلات رسمی جامعه باید هیچگونه نشانی از مذهب برخوردار نداشته باشند. بمنظور تغییر تقویم و تعطیلات رسمی جامعه حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای تحقق شرایط زیر مبارزه میکند.

۱ - حذف هر نوع اشاره به مناسبتها و سالروزهای مذهبی از تقویم رسمی. درکنار تقویم محلی، تقویم میلادی رسمیت قانونی پیدا کند و در اسناد رسمی کشور ذکر شود.

۱ - اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقررات و راه و رسمهای مذهبی و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند آزاد و متساوی الحقوق در جامعه است. لغو کلیه تعهدات انقیاد آور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه.

۲ - برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، طلاق، و سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده.

مصونیت کودکان

یکی از اقدامات عاجل برای تضمین شادی و خلاقیت و ایمنی کودکان جلوگیری از تعرض مذهب به روح و روان کودک و جلوگیری از کودک آزاری است. بمنظور مصون داشتن کودکان از تعرض مذاهب و نهادهای مذهبی حزب اتحاد کمونیسم کارگری اقدامات زیر را در دستور قرار میدهد:

۱ - ممنوعیت دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی به کودکان و افراد زیر شانزده سال. ممنوعیت جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی. ممنوعیت حجاب برای کودکان و افراد زیر شانزده سال. ممنوعیت ختنه کودکان.

۲ - ممنوعیت و لغو کلیه قوانین مذهبی که مانع برخورداری کودکان، اعم از دختر و پسر، از یک زندگی خلاق و شاد و تفریحات و شرکت در فعالیتهای اجتماعی مخصوص کودکان گردد.

روابط جنسی آزاد

قوانین و سنن و اخلاقیات مذهبی یک مانع اصلی برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی همه کسانی است که به سن قانونی بلوغ جنسی رسیده اند. از اینرو حزب اتحاد کمونیسم کارگری خواهان تحقق مفاد زیر است.

۱ - ممنوعیت هرگونه دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان و یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی افراد. روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال با هم امر خصوصی آنهاست و هیچکس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن و یا اعلان عمومی آن را ندارد.

۲ - لغو کلیه قوانین و مقررات مذهبی و ارتجاعی که به رابطه

بیانیه دفتر سیاسی

بیانیه حقوق جهانشمول انسان

مقدمه

میشود در بهترین حالت حقوق سیاسی مشروط و محدودی تصویر میشود که استفاده از آن برای اکثریت کسانی هم که شامل آن شده‌اند ممکن نیست. آزادی و برابری با انقیاد اقتصادی متناقض است. حقوق بشر سرمایه داری با مسکوت گذاشتن این واقعیت نمیتواند پاسخگوی نیاز انسان باشد. بیانیه حقوق بشر تضمین کننده آزادی و برابری انسانها نیست. ابزار جلوگیری از طغیان مردم آزادیخواه و برابری طلب است. وسیله‌ای برای ممانعت از جلب مردم و متفکرین و آزادیخواهان به ابعاد عمیقتر حقوق بشر و درک تناقض حقوق انسان با ماهیت نظام سرمایه داری است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری با انتشار بیانیه حقوق جهانشمول انسان تصویر روشنی از مبنای حقوق انسان را بدست میدهد. حزب اتحاد کمونیسم کارگری این حقوق را حقوق همه انسانها در هر نقطه جهان میداند و برای تحقق آن میکوشد.

اعلام حقوق جهانشمول انسان بعلاوه در متن تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و نقشی که حزب اتحاد کمونیسم کارگری بر عهده دارد اهمیت ویژه خود را دارد. جامعه ایران دستخوش یکی از عظیم ترین تحولات تاریخ خود است. جمهوری اسلامی در شرف سرنگونی است و مردم ایران میتوانند و باید علاوه بر سرنگونی جمهوری اسلامی نظامی را بنا نهند که در آن آزادی و برابری در عمیق ترین و وسیعترین سطح فردی و اجتماعی متحقق گردد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری اعلام میکند که مواد حقوق جهانشمول انسان را حقوق تخطی ناپذیر مردم میداند و با تصرف قدرت سیاسی و اعلام جمهوری سوسیالیستی همه این حقوق را بعنوان مبنای قوانین و سیاست‌های جامعه اعلام میکند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری کلیه احزاب سیاسی و کلیه مردم در ایران و جهان را به حمایت جدی از بیانیه حقوق جهانشمول انسان دعوت میکند.

بیانیه حقوق جهانشمول انسان

مواد زیر حقوق جهانشمول و انکار ناپذیر انسان است. هیچ قانون، سیاست و مقرراتی در جامعه نمیتواند حقوق و بندهای این بیانیه را نقض کند. هیچ فرد یا بخشی از جامعه را از هیچ یک از حقوق این سند نمیتوان محروم کرد یا مورد تبعیض قرار داد. دولت و ارگانهای اداره جامعه موظف به تضمین تحقق این حقوق و بندهای این بیانیه هستند.

۱- حیات پایه‌ای ترین حق انسان است. جسم و روح افراد از هر نوع تعرض مصون است.

۲- استثمار انسان ممنوع است. کار مزدی، که اساس استثمار انسان در دنیای امروز است، و همچنین هر نوع انقیاد، بردگی و بیگاری در هر پوشش و با هر توجیهی ممنوع

جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی از سرکوب و اختناق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی انسانی، آزادی در شکوفائی خلاقیت‌های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی.

جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در مقابل قانون بلکه برابری در برخورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.

اکثریت عظیم مردم جهان اما نه از آزادی بهره‌مند هستند و نه به امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه، که خود خالق آن هستند، دسترسی دارند. مقدرات زندگی مادی و معنوی انسان به تولید برای سود وابسته است. استثمار و انقیاد اقتصادی توده عظیم انسانی قانون حاکم بر جهان است و مقتضیات تولید سود و سود آور نگاه داشتن صدها میلیون انسان منطق نظام سرمایه داری است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی‌مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همگی مصائب و محرومیت‌هایی هستند که هر روز از نو در متن سرمایه داری مدرن امروز، به عنوان اجزاء لاینجزای این نظام، باز تولید میشوند.

آزادی بشر از نظر بورژوازی، در اساس، آزادی استثمار کردن و استثمار شدن است. آنجا هم که پای حقوق بشر به میان کشیده

بیانیه دفتر سیاسی برای مذهب زدایی از جامعه ...

۲ - انتقال روزهای تعطیل در هفته از جمعه به شنبه و یکشنبه برای هماهنگی با اکثر کشورهای جهان.

۳ - حذف کلیه تعطیلات مذهبی از تقویم رسمی جامعه.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری اعلام میکند که تحقق شرایط فوق در گرو بزیر کشیدن و سرنگونی رژیم ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. جمهوری سوسیالیستی اجرا و تحقق فوری اقدامات فوق را برای "مذهب زدایی" از جامعه تضمین میکند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری همه آزادیخواهان، همه آته‌نیستها و همه انسانهای برابری طلب و انساندوست را به این مبارزه تاریخی فرامیخواند.

بیانیه دفتر سیاسی

بیانیه حقوق جهانشمول انسان ...

هیچ حقی در مقابل مردم، چه بصورت فردی و چه بصورت جمعی، ندارند مگر اینکه مردم این حق را به صراحت به آنها داده باشند.

۱۲- دولت و نظام اداره جامعه باید تماماً غیر مذهبی و غیر قومی باشد. هر نوع کمک دولت به اشاعه هر مذهب یا دادن هر نوع مضمون یا ارجاع مذهبی، قومی و یا ملی به قوانین ممنوع است. هر نوع ارجاع به مذهب، قومیت یا ملیت افراد در قوانین و در اوراق هویتی و اداری مربوط به آنها ممنوع است.

۱۳- داشتن یا نداشتن مذهب، بی قید و شرط آزاد است. مذهب از دولت و آموزش و پرورش جداست. هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. انتخاب یا عدم انتخاب مذهب امر بزرگسالان است. کودکان و نوجوانان از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند. جلب افراد غیر بزرگسال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی ممنوع است. تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی ممنوع است.

۱۴- تعیین مذهب رسمی و زبان رسمی اجباری ممنوع است.

۱۵- سلامتی حق هر فرد است و هر کس حق دارد از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن خود از صدمات و بیماری ها برخوردار گردد و از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه استفاده کند.

۱۶- برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن حق هر انسان است.

۱۷- معاشرت و زندگی اجتماعی حق هر انسان است. هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد از محیط اجتماعی و امکان معاشرت با دیگران ممنوع است.

۱۸- جستجو و اطلاع از حقیقت در مورد کلیه جوانب زندگی اجتماعی حق هر کس است. سانسور، و کنترل بر اطلاعاتی که در اختیار شهروندان قرار میگیرد ممنوع است.

۱۹- آموزش حق هر فرد است. هر کس حق دارد از امکانات جامعه امروزی برای ارتقای دانش و تخصص خود و یا آشنائی با دست آوردهای فکری و عملی بشریت زمان خود برخوردار شود. دسترسی به کلیه امکانات آموزشی موجود در جامعه و استفاده از آنها حق هر کس است.

۲۰- هر سالمند حق یک زندگی شاد، خلاق و ایمن را دارد.

است. وسائل و ابزار کار و تولید اجتماعی دارائی جمعی کل جامعه است.

۳- کار فعالیت آزاد و خلاق انسان است. هر کس حق دارد خلاقیت های فکری و عملی خود را گسترش داده و بکار اندازد.

۴- هرکس مستقل از نقش او در تولید میتواند از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه برخوردار گردد. همه انسانها در برخورداری از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه دارای حق برابر هستند.

۵- همه انسانها حق فراغت، تفریح، آسایش و امنیت دارند. هر کس حق دارد از مسکن مناسب و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی برخوردار باشد.

۶- هر کودک حق یک زندگی شاد، ایمن و خلاق را دارد. تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است. همه کودکان و نوجوانان باید استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی، در بالاترین سطح ممکن، را داشته باشند.

۷- هر فرد، بدون قید و شرط، در داشتن هر عقیده و بیان آن در شکل نوشتاری، شفاهی، هنری، یا هر شکل دیگری چه بصورت فردی و چه جمعی آزاد است. نقد هر چیز و انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه، همچنین اعتراض و اعتصاب کردن بصورت فردی یا جمعی حق بی قید و شرط هر فرد است. هر فرد میتواند هر حزب یا تشکلی را ایجاد کند و یا به چنین نهادهائی بپیوندد.

۸- داشتن حرمت و شخصیت حق هر انسان است. هر نوع افترا، هتک حرمت ممنوع است. هر نوع تبلیغ نفرت یا برتری مذهبی، ملی، قومی، نژادی و جنسی ممنوع است.

۹- تفتیش عقاید و تحمیل عقاید ممنوع است. هر کس آزاد است که درباره نظرات و اعتقادات شخصی خود سکوت کند. هر نوع تحریکات و تهدیدات علیه بیان آزادانه نظرات افراد ممنوع است.

۱۰- شرکت مستقیم و مستمر در امر حاکمیت حق هر فرد است. مقامات و نهادهای دولتی و ارگانهای اداره امور از بالا تا پائین باید منتخب مردم باشند. مردم حق انتخاب و عزل کلیه مقامات و پست های سیاسی و اداری در کشور را دارند. کلیه افراد بزرگسال از حق رای همگانی و برابر برخوردارند و حق دارند برای هر نهاد و ارگان نمایندگی و یا احراز هر پست و مقام انتخابی کاندید شوند.

۱۱- دولت، ارگانهای اداره امور یا مقامات مختلف به خودی خود

بیانیه دفتر سیاسی

بیانیه حقوق جهانشمول انسان...

هرکس حق دارد در دوره سالمندی، مستقل از موقعیت مادی خود، از بهترین امکانات زیستی، درمانی و بهداشتی بهره مند گردد. تضمین این حقوق برای سالمندان با جامعه است.

۲۱- آزادی بی قید و شرط سکونت، سفر و نقل مکان حق هر فرد بزرگسال است. هر کس بدون قید و شرط حق دارد به هر کشور سفر کند و یا در هر کشوری اقامت گزیند.

۲۲- هرکس میتواند با پذیرش تعهدات حقوقی شهروندی، شهروند جامعه شود.

۲۳- زندگی خصوصی افراد، محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی مصون است.

۲۴- هرکس در انتخاب لباس آزادی بی قید و شرط دارد. هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی ممنوع است.

۲۵- هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول و اعتقادات وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.

۲۶- برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکارناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی بلوغ جنسی رسیده اند. روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال با هم، امر خصوصی آنهاست و هیچکس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن و یا اعلان عمومی آن را ندارد.

۲۷- رابطه جنسی افراد بزرگسال (بالای سن قانونی بلوغ)، با افراد زیر سن قانونی، ولو با رضایت آنها، ممنوع است.

۲۸- قضات، دادگاه ها و سیستم قضایی بلحاظ حقوقی مستقل هستند. انتخاب و عزل قضات و سایر مقامات قضایی حق مردم است.

۲۹- برپائی دادگاه های ویژه ممنوع است. کلیه محاکمات باید علنی برگزار گردند.

۳۰- همه افراد در مقابل قانون مساوی هستند. هیچ مقام یا فردی مصونیت قانونی ندارد. هر کس بی قید و شرط حق دارد علیه هر مقام دولتی در دادگاههای عادی اقامه دعوا کند.

۳۱- هرکس حق دارد از ادای شهادت علیه خود یا اعتراف خودداری کند.

۳۲- اصل در کلیه محاکمات بر برائت متهم است. برخورداری از امکان رسیدگی و محاکمه منصفانه حق هر فرد است. هر نوع شکنجه، ارباب، تحقیر و اعمال فشار فکری و روانی بر افراد بازداشتی، متهمین و محکومین مطلقاً ممنوع است و مبادرت به آن جرم جنایی محسوب میشود. کسب اعتراف با تهدید و تطمیع ممنوع است.

۳۳- مجازات اعدام و حبس ابد یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد تحت هر شرایطی ممنوع است.

انقلاب اجتماعی و کمونیسم

محور اساسی انقلاب کمونیستی، لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. انقلاب کمونیستی به تقسیم طبقاتی جامعه خاتمه میدهد و نظام مزد بگیری را از میان برمیدارد. بازار، مبادله کالایی و پول حذف میشوند. بجای تولید برای سود، تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هرچه بیشتر همه انسان ها میشوند. کار، که در جامعه سرمایه داری برای اکثریت عظیم مردم تکاپویی ناگزیر و چشم بسته و فرسوده کننده برای امرار معاش است، جای خود را به فعالیت خلاق و داوطلبانه و آگاهانه مردم برای هرچه غنی تر کردن زندگی انسانی میدهد. هرکس، به اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به جامعه انسانی، به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار خواهد بود. از هرکس به اندازه قابلیتش و به هرکس به اندازه نیازش، این یک اصل اساسی جامعه کمونیستی است.

بیانیه حقوق زنان

جمهوری سوسیالیستی است. امری که حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای آن مبارزه میکند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند. رؤس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون بفوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید عبارت است از:

۱ - اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۲ - تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره. لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.

۳ - لغو کامل آپارتاید جنسی، ممنوعیت هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد (زن و مرد) از محیط اجتماعی و امکان معاشرت.

۴ - حق هر زوج بالای ۱۶ سال به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود. ممنوعیت هر نوع اجبار و اعمال فشار از جانب هر فرد و مرجعی بر افراد در امر انتخاب همسر، زندگی مشترک و جدایی.

۵ - برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت داری ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه. لغو کلیه تعهدات انقیاد آور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن

مردسالاری و زن ستیزی یکی از وجوه تاریک و شرم آور جامعه بشری است. رهایی زن و برابری زن و مرد یک آرمان تاریخی و قدیمی بشریت است. تاریخ شاهد جنبش های وسیع برای آزادی زن بوده است.

تبعیض علیه زنان خاص ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیست. تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. ولی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ستمکشی زن ابعادی هولناک بخود گرفته است. جمهوری اسلامی از بدو حاکمیتش با شلاق و ترور و شکنجه به حقوق زنان یورش برده است. همواره تلاش کرده است تا موجودیت زنان را زیر حجابی سیاه بپوشاند؛ تلاش شان برای دستیابی به استقلال اقتصادی را سد کند؛ موجودیت جنسی شان را با سنگسار پاسخ گوید؛ و با توسل به خشن ترین شیوه های سرکوب موقعیت زن را در جامعه و خانواده به دوران قرون وسطی بازگرداند. حاکمیت آپارتاید جنسی و تحمیل حجاب اسلامی برجسته ترین نمادهای بردگی جنسی جامعه امروز ایران است.

از همان ابتدای حیات جمهوری اسلامی یک مبارزه بلاانقطاع و رادیکال علیه این بردگی جنسی و زن ستیزی عریان تولد یافته است. مبارزه علیه ستمکشی زن بمثابة یک رکن مهم مبارزه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه برسمیت شناخته شده است. هم اکنون یک جنبش وسیع، پر قدرت و بالنده برای دفاع از حقوق زنان در جریان است. طی دو دهه گذشته این جنبش از فراز و نشیب های بسیاری عبور کرده است و اکنون با صدایی رسا خواست آزادی زن را در مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری طنین انداز کرده است. جنبش آزادی زن جنبشی رادیکال و ضد اسلامی است.

جنبش برای آزادی زن در ایران به یمن مبارزات خستگی ناپذیر، دخالت گسترده و نفوذ و تاثیر کمونیسم کارگری هر روز رادیکالتر و منسجم تر میشود. کمونیسم کارگری تلاش های جریانات راست و ملی- اسلامی در به سازش کشیدن جنبش آزادی زن و در کند کردن رادیکالیسم این جنبش را افشاء و طرد نموده است. کمونیسم کارگری در پیوند عمیق خود با جنبش آزادی زن خواستها و آمال آن را گسترش داده و تعمیق کرده است. کمونیسم کارگری به سخنگو و رهبر رادیکال این جنبش بدل شده و پرچم آزادی زن را بلند کرده است. جنبش آزادی زن امروز از ارکان مهم مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

رهایی زن و برابری کامل زن و مرد در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی، لغو مناسبات سرمایه دارانه و برقراری

بیانیه حقوق زنان ...

لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت را مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح. ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با زنان در نهادها و موسسات اجتماعی. ممنوعیت قید جنسیت در آگهی های شغلی. حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیرآمیز نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابلاً گنجانیدن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمکشی زن در جامعه. ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به زنان.

۹ - آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس، لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

۱۰ - تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمحض کسب قدرت این حقوق را بعنوان قوانین رسمی کشور اعلام خواهد کرد.

**رهایی زن و برابری کامل زن و مرد
در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی،
لغو مناسبات سرمایه دارانه و برقراری
جمهوری سوسیالیستی است. امری که
حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای آن
مبارزه میکند.**

در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

۶ - برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکار ناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی و بلوغ جنسی رسیده اند.

۷ - برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت بر تصدی مشاغل و حرفه های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه ها، مرخصی ها، ساعات و شیفت کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه ها برای تضمین ادامه کاری حرفه ای و شغلی زنان، نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز زنان در محل کار. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد با پرداخت حقوق که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها.

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه ای و محیط های کار اعم از دولتی و غیر دولتی و انتفاعی و غیر انتفاعی. تعقیب قانونی و مجازات سنگین بنگاه ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه ای تخطی کنند.

ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی که، با توجه به فشار یکجانبه کار خانگی و نگهداری از فرزندان بر زنان در شرایط کنونی، ورود زنان به فعالیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در خارج خانواده را تسهیل میکند.

۸ - لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، در داخل و خارج کشور، به میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب

بیانیه حقوق مهاجرین!

۶- شمول کلیه قوانین کار و رفاه اجتماعی نظیر کلیه حقوق و وظایف شهروندان کشور بدون هیچ تبعیضی بر کلیه کارگران و خارجیان مقیم کشور، برابری کامل حقوقی همه کارگران، مستقل از تابعیت و محل تولد.

۷- حق هر زوج بالای ۱۶ سال، مستقل از تابعیت، به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود. شمول برابر کلیه قوانین مربوطه به خانواده. برابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد مستقل از تابعیت در امور مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی. برابری حقوق طرفین در هنگام جدایی نسبت به دارایی ها و امکاناتی که در طول زندگی مشترک عاید خانواده شده و یا در طول زندگی مشترک مورد استفاده کل خانواده بوده است.

۸- تمام ساکنین ایران مستقل از تابعیت در انتخاب محل زندگی، سکونت و شغل خود آزادند. هرگونه جداسازی و ایجاد محدودیت بر اتباع خارجی در انتخاب محل زندگی، سفر، نقل مکان و انتخاب شغل، ممنوع است.

۹- برخورداری کلیه کودکان از یک زندگی شاد، ایمن و خلاق، مستقل از تابعیت. تضمین استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان، در بالاترین سطح ممکن.

۱۰- حذف هر نوع ارجاع به تابعیت افراد از اوراق هویتی، اسناد دولتی و فعل و انفعالات اداری و یا اعلام آن در رسانه ها.

ما اعلام میکنیم که تحقق حقوق و آزادیهای فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی تمامی شهروندان ساکن ایران در گرو بزرگ کشیدن و سرنگونی رژیم ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی و همچنین مبارزه ای همه جانبه علیه ناسیونالیسم، قوم پرستی و نژادپرستی است. جمهوری سوسیالیستی موازین مندرج در این بیانیه را بعنوان حقوق انکار ناپذیر تمامی ساکنین ایران مستقل از تابعیت تضمین خواهد کرد.

فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری
فوریه ۲۰۰۷

تحقق حقوق و آزادیهای فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی تمامی شهروندان ساکن ایران در گرو بزرگ کشیدن و سرنگونی رژیم ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی و همچنین مبارزه ای همه جانبه علیه ناسیونالیسم، قوم پرستی و نژادپرستی است.

ما برای استقرار یک نظام آزاد، برابر، مرفه، سکولار و پیشرو، برای یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه میکنیم. برابری کامل و بی قید و شرط کلیه ساکنین ایران، مستقل از تابعیت، محل تولد و یا مدت اقامت در ایران در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی، یکی از ارکان پایه ای جمهوری سوسیالیستی است. ما به صف مقدم مبارزه علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق داریم و معتقدیم که برابری حقوقی و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود. ما در عین حال علیه هر گونه درجه بندی رسمی و تلویحی شان و شخصیت افراد بر حسب محل تولد و یا تابعیت، قاطعانه مبارزه میکنیم. ما برای تحقق و تضمین وسیعترین آزادیها و حقوقهای فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی برای کلیه ساکنین ایران مستقل از تابعیت مبارزه میکنیم. اهم این حقوق و آزادیهای عبارتند از:

۱- کلیه ساکنین ایران مستقل از تابعیت و محل تولد، بدون هیچگونه تبعیضی، از حقوق و وظایف شهروندی برابر در تمامی عرصه های فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی برخوردار خواهند بود. هر فرد ساکن ایران عضو برابر و متساوی الحقوق جامعه است. تمامی قوانین جامعه بدون استثناء مستقل از تابعیت و یا زمان اقامت شامل حال تمامی ساکنین در ایران میشود.

۲- ممنوعیت اعمال هر نوع محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر کشورها. اعطای تابعیت کشور به هر فرد متقاضی که تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد. صدور جواز ورود، اقامت، اجازه کار و کارت های بیمه و غیره برای همه متقاضیان اقامت در ایران.

۳- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل کلیه افراد مستقل از تابعیت و یا زمان اقامت در ایران. آزادی بی قید و شرط انتقاد و نقد. ممنوعیت هر گونه تحریک و تهدید علیه مهاجرین و یا افراد دارای تابعیت کشورهای دیگر.

۴- تمامی ساکنین جامعه بالاتر از شانزده سال مستقل از تابعیت از حق رای همگانی و دخالت در کلیه شئون زندگی و حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه برخوردارند و میتوانند برای هر نهاد و ارگان و یا احراز هر پستی و مقامی کاندید شوند.

۵- برخورداری کلیه ساکنین کشور مستقل از تابعیت از حق معاش و ضروریات یک زندگی متعارف، حق فراغت، تفریح و آسایش، حق آموزش و استفاده از کلیه امکانات آموزشی جامعه، حق سلامتی و برخورداری از کلیه امکانات بهداشتی و درمانی موجود.